



وزارت معارف
ریاست انکشاف کتاب
تعلیمی و تالیف
کتاب درسی

زبان و ادبیات دری

صنف دوازدھم



مؤلفان: احمد یاسین «فرخاری»
دکتور اسدالله «محقق»



وزارت معارف
ریاست انکشاف نصاب
تعلیمی و تالیف
کتاب درسی

زبان و ادبیات دری

صنف دوازدهم

مؤلفان: احمد یاسین «فرخاری»

دکتور اسدالله «محقق»



وزارت معارف ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی دیپارٹمنٹ زبان و ادبیات دری

نام کتاب : زبان و ادبیات دری (صنف دوازدھم)

مؤلفان : احمد یاسین فرخاری

دکتور اسدالله « محقق »

ویراستار علمی و مسلکی : پوھندوی عبدالرازق « اسمر »

ویراستار زبانی : الحاج محمد عظیم « صادقار »

طرح و دیزاین :

قطع : ۲۴ X ۱۷ سم

نوبت چاپ : اول

سال چاپ : ۱۳۸۸

پیام وزیر

خداوند جل جلاله را سپاسگزاریم که در نتیجه ارادهٔ راسخ و قربانی های ملت مجاهد ما و مساعی جمیله سازمان ملل متحد و کشورهای بشردوست جهان، صلح سراسری و نظام سیاسی مشروع در کشور استقرار یافت و به مصیبت چندین سالهٔ ناشی از جنگ پایان داد. دولت جمهوری اسلامی افغانستان و در راس جلالتمآب حامد کرزی از بدو تاسیس نظام مردمی حاکم، به منظور نیل به اهداف والای ملی، طرح پروگرام های نوینی را در تمام عرصه های باز سازی و انکشافی کشور در دستور کار خویش قرار داده است. با سپاس بیکران از حمایت بیدریغ و رهنمودهای داهیانهٔ جلالتمآب شان تلاشهای پیگیر و اقدامات موثری در عرصهٔ تعلیم و تربیه و در راستای نوسازی و شگوفایی معارف و تربیت نسل جوان به مثابهٔ افراد دارای روحیهٔ اسلامی، وحدت ملی، انسانهای متمدن و مسلمانان واقعی و نیرومند در مرحلهٔ تطبیق قرار دارد، که خیلی ها ارزنده و حایز اهمیت است. وزارت معارف در راستای طرحها و ابتکاراتی که در جهت بازسازی معارف افغانستان روی دست دارد، ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی را موظف گردانید، تا از یک طرف مشکل کمبود و نبود کتب درسی مکاتب را رفع نماید و از جانب دیگر در روشنی پالیسی و اهداف علمی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به تهیه و تدوین نصاب تعلیمی واحد که جوابگوی نیازمندیهای حال و آیندهٔ کشور باشد، بپردازد. هدف نصاب تعلیمی جدید، تربیت و تعلیم اسلامی و علمی اولاد وطن که با مقتضیات جامعهٔ ما و معیارهای بین المللی موافق بوده و در راستای محتوای آن تفکر سالم را در اندیشهٔ اطفال، نوجوانان و جوانان دانش آموز تقویت نماید و آنان را با دست آوردهای دانش نوین آشنا سازند، می باشد. جوانان کشور ما باید مسلمانان متدین، وطندوست، مردم دوست، مجهز با زیور علم و کمال بار آیند و با انکشاف علوم و پیشرفت تمدن معاصر آشنایی حاصل نموده، با عزم راسخ از تحولات جدید و مثبتی که به میان آمده، مستفید گردند. آنها به منظور ساختن افغانستان نوین و ایجاد جامعهٔ مرفه، علاوه بر تحولات ساینس و تکنالوژی، بایست از اساسات علوم انسانی، حقوق بشر، صلح، وحدت ملی و همزیستی مسالمت آمیز آگاه بوده، وطندوستی، حفظ محیط سالم زیست، مبارزه با چهل و تولید و قاچاق مواد مخدر را در اولویت های امور تعلیمی و آموزشی خود قرار دهند.

از معلمان صدیق، دلسوز و با تجربه ما که در تطبیق نصاب تعلیمی جدید، مسؤولیت عظیم آموزش و پرورش اولاد کشور را به عهده دارند و از سایر شخصیت های علمی، فرهنگی و دانشمندان عرصه معارف کشور تمنا داریم، با ارائه نظریات و پیشنهادات سازندهٔ خویش مؤلفان ما را در تألیف و بهبود کتب درسی همکاری نمایند.

همچنان از کشورها و سازمان های محترم تمویل کننده (دانیدا، یونیسف، یونیسکو، بانک جهانی و ادارهٔ انکشاف بین المللی ایالات متحدهٔ امریکا) که در چاپ کتب، وزارت معارف را همکاری مادی نموده اند، سپاسگزار هستیم.

امیدواریم تمام شاگردان عزیز، معلمان گرامی، مادران و پدران محترم در حفظ کتابهای درسی از هیچگونه کمک و همکاری دریغ نفرمایند.

فاروق وردک

وزیر معارف جمهوری اسلامی افغانستان

فهرست

شماره درس	عنوان	صفحه
درس اول	حمد (مناجات)	۱
درس دوم	نعت	۵
درس سوم	ادبیات از دیدگاه اسلام	۹
درس چهارم	ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل	۱۷
درس پنجم	استقلال فردی و اجتماعی	۲۵
درس ششم	کلیله و دمنه	۳۱
درس هفتم	شعر دری از لحاظ قالب شعری	۳۷
درس هشتم	آیین سخنرانی	۴۵
درس نهم	علم معانی	۵۱
درس دهم	امیرعلی شیر نوایی	۵۷
درس یازدهم	اضرار مشروبات الکولی (شراب)	۶۳
درس دوازدهم	رُمان چیست؟	۶۹
درس سیزدهم	چهارمقاله	۷۵
درس چهاردهم	دو چهره فرهنگی و ادبی	۷۹

شماره درس	عنوان	صفحه
درس پانزدهم	معلولیت	۸۵
درس شانزدهم	گابریل گارسیا مارکیز	۸۹
درس هفدهم	مکتب‌های ادبی	۹۳
درس هژدهم	ازدواج‌های اجباری	۹۹
درس نوزدهم	احمد شاه بابا و نمونه شعر دری او	۱۰۷
درس بیستم	آرشیف ملی	۱۱۱
درس بیست و یکم	علم عروض	۱۱۵
درس بیست و دوم	دانش و هنر	۱۱۹
درس بیست و سوم	ژانرها یا انواع ادبی	۱۲۳
درس بیست و چهارم	نقد ادبی	۱۲۹
درس بیست و پنجم	ادبیات دری در قرون ۱۳ و ۱۴	۱۳۵
درس بیست و ششم	نقش جوانان در انکشاف و توسعه کشور	۱۴۱
درس بیست و هفتم	دکتور عبدالاحمد جاوید	۱۴۵
درس بیست و هشتم	فرخی سیستانی	۱۵۱
	واژه‌نامه	۱۵۷
	فهرست منابع	۱۶۲

پروردگار!

سال نو تعلیمی را با نام و یاد تو آغاز می‌نمایم و با بلند نمودن دست دعا به تو پناه می‌بریم و از تو می‌خواهیم که ما را پناه دهی و آتش نخوت و غرور را به خرمن اعمال ما در نیندازی و آرامش سرتاسری را در کشور ما تأمین نمایی.

مناجات

الهی، بنیاد توحید ما خراب مکن و باغ امید ما بی آب مکن.
 الهی، اگر حساب با مایه‌داران است، من درویشم و اگر با مفلسان است، من از همه بیشم.
 الهی، بر سر ما خاک خجالت نثار مکن و ما را به بلای خود گرفتار مکن.
 الهی، بهشت بی تو جای شادی نیست و جز از دوستی تو روی آزادی نیست.
 الهی، دلی ده که در شکر تو جان بازیم و جانی ده که کار آن جهان سازیم.
 الهی، دانایی ده که از راه نیفتم و بینایی ده که در چاه نیفتم.
 الهی، یقینی ده که در آز بر ما باز نشود و قناعتی ده که حرص ما باز نشود و چشم امید ما جز بر روی تو باز نشود.
 الهی، مگوی که چه آورده اید که درویشانیم و مپرس که چه کرده اید که رسوایانیم.
 الهی، تحقیقی ده تا از دنیا بیزار و توفیقی ده که در دین استوار شویم.
 الهی، نگاه دار تا پشیمان نشویم و به راه آر که سرگردان نشویم.
 الهی، دلی ده که طاعت افزون کند و توفیق طاعتی که به بهشت رهنمون کند.
 الهی، دلی ده که در آن آتش هوا نبود و سینه‌یی که در آن آب زرق و ریا نبود.
 الهی، اگر پرسی حجت نداریم و اگر سنجی بضاعت نداریم، اگر بسوزی طاقت نداریم.
 ماییم همه مفلسان بی مایه و همه از طاعت، بی پیرایه و همه محتاج و بی سرمایه.
 الهی، اگر یک بار گویی بنده من، از عرش بگذرد خنده من.
 الهی، اگر کاسنی تلخ است از بوستان است و اگر عبدالله معجرم است از دوستان است.

الهی، همه می خواهند که در تو نگرند و عبدالله می خواهد که تو در وی نگری.
 الهی، حجاب ها از راه ما بردار و مارا به ما مگذار.
 الهی، اگر چه بهشت چشم و چراغ است، بی دیدار تو درد و داغ است.
 الهی، من به حور و قصور ننازم، اگر نفسی با تو بیردازم از آن هزار بهشت بر سازم.
 الهی، آفریدی رایگان و روزی دادی رایگان، بیامرز رایگان، که تو خدایی نه بازارگان.
 الهی، اگر کار به گفتار است بر سرگوینده گان تاجم و اگر به کردار است به شهادت
 محتاجم

مناجات نامه

تو ضیما

* مناجات: راز و نیاز به درگاه خداوند جل جلاله را گویند. مناجات نامه مسجع
 خواجه عبدالله انصاری از شهرت به سزایی برخوردار است.
 نثر مسجع: به نثری گفته می شود که در آن جمله های قرینه، دارای سجع
 باشد. سجع در نثر به منزله قافیه است در شعر. سجع در لغت به معنای «آواز پرنده» است
 و عموماً «آواز کبوتر و فاخته» را گویند و به طور خاص و در اصطلاح ادبا؛ آوردن
 کلمه های هم وزن یا هم قافیه است در پایان جمله.
 * شیخ الاسلام عبدالله بن محمد انصاری هروی در سال ۳۹۶ هـ. ق. متولد شد. وی
 از محدثان، مفسران، عارفان و شاعران افغانستان و جهان اسلام در قرن پنجم می باشد.
 برخی آثار او عبارت اند از: مناجات نامه به نثر مسجع، که معروف ترین نوشته اوست،
 رساله دل و جان به نثر مسجع، رساله واردات، کنز السالکین که رساله یی است به نظم
 و نثر، قلندرنامه و محبت نامه.
 این عالم بزرگ بعد از یک عمر تدریس در سال ۴۸۱ هـ. ق. در هرات وفات یافت
 و در محله گازرگاه به خاک سپرده شد.



ییا‌موزیم

- ۱- مناجات نامه، یکی از معروف ترین نوشته‌های خواجه عبدالله انصاری است که به نثر مسجع نگارش یافته است.
- ۲- شیخ الاسلام عبدالله بن محمد انصاری هروی در سال ۳۹۶ هـ. ق. تولد و در سال ۴۸۱ هـ. ق. وفات یافت.
- ۳- خواجه عبدالله انصاری از مفسران، محدثان، عارفان و شاعران قرن پنجم می‌باشد.



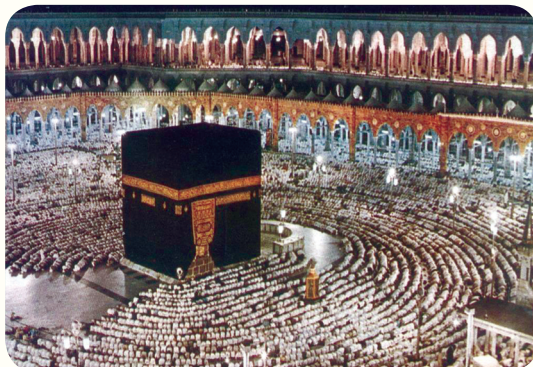
درست بنویسیم

- هرگاه حرف آخری واژه، «الف» باشد و در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار گیرد، پس از الف یک «ی» به عنوان علامت اضافه نوشته می‌شود؛ اما این «ی» به صورت مستقل نوشته شده، هیچگاه با واژه‌های، قبلی و بعدی خویش نمی‌پیوندد؛ مانند:
- خدای بزرگ، آشنای دیرین، گدای متکبر (توصیفی)
- گل‌های باغ، دریای کابل، مولانای بلخ (نسبتی)
- تذکره محمود، مهمان‌خانه حویلی، آرامگاه ناصر خسرو (اضافی)



کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت خواجه عبدالله انصاری به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به شاگردان دیگر انتقال دهد.



- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده و فرق میان حمد، مناجات و نعت را به هم‌صنفی‌های خود بیان کند.
- ۳- چند شاگرد در مورد تصویر سخنرانی کنند.

املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعدی که در بخش «درست بنویسیم» خواندید، در کتابچه‌های تان یک متن خوب بنویسید.

خود آزمایی

- ۱- خواجه عبدالله انصاری بیشتر به نگارش چه نوع نثر شهرت دارد؟
- ۲- خواجه عبدالله انصاری کی بود؟
- ۳- آیا خواجه عبدالله انصاری گذشته از مناجات‌نامه، کتاب‌های دیگری هم دارد؟ نام ببرید.

کارخانه‌گی

- ۱- یک مقاله در باره خواجه عبدالله انصاری بنویسید که قواعد خوانده شده «درست بنویسیم» در آن تطبیق شده باشد.
- ۲- این مناجات را به حافظه بسپارید:
الهی، بنیاد توحید ما خراب مکن و باغ امید ما بی آب مکن.
الهی، اگر کاسنی تلخ است از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است از دوستان است.
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس دوم

درس امروز توسط یک شاگرد معرفی شود که تشریحاتش

جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱- نعت را از نظر لغوی و اصطلاحی توضیح دهید.

۲- پیرامون معجزه شق القمر چه می‌دانید؟

۳- برای سعادت دارین، پیروی از پیغمبر ﷺ ضروری است. توضیح دهید.

۴- در مورد آثار و شرح حال سعدی معلومات دهید.

نعت

کَریم السجایا جمیل الشیم	نبی البرایا شفیع الامم (۱)
امام رسل، پیشوای سیل	امین خدا، مهبط جبرئیل
یتیمی که ناکرده قرآن درست	کتب‌خانه چند ملت بشست (۲)
چو عزمش بر آهیخت شمشیر بیم	به معجز میان قمر زد دو نیم (۳)
چو صیتش در افواه دنیا فتاد	زلزل در ایوان کسری فتاد (۴)
شبی بر نشست از فلک برگذشت	به تمکین و جاه از ملک برگذشت
چنان گرم در تیه قربت براند	که در سدره جبرئیل از او باز ماند
بدو گفت سالار بیت الحرام	که ای حامل وحی، برتر خرام (۵)
بگفتا فراتر مجالم نماند	بماندم که نیروی بالم نماند
اگر یک سر مو فراتر پر	فروغ تجلی بسوزد پر
چه نعت پسندیده گویم تو را	علیک السلام ای نبی الوری (۶)
خدایت ثنا گفت و تبجیل کرد	زمین بوس قدر تو جبرئیل کرد
چه وصف کند سعدی ناتمام	علیک الصلوۃ ای نبی السلام

سعدی

سعدی: مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی، شاعر بزرگ و نویسنده گرانقدر در سال‌های اول سده هفتم هجری قمری در شیراز به دنیا آمد. خانواده وی از عالمان دینی بودند. وی در جوانی به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه و مدرسه‌های دیگر درس خواند و به تکمیل علوم پرداخت. وی سفرهای زیادی کرده است؛ از آن جمله به عراق، شام و حجاز مسافرت داشت. در اواسط سده هفتم و در زمان سلطان اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی (۶۲۳-۶۸۸ ه. ق.) سعدی به شیراز بازگشت و در سال ۶۵۵ هجری قمری، کتاب معروف خود «بوستان» یا «سعدی‌نامه» را به نظم نگاشت و نیز اثر مشهور دیگر خود «گلستان» را در بهار ۶۵۶ هجری قمری تصنیف کرد. از آثار دیگر سعدی می‌توان به غزل‌ها، ترجیع بند، رباعی‌ها، مقاله‌ها و قصیده‌های عربی» او اشاره کرد که همه در کلیات وی جمع شده است. به عنوان مثال کتاب گلستان وی دارای هشت باب می‌باشد؛ که به ترتیب عبارتند از: در سیرت پادشاهان، در اخلاق درویشان، در فضیلت قناعت، در فواید خاموشی، در عشق و جوانی، در ضعف و پیری، در تأثیر تربیت و در آداب صحبت. وفات سعدی بین سال‌های (۶۹۱ و ۶۹۴ ه. ق.) در شیراز اتفاق افتاد و در همان جا نیز به خاک سپرده شد.

۱- «کریم‌السجایا جمیل‌الشیم نبی‌البرایا شفیع‌الامم» او (پیغمبر) دارای اخلاق نیک و عادات پسندیده است. پیامبر خداست بر امت و شفاعت‌کننده گروه‌های مردم است.
۲- پیامبری که هنوز وحی بر او تمام نشده بود، با رسالت خود، همه ادیان را منسوخ کرد.

۳- چون تصمیم به انداز مشرکان گرفت، با معجزه خود ماه را به دو نیم کرد. مصراع دوم اشاره است به شق‌القمر: شگافتن ماه که از معجزات پیغمبر اسلام در برابر درخواست منکران است.
سوره قمر آیه ۱: «إِقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ» آن ساعت نزدیک آمد و ماه آسمان شگافته شد.

۴- تزلزل در ایوان کسری فتاد: ایوان مداین، کاخ بزرگ ساسانیان در تیسفون که بخشی از آن هنوز باقی است و در روایات آمده است که هنگام تولد پیامبر اسلام حوادثی روی داد و از آن جمله، شگاف برداشتن ایوان کسری بود؛ به تعبیری دیگر در قدرت ساسانیان خلل راه یافت.

۵- حامل وحی: جبرئیل امین و سالار بیت الحرام، پیامبر اکرم ﷺ است.

۶- نبی الوری: پیامبر و فرستاده خدا بر مردم (وری: مردم)

درست بنویسیم



- هرگاه حرف آخری واژه، «الف» باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین بازهم در میان واژه و پسوند، یک «ی» علاوه می شود که این «ی» همیشه با واژه های پس از خود باید به صورت پیوسته نوشته شود مانند:
- پسوند جمع «آن» نانو+ی+ان= نانوایان، گدایان، بینایان.
- پسوند تنکیر «ی»: آشنا+ی+ی= آشنایی، پارسایی، دلربایی.
- پسوند صفت نسبتی «ی» دریا+ی+ی= دریایی، کاپیاسایی.
- هرگاه حرف آخری واژه «الف» باشد، در پیوند تصغیر «ک» در میان واژه و پسوند یک «گ» علاوه می شود که همیشه با واژه بعد از خود باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند: زیباگک، جولاگک، گيراگک.



پیاموزیم

- ۱- نعت: ثنا و صفت پیامبر خدا ﷺ را گویند.
- ۲- سعدی در جوانی به بغداد رفت و آنجا در مدرسه نظامیه و درسگاه های دیگر درس خواند و به تکمیل علوم پرداخت.
- ۳- بوستان و گلستان از نوشته ها و آثار گرانقدر و معروف سعدی است.
- ۴- پیامبر خدا با رسالت خود همه ادیان را منسوخ کرد.

کار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت گرامی پیامبر خداوند ﷺ به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده، نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده پیرامون نعت شیخ سعدی به همصنفی های

خود معلومات دهد.

۳- چند شاگرد در مورد تصویر
زیر دو دو دقیقه سخنرانی کنند:



املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خود بنویسید.

۲- با در نظر داشت قواعد املائی که خواندید، در کتابچه های تان مقاله یی پیرامون نعت پیامبر خداوند ﷺ بنویسید.

خودآزمایی

۱- سعدی در کدام نوع سخن ید طولا دارد؟ واضح سازید.

۲- در مورد نعت پیامبر خداوند ﷺ چه می دانید؟

۳- آثار شیخ سعدی را نام ببرید.

۴- بیت پنجم نعت شریف را شرح دهید.

کارخانه گی

۱- به رویت متن نعت، قواعد املائی این درس را مقایسه کرده، بیان دارید.

۲- این بیت را به حافظه بسپارید.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری

۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیری.

شاگردان به پرسش‌های زیر پاسخ‌های مناسب ارائه بدارند:
۱- پیامبر محبوب اسلام جایگاه واژه «ادب» را چگونه تصویر فرموده اند؟

۲- فرق بین «ادب» و «ادبیات» چیست؟

۳- ویژه‌گی‌های ادب اسلامی کدام‌ها اند؟

ادبیات از دیدگاه اسلام

واژه «ادب» معانی و تعبیرهای گوناگونی دارد. عده‌یی آن را تأدیب و تهذیب دانسته و برخی هم معارف و تجربه‌های انسانی گفته اند و نیز کلمه ادب به معنای تأدیب و آموزش انسان و توجیه به سوی خوبی‌ها و زیبایی‌های کلامی، کرداری و دعوت به امور خیر و ارزش‌های عالی می‌باشد.

پیامبر محبوب اسلام جایگاه واژه «ادب» را چه زیبا و شیوا بیان فرموده اند: «همانا قرآن ادبگاه خداوند بر روی زمین است؛ پس از این بیاموزید.» بار دیگر و در همین باب پیامبر گرامی اسلام جایگاه «ادب» را چنین به اوجگاه می‌کشاند: «پروردگار مرا ادب آموخت، پس تأدیب مرا نیکو گردانید.» این است فراخنای کلمه «ادب و ادبیات» در قاموس اسلام.

و هم معنای لغوی «ادب» دانش، فرهنگ، معرفت، روش پسندیده، خوی خوش و «آداب» جمع کلمه «ادب» است و «علم ادب» به دانشی گفته می‌شود که با تسلط بر آن، شخصی می‌تواند درست شعر بگوید و نثر زیبا بنویسد، سخن درست و نادرست و زشت و زیبا را تفکیک دهد. واژه مرکب «ادبیات» به علمی اطلاق می‌شود که مربوط به «ادب» باشد که قدما این علوم را صرف، نحو، لغت، اشتقاق، معانی، بیان، بدیع، عروض و قافیه و بهره یافتن از هر علم به قدر حاجت، دانسته اند. ادبیات به مفهوم آنچه در باره علوم و مسایل ادبی گفتگو کند نیز تبیین شده است.

و همین‌سان «ادب» به طور عام بر مجموع معارف انسانی اطلاق می‌گردد؛ اما به صورت خاص، ادب و یا ادبیات به کلامی گفته می‌شود که تعبیرکننده افکار، احساسات و

تجارب انسانی در قالب هنری مؤثر باشد. واژه «ادب» همراه با کاروان تاریخ انسانی راه دور و درازی را پیموده است و فراز و فرود و مد و جزرهایی را تجربه کرده تا به روزگار ما رسیده است. در حال حاضر هرگاه کلمه «ادب» به گوش رسید، به صورت عام ذهن انسان را به تراوش‌های ذهنی در عرصه «شعر و نثر» و «نثر ادبی» رهنمون می‌سازد.

صاحب‌نظران عرصه ادب دو عنصر اساسی را در تعریف و مفهوم ادب ضروری می‌دانند که عبارت اند از: «مفکوره» و «قالب فنی» و یا «مضمون» و «شکل هنری». برخی نویسنده‌گان و اندیشمندان، ادب اسلامی را عبارت از «تعبیر هنری بازتاب زنده‌گی، هستی و انسان بر وجدان ادیب از خلال جهان بینی اسلام» تعریف نموده اند. هرگاه خواسته باشیم نگاه گذرایی به جایگاه و سیر حرکت ادب اسلامی نماییم، می‌بینیم:

وقتی که خورشید اسلام طلوع کرد، ادبیات عرب به خصوص در فنون شعر و خطابه به اوج خود رسیده بود. شعر و خطابه در انسان عربی چنان تأثیر عمیق داشت که بر روح و روان و حرکات و سکنات زنده‌گی وی چیره شده بود؛ بنابر حکمت و مشیت خداوند ﷺ قرآن کریم به خاطر اثبات اعجاز کلام الهی، شعرا و فصیحای عرب را به آوردن سورتی مانند قرآن فراخواند که از آن عاجز آمدند. جر کشیدن سخنوران و فصیحای عرب اگر از یک طرف تأکید و تأیید بر صدق نبوت پیامبر خاتم بود از جانب دیگر نشانه ارج و اهمیت بزرگی بود که اسلام برای سخن بلیغ، کلام فصیح و ادبیات بلند و برتر قایل می‌باشد و چه شرفی برای ادب، بزرگ‌تر ازین که قرآن خود اوج و قله فصاحت و بلاغت و بنیادی است برای ادب عالی و برتر.

خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام دستور داد با سلاح سخن و یا «کلمه قرآن» به جهاد مشرکین بپردازد (وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا) (سوره الفرقان: آیه ۵۲) ترجمه: با (سلاح) قرآن به جهادی بزرگ با آن‌ها جهاد کن. با درک تأثیر شعر و فنون سخن در حیات فکری و اجتماعی عرب، شعرا و خطبای پیامبر ﷺ در صحنه‌های مقابله و مبارزه با همتاهای‌شان دست بالایی را نصیب گردیدند؛ تا آنجا که در یک مبارزه فکری و ادبی (شعر و خطابه) اقرع بن حابس زعیم هیأت قبیله بزرگ تمیم چنین اعلام اعتراف نمود: «یقیناً این مرد (پیامبر ﷺ) منصور و تأیید شده است؛ زیرا خطیب وی سخنگوتر از خطیب ما، و شاعر او شاعرتر از شاعر ماست» و یکجا با قوم خود به دین اسلام مشرف گردید.

بدین ترتیب شعر و ادب در عهد نبوی و دوران خلفای راشدین در سایه تعالیم اسلام و اخلاق ایمان، حرکت نمود و در سینه‌های شعرا و ادبای صدر اسلام، وصف و نعت پیامبر ﷺ، رثای شهدای اسلام، افتخار به نعمت‌های خداوند ﷻ و دیگر اشکال شعر و ادب انعکاس و تجلی یافت. در این مرحله مضامین و عناوین دوران جاهلی شعر و ادب مبنی بر افتخار به جاه و مال، نژاد و قبیله، هجو و ذم نامیمون، غزل فاحش و عریان، ناپدید گردیده جای خود را به مکارم اخلاق و ارزش‌های والای انسانی و اسلامی گذاشت. ادب و هنر با مایه‌های انسانی والا در دامن میمون و پر برکت تمدن اسلامی راه رشد پیمود و بر تارک تاریخ اسلام و تمدن بشری چنان مطلوب و برجسته درخشید که سخن گفتن از مفاخر و دست‌آوردهای انسانی در عرصه‌های فرهنگ و گنجینه‌های فرهنگی بدون پرداخت به ادب و هنر اسلامی ناممکن و دشوار است؛ اما این راه و رسم به مرور زمان و با ظهور فتنه‌های کشنده در برهه‌هایی از زمان دچار اختلال و انحراف شد. کاروان شعر و ادب اسلامی با تأثر پذیری از بحران‌های تاریخ از سیر درست بازماند و گرد و غبار توفان‌های روزگار حرکت این کاروان را مختل کرد. با به ضعف گراییدن ادبیات اسلامی، هنر و ادب در بسیاری از موارد از ارزش‌های والای انسانی تهی گشته و ادب و هنر منحرف وارد میدان شد که تا هنوز بسیاری از جریان‌های ادبی در کشورهای اسلامی در تاریکی و گمراهی راه می‌پیماید. اکنون با گذشت بیشتر از یک‌هزار و چهارصد سال، کاروان شعر و ادب در عرصه‌های مختلف، در سرزمین‌های مختلف با زبان‌های گوناگون از جمله در کشور عزیز ما افغانستان ضرورت به تجدید نظر و نقد دارد تا مسیر خود را باز یابد.

ظهور انجمن‌های ادبی در سطوح ملی و بین‌المللی یکی از پدیده‌های مثبت در جهان ادبیات معاصر است؛ در این راستا تشکیل انجمن جهانی ادبیات اسلامی که نخبه‌ترین ادبا، شعرا، ناقدان، داستان و ناول نویسان، و اندیشمندان عرصه‌های ادبیات را به حیث اعضای خود دارد خدمات مفیدی را در شناسایی، نشر و گسترش ادبیات اسلامی به زبان‌های مختلف دنیا انجام داده است.

برخی از ویژه‌گی‌های ادب اسلامی

عصرهای اخیر، به خصوص آغاز قرن بیستم شاهد ظهور مکتب‌های ادبی مختلفی بود؛ از قبیل مکتب‌های ادبی تقلیدی یا کلاسیسم، رومانتیسم، ریالیسم، سمبولیسم،

اگزستانسالیزم، کوسموپولیتسم، هنر برای هنر و دیگران که هر یکی از این مکتب‌های ادبی ویژه‌گی‌ها و خصوصیت‌های فکری خاص خود را دارا بوده تعبیر کننده افکار و نظرات مکاتب فکری و فلسفی خاصی می‌باشند؛ زیرا ادب و هنر قالب و وسیله‌ی است برای نشر عقاید، اندیشه‌ها و فلسفه‌های مختلف و هر ادیب و هنرمند آن‌را به خاطر نشر و گسترش فکر و نظر خویش به کار می‌گیرد، و چه بسا که فکر منحرف و اخلاق آلوده و فاسد از لابه‌لای فرآورده‌های هنری و ادبی، جوامع و انسان‌ها را به لجنزارهای فساد و تباهی کشانده است. از نظر نویسنده گان و اندیشمندان اسلام، ادبیات اسلامی نیز صفات و خصوصیت‌های خاص خود را دارد که با این ویژه‌گی‌ها و خصوصیات از سایر مکاتب ادبی متمایز می‌گردد. این ویژه‌گی‌ها و خصوصیات از فکر و عقیده اسلامی سرچشمه می‌گیرد تا صفت ادبیات اسلامی را کسب نماید. ادب اسلامی صفات و خصوصیات و ویژه‌گی‌های زیاد دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم:

اول - التزام عقیدتی و اخلاقی

نخستین ویژه‌گی و خصوصیت ادبیات اسلامی «ملتزم بودن» است؛ به این معنی که ادب اسلامی ادب ملتزم و مبتنی به عقیده اسلامی بوده دیدگاه آن به انسان، حیات، هستی، جمال و زیبایی به اساس جهان بینی اسلامی استوار می‌باشد.

دوم - رسالت و هدفمندی

ادبیات اسلامی دارای مقصود و غایتی است که این خصوصیت از حقیقت اسلام سرچشمه می‌گیرد. به این معنی که فرد مسلمان خویشتن را بالاتر از آن می‌داند که از وی گفتار و یا کردار و رفتاری سرزند که مقصود و فایده‌ی در ورای آن وجود نداشته باشد. ادیب مسلمان نمی‌پسندد که وقت خویش را ضایع سازد، استعداد و طاقت خود را به هدر دهد، و یا اوقات بنده گان خدا و طاقت و توان ایشان را بدون ثمر ضایع نماید.

سوم - تکامل و فراگیری

اسلام به نفس و روان انسانی دید همه‌جانبه و فراگیر دارد و به اعتبار این که انسان مرکب از جسم و روح، هر دو است؛ بنا ادب اسلامی انسان را از همه جوانبش مورد توجه و ارزیابی قرار می‌دهد تا در وی انسجام و توازن و هم‌نواپی ایجاد نماید و کشمکش و تناقض و دوگانگی را از او دور سازد.

چهارم- واقع گرایی

منظور از واقع بینی و واقع گرایی اسلامی نسبت به انسان، روش مکتب ادبی واقعی ریالیسم غربی نیست که انسان را در ساحه کوچک و تنگنای مادیت محدود و محصور ساخته واقعیت بزرگ حیات انسان را با عمق و طول و زمان و مکان وی فراموش نماید؛ بلکه واقع گرایی ادب اسلامی انسان را با ضعف و نقص و سقوطش به حیث نقاط ضعف و ناپسند انسان در نظر گرفته؛ اما این حالات را مانند ادب واقعی غربی، دایمی و همیشه گی ندانسته به تقدیس و ترسیخ آن نمی پردازد؛ زیرا از دید ادبیات اسلامی حالات ضعف و انحراف بشری قابل تدارک و تکامل می باشد و ادب و هنر درین راستا نقش سازنده و بنیادین دارد.

پنجم- مثبت گرایی و سازنده گی

خصوصیت اساسی دیگر ادب اسلامی مثبت گرایی و فعالیت رو به ارتقای انسان است که این خاصیت از مبادی اصلی اسلام مایه می گیرد؛ زیرا اسلام ضعف، لغزش، سقوط و ارتکاب گناه را برای انسان می پذیرد؛ چنانکه آفریدگارش او را وصف نموده (وَخُلِقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا) (سوره النساء: آیه ۲۸) یعنی: همانا انسان، ضعیف آفریده شده؛ اما با همه این نقایص و ضعف ها، باز هم ادب اسلامی انسان را به سلبيت و تسلیم شدن در برابر ضعف و ناتوانی دعوت نمی کند؛ بلکه ادب اسلامی در چنین حالاتی با روحیه التزام و مثبت گرایی دست انسان را می گیرد و او را از گودال های یأس و ضعف و کسالت به سوی امید، قوت، حرکت و سعادت رهنمون می سازد.

ششم- ادب برای ادب

«ادب برای ادب» و یا «هنر برای هنر» را به رسمیت نمی شناسد؛ بلکه هنر و ادب را برای خیر و فضیلت و تعهد و اخلاق و خدمت گزاری انسان و جامعه می داند. قرآن کریم شعرای مؤمن و متعهد و با رسالت را از قطار شعرای هرزه گو و بی هویت و بی ماهیت جدا ساخته مورد ستایش قرار می دهد: (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ) (سوره الشعراء: آیه ۲۲۷) ترجمه: مگر کسانی (شاعرانی دروغگو و گمراه نیستند) که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می دهند و خدا را بسیار یاد می کنند، و به هنگامی که مورد ستم واقع می شوند به دفاع (از خویشان و مؤمنان) بر می خیزند؛ آن ها که ستم

کردند به زودی می‌دانند که بازگشت شان به کجاست! پیامبر ﷺ زیبایی سخن و حکمت شعر را ستوده احساس اعجاب و هیجان خویش را در برابر تأثیر شعر و سخن ابراز فرمودند: (ان من البيان لسحرا) یعنی برخی سخنان تأثیرات جادویی دارد و (ان من الشعر لحكمة) یعنی در برخی از اشعار حکمت نهفته است؛ چنانچه شاعران خویش را دعوت نمودند تا از شعر و ادب برای دفاع از ارزش‌های اسلام و حاکمیت جامعه اسلامی کار بگیرند و در این راستا برای تشویق حسان بن ثابت رضی الله عنه فرمود که با شعر به مقابلهٔ مشرکین که در مکه و اطراف آن در قرن اول هجری می‌زیستند، برخیزد و روح الامین (جبرئیل علیه السلام) همواره پشتیبان او خواهد بود. این است هنر و ادب اسلامی که با مضمون و محتوا و دلالت و معنایش با سایر مکاتب ادبی و هنری تمایز پیدا می‌کند.

خوشبختانه شعر و ادب اسلامی از قرون متمادی در کشور عزیز ما افغانستان، ریشه‌های عمیق دوانده و بر جامعهٔ افغانی تأثیر عمیقی بر جای گذاشته است. در جامعهٔ ما در ادوار مختلف نویسندگان و شعرایی قد علم نموده اند که در روشنی رهنمایی‌ها و ارشادات اسلامی حالت موجود جامعه را به بررسی گرفته، راه خیر و فلاح را به مردم نشان داده، ظلم ظالمان و عملکرد ناروای حکمرانان را تفتیح نموده اند. بر نسل جوان افغانستان است تا با چنین ویژگی‌ها، ارزش‌ها، معیارها و توانایی‌های هنری و ادبی خود را رشد و تقویت بخشند و کاروان سرگردان هنر و ادبیات کشور را به مسیر اصلی اش برگردانند. هجوم فرهنگی جهانی و تقلید ناپسند از هنر و ادبیات بیگانه فضای ادبی ما را تیره و تار ساخته و ادبیات این سرزمین اسلامی را به ابتذال می‌کشاند. با گذشت روزها و سال‌ها مضامین، عناوین و موضوعات هنر و ادب تنگ‌تر می‌شود و نسل جوان کشور غیر از مضامین و عناوین مبتذل و مکرر چیز دیگری را برای رشد مواهب ادبی و هنری خود نخواهد دید. هنر و ادبیات اسلامی افق‌های جدیدی را به پهنای زمین و آسمان، انسان و جهان، دنیا و آخرت به روی فرهیخته‌گان ادب و هنر باز می‌سازد؛ پس بر نو نهالان علم و عرفان و فرزندان ادب دوست میهن است تا استعداد ادبی و هنری خود را بیازمایند و چون ستاره‌گان در آسمان علم، معرفت، هنر و ادب ملتزم و متعهد بدرخشند.

توضیحات هنر برای هنر

در اواخر قرن نوزدهم مفکوره ادبی «هنر برای هنر» بر ضد مکتب ادبی رومانتیسم ظهور کرد. به عقیده پیروان این مکتب شاعر به هیچ وجه نمی‌خواهد شعرش دارای امید و آرزو و خواهشی باشد؛ فقط برای هنر محض احترام قایل است و به زیبایی شکل و طرز بیان اهمیت می‌دهد. به عقیده پیروان این طرز فکر «شعر نباید بخنداند و نه بگریاند؛ بلکه باید فقط زیبا باشد و هدف خود را در خود بجوید».



بخوانیم و بدانیم

- ۱- کلمه «ادب» در برگیرنده معانی و دلالت‌های متعدد و متنوع راجع به تأدیب و تهذیب نفس و فراگیری معارف و تجارب انسانی می‌باشد.
- ۲- علم «ادب» به دانشی گفته می‌شود که با تسلط بر آن، شخص می‌تواند درست شعر بگوید و نثر زیبا بنویسد.
- ۳- صاحب نظران عرصه ادب، دو عنصر اساسی را در تعریف و مفهوم ادب ضروری می‌دانند که عبارت اند از: «مفکوره» و «قالب فنی» یا «مضمون» و «شکل هنری».
- ۴- پیامبر بزرگوار اسلام فرموده اند: «همانا قرآن ادبگاه خداوند بر روی زمین است؛ پس از این دعوت بیاموزید».
- ۵- شعر و ادب در عهد نبوی ﷺ و دوران خلفای راشدین در سایه تعالیم اسلام و اخلاق ایمان حرکت نمود.



درست بنویسیم

- واژه‌های عربی جرأت، ملجأ، تأدیه، مأخذ، تأثیر، تأدیب، تأخیر، تأیید، تأکید، مأمور و امثال این‌ها، در زبان دری به همین شکل نوشته می‌شوند.
- با در نظر داشت عدم موجودیت دسته‌بندی مذکر و مونث در زبان دری، بهتر است واژه‌های معلمه، شاعره، رئیس، مدیر، حاجیه و... را با حذف «ت تأنیث { ه }»، به شکل معلم، شاعر، رئیس، مدیر، حاجی و... نوشته و با نشانه دری جمع بنسیم؛ مانند: معلم / شاعر، شاعران، رئیس / رئیس، مدیر / مدیران، حاجی / حاجیان و....

کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در مورد جایگاه ادب در اسلام و نقش آن در

- زنده گی باهم بحث و گفتگو کنند.
- ۲- سه تن از شاگردان پیرامون چگونگی شعر و ادب در عهد پیامبر اسلام ﷺ و خلفای راشدین در برابر صنف سخنرانی نمایند.
- ۳- شاگردان در مورد این که ادبیات بعد از اسلام با ادبیات دوره جاهلیت چه تفاوت پیدا نمود؟ باهم مباحثه نمایند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی، به خوانش می گیرد املا بنویسید.
۲. با نظر داشت قواعد املایی که در بالا خواندید، در کتابچه های تان یک متن بنویسید که از هفت سطر کم نباشد و حد اقل پنج کلمه از آنچه خواندید، در آن به کار رفته باشد.

خود آزمایی

- ۱- «ادب» انسان را از چه چیزهایی باز می دارد؟
- ۲- «ادب» به طور عام بر چه چیزهایی اطلاق می گردد؟
- ۳- واژه «ادب» از کدام دو عنصر اساسی در تعریف ادبیات حایز اهمیت می باشد؟
- ۴- به نظر شما فصاحت و بلاغت کلام و شعر، بر ذهن انسان چه تأثیر می گذارد؟
- ۵- تیوری «ادب برای ادب» چه معنی دارد؟
- ۶- به کدام نوع فرآورده های ادبی، هنر و ادب مبتذل گفته شده می تواند؟
- ۷- قرآن کریم، به خاطر چی شعرا و فصحای عرب را به آوردن آیتی مانند قرآن فرا خواند که از آن عاجز آمدند؟

کارخانه کی

- ۱- شاگردان با همکاری و رهنمایی استاد مضمون در مورد جایگاه ادب در اسلام و خصوصیات عمده آن مقاله یی بنویسند که کم از یک صفحه نباشد.
۲. ابیات آتی را به حافظه بسپارید:
 لاف سرپنجه گی و دعوی مردی بگذار عاجز نفس فرومایه چه مردی چه زنی
 گرت از دست برآید دهنی شیرین کن مردی آن نیست که مثنی بزنی بر دهنی
 سعدی
- ۳- شاگردان متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرند.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی
شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. بیدل کی بود و در کدام زمان می‌زیست؟
۲. مهمترین آثار او چه نام دارد؟
۳. چرا درک مفاهیم شعری او مشکل است؟ شما شعر او را چگونه
ارزیابی می‌کنید؟

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل بزرگترین شاعر غزل‌سرای عرفانی و فلسفی فرزند میرزا عبدالخالق در سال ۱۰۵۴ هجری قمری در شهر عظیم آباد پتنه در هندوستان چشم به جهان گشود. نسبت او به قبیله «ارلاس» بدخشان افغانستان می‌رسد. خانواده او همه سپاهی پیشه و نظامی مسلک بودند. این که چه زمان، چرا و چگونه نیاکانش به سرزمین هند مهاجرت کرده بودند، نامعلوم و در پرده‌یی از ابهام است. «عبدالقادر» هنگامی که هنوز بیش از چهار و نیم سال نداشت پدرش را از دست داد و درسایه سرپرستی و تربیت کاکایش «میرزا قلندر» که خود از صوفیان باصفا بود مکتب و مدرسه را رها کرد و تحت آموزش معنوی وی قرار گرفت. او در کنار «میرزا قلندر» با مبانی تصوف آشنایی لازم پیدا کرد؛ هم‌چنین در این راه از امداد و دستگیری «مولانا کمال» دوست و پیشوای معنوی پدر بهره‌ها برد.

«بیدل» هنگامی که سیزده سال بیشتر نداشت به مدت سه ماه با سپاه «شجاع» یکی از فرزندان شاه جهان در ترهت (سرزمینی در شمال پتنه) به سر برد و از نزدیک شاهد درگیری‌های خونین فرزندان شاه جهان بود، پس از آن نزاع‌های خونین داخلی فروکش کرد و اورنگ‌زیب فرزند دیگر «شاه جهان» صاحب قدرت سیاسی در هند شد، بیدل همراه با مامای خود «میرزا ظریف» در سال ۱۰۷۱ به شهر «کتک» مرکز اوریسه به دیدار «شاه قاسم هواللهی» رفت و این سال از مهمترین وقایع زنده گی وی به شمار می‌رود. وی سه سال در اوریسه از فیوض معنوی شاه قاسم بهره برد.

بیدل چهره‌یی خوشایند و جثه نیرومند داشت، فن کشتی را نیک می‌دانست و ورزش‌های طاقت‌فرسا از معمولی‌ترین فعالیت‌های جسمی او بود. در سال ۱۰۷۵ هـ. ق. به دهلی رفت، هنگام اقامت در دهلی دایم‌الصوم بود و آن چنان که خود در چهارعنصر نقل کرده است، به سبب تزکیه درون و تحمل انواع ریاضت‌ها و مواظبت بر عبادات، درهای اشراق بر جان و دلش گشوده شده بود و مشاهدات روحانی به وی دست می‌داد، در سال ۱۰۷۶ هـ. ق. با «شاه کابلی» آشنا شد، دیدار با شاه کابلی تأثیری عمیق بر او گذاشت. و در همین سال در فراق اولین مربی معنویتش میرزا قلندر به ماتم نشست، وی در سال ۱۰۷۸ هـ. ق. سرایش مثنوی «محیط اعظم» را به پایان رساند. این مثنوی دریای عظیمی است لبریز از تأملات و حقایق عرفانی. دو سال بعد، مثنوی «طلسم حیرت» را سرود و به نواب عاقل خان رازی که از حامیان او بود هدیه کرد. تلاش معاش او را به خدمت در سپاه شهزاده «اعظم شاه» پسر اورنگ زیب باز گرداند؛ اما پس از مدت کوتاهی، چون از او تقاضای مدیحه کردند، از خدمت سپاه استعفا داد. بیدل در سال ۱۰۹۶ هـ. ق. به دهلی رفت و مقدمات یک زنده‌گی توأم با آرامش و عزلت را در دهلی فراهم کرد. زنده‌گی شاعر بزرگ در این سال‌ها به تأمل و تفکر و سرایش شعر گذشت و منزل او میعادگاه عاشقان، شاعران و اهل فکر و ذکر بود، در همین سال‌ها بود که بیدل به تکمیل مثنوی «عرفان» پرداخت. با وجود تشنج و درگیری‌های سیاسی در بین سران سیاسی هند و شورش‌های منطقه‌یی و آشفته‌گی اوضاع، شاعر عارف تا آخرین روز زنده‌گی خود از تفکرات ناب عرفانی و آفرینش‌های هنری باز نماند. بیدل آخرین آیینۀ تابان شعر عارفانه بود که نور وجودش در تاریخ چهارم صفر ۱۱۳۳ هـ. ق. به خاموشی گرایید.

آثار بیدل

از بیدل به جز از دیوان غزلیاتش آثار ارزشمند دیگری نیز در دست است که بیشتر از نود هزار بیت را تشکیل می‌دهد که مهمترین آن‌ها قرار زیر است:

- ۱- مثنوی عرفان ۲- مثنوی محیط اعظم ۳- مثنوی رقعات ۴- مثنوی طلسم حیرت
- ۵- رباعیات ۶- چهارعنصر ۷- رقعات ۸- نکات ۹- طور معرفت و...

زبان شعر بیدل

در شعر بیدل بار ادبی و معنایی کلمات به سرحد کمال خود رسیده است و همچنین موارد جدیدی نیز به آن افزوده شده و زبان نیز در عین ایجاز و در ظاهر اجمال است. به گونه‌یی که خواننده شعر او برای آن که فهم درستی از شعر وی داشته باشد، لازم است به اندازه کافی از سنت شعر دری مطلع و به اصول اساسی عرفان اسلامی آگاه باشد. شعر بیدل همچون جنگلی بزرگ و ناشناخته است که در اولین قدم به بیننده آن حس حیرت و شگفتی دست می‌دهد و چون پا به داخل آن می‌گذارد دچار غربت و اندوه و ترس می‌شود و در واقع مدتی طول می‌کشد تا با شاخ و برگ و انواع درختان و پرندگان و راه‌هایی که در آن است آشنا شود؛ اما چون مختصر انس و الفتی با آن پیدا می‌کند، به شور و اشتیاق در صدد کشف ناشناخته‌هایش بر می‌آید.

• بیدل شاعری است باتخیل تخلیقی، کشف روابط باریک در بین موضوعات گوناگون و طرح مسایل پیچیده عرفانی به شاعرانه‌ترین زبان، و همچنین نوآوری شاعر در مسایل زبانی و سبکی، دقتی ویژه و ذهنی ورزیده را از مخاطب برای فهم دقیق و درک لذت از شعر وی، طلب می‌کند.

• بیدل شاعری با حکمت و تفکر قدسی است. او غیر از غزلیاتش که هر یک آینه مجسم از شعر ناب اند، در مثنوی‌های «محیط اعظم»، «عرفان»، «طلسم حیرت»، «طور معرفت» به تبیین اندیشه‌های عرفانی خود پرداخته است. در میان این مثنوی‌ها دو مثنوی «محیط اعظم» و «عرفان» از قدر و شأن ویژه‌یی برخوردار اند، مثنوی محیط اعظم را شاعر در روزگار جوانی خود سروده است.

ویژه‌گی‌های شعر بیدل

• از مهم‌ترین ویژه‌گی‌های شعر «بیدل» می‌توان به باریک‌اندیشی، خیال‌انگیزی، به کارگیری ترکیبات نو، تشخیص بخشیدن به چیزهای بی‌جان، بهره‌گیری از نمادها و تلمیحات، استفاده از شیوه‌های شاعران گذشته، ساده‌گی بیان و تازه‌گی زبان شعری توصیف طبیعت، بازی با کلمات و تکرار قافیه، تناقض و عرفان اشاره کرد. گرچه وی به نیکویی واقف است که زبان با تمام امکان‌ها و قابلیت‌هایش، هرگز تاب معانی بلند او را نمی‌آورد؛ چنان که خود می‌گوید:

ای بسا معنی که از نامحرمی‌های زبان با همه شوخی، مقیم پرده‌های راز ماند

- یکی دیگر از ویژه‌گی‌های شعر «بیدل» آن است که اندیشه‌ها در لایه‌های متعدد و متنوع معنایی، پیچیده و پنهان شده است و فهم ابعاد شعر وی بدون توجه به این نکته امکان ناپذیر خواهد بود. شعر بیدل را باید بارها و بارها خواند؛ چرا که در هر بار خواندن معنایی دیگر را متجلی نموده و مشام مخاطب را از عطر شگفت و غریبی که گویی از بهار گم‌شده در پرده‌های غیب وزیده است سرشار می‌سازد.
- از خصوصیات دیگر و امتیاز شعر بیدل کثرت کاربرد ترکیبات بکر و تازه در آن است که برای درک درست از شعر او، ناگزیر باید با شیوه کاربرد ترکیبات وی مأنوس و آشنا بود، به عنوان نمونه در این بیت:

دلیل کاروان اشکم، آه سرد را مانم اثر پرداز داغم، حرف صاحب‌درد را مانم
ترکیب‌های «کاروان اشک» و «اثر پرداز داغ» ساخته ذهن و زبان آفرینش‌گر بیدل است.

اندیشه‌های فلسفی بیدل

- از مفاهیم فلسفی در شعر بیدل می‌توان به دو مفهوم «هستی» و «عدم» اشاره کرد. برخلاف بسیاری از شاعران که به کاربرد ادبی و دو واژه اکتفا کرده اند، بیدل با چیره دستی و تسلط تمام بر معانی فلسفی و مباحث مرتبط با «عدم» و «هستی» به شرح و بسط شاعرانه و فیلسوفانه این مفاهیم پرداخته است.
- دو دیگر واژه حیرت به مثابه مفهوم عرفانی - فلسفی نقش و جایگاه مهمی در تفکر و شعر بیدل دارد. یکی از نمادها و اصطلاحات متناظر با حیرت در شعر بیدل آینه است. او چندان به آینه و کاربرد آن در شعر خود الفت داشته که او را «شاعر آینه‌ها» نامیده‌اند؛ ترکیباتی از قبیل: آینه‌خانه، آب آینه، آینه‌خو، آینه‌گری آینه‌پرداز، آینه‌آغوش، آینه‌داری، جوهر آینه، صیقل آینه، خانه آینه، آینه حسن، غبار آینه، خیال آینه، تمثال آینه و... تنها بخشی از آینه پردازی‌های ادبی و فکری «بیدل» به شمار می‌رود.
- دیگر از واژه‌های پر کاربرد و کلیدی عرفانی - فلسفی در شعر بیدل واژه «هیچ» است. به طور کلی این واژه در نظریه‌های عرفانی، کاربرد معنایی دوگانه‌یی داشته

است: هیچ در معنای عدم یا نیستی و هیچ در پوچی و بیهوده‌گی. در معنای نخست، مفهوم «هیچ» مساوی است با نیستی سالک در نفس خویش و نیل به وجود مطلق؛ اما در دومین معنی، مفهوم «هیچ» با معانی و مفاهیمی از قبیل بی‌معنایی، پوچی محض و خلا مترادف می‌باشد. معنای دیگری که عارفان از این اصطلاح اراده کرده‌اند و خالی شدن از توهّمات «هست و نیست» و رهایی از تعلقات «نفس اماره» است که می‌توان آن را هیچ‌انگاری عرفانی نامید.

نمونه کلام بیدل

پی اشک من ندانم به کجا رسیده باشد
 زپی‌ات دویدنی داشت به رهی چکیده باشد
 تب و تاب موج باید زغرور بحر دیدن
 چه رسد به حال آن کس که ترا ندیده باشد
 به نسیمی از اجابت چمن حضور داریم
 دل چاک بال میزد سحری دمیده باشد
 به چمن زخون بسمل همه جا بهار ناز است
 دم تیغ آن تبسم رگ گل بریده باشد
 دل ما نداشت چیزی که توان نمود صیدش
 سر زلفت از خجالت چقدر خمیده باشد
 چه بلندی و چه پستی چه عدم چه ملک هستی
 نشنیده ایم جایی که کس آرمیده باشد
 همه کس سراغ مطلب به دری رساند و نازید
 من و ناز نیم‌جانی که به لب رسیده باشد
 به هزار پرده «بیدل» ز دهان بی‌نشانش
 سخنی شنیده‌ام من که کسی ندیده باشد

توضیحات

سالک: کسی که به طریق سلوک صوفیانه به مقام و مرتبتی برسد که از اصل و حقیقت خود آگاه شود.

نفس اماره: اماره به معنای بسیار امرکننده است و نفس اماره، یعنی نفسی که به لذت‌ها و شهوت جسمانی میل کند و قلب را به جهت سفلی بکشانند. روح انسانی را به اعتبار غلبه نفس حیوانیت، نفس اماره گویند.



بیاموزیم

۱. ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل بزرگ‌ترین شاعر غزل‌سرای عرفانی و فلسفی در سال ۱۰۵۴ هجری قمری در هندوستان چشم به جهان گشود.
۲. جز ازدیوان غزلیات، آثار دیگری از بیدل نیز در دست است که بیش از نود هزار بیت را تشکیل می‌دهد.
۳. مهمترین آثار بیدل عبارتند از: طور معرفت، طلسم حیرت، محیط اعظم، چهار عنصر، عرفان، رقعات، نکات و رباعیات.
۴. باریک‌اندیشی، خیال‌انگیزی، به کارگیری ترکیبات نو، تشخیص بخشیدن به چیزهای بی‌جان، بهره‌گیری از نمادها و تلمیحات، استفاده از شیوه‌های شاعران گذشته ساده‌گی بیان و تازه‌گی زبان شعری، توصیف طبیعت، بازی با کلمه‌ها و تکرار قافیه از مهمترین ویژگی‌های شعر «بیدل» است.
۵. بیدل آخرین آئینه تابان شعر عارفانه بود که نور وجودش در تاریخ چهارم صفر ۱۱۳۳ هـ.ق. به خاموشی گرایید.



درست بنویسیم

- هرگاه حرف پایانی واژه، «الف» باشد، در هنگام پیوستن با ضمایر مشترک «خود، خویش، خویشان» و ضمایر اضافی «تان، شان، مان» بیاید، در میان واژه و پسوند یک «ی» علاوه می‌شود؛ اما این «ی» به صورت مستقل نوشته شده، با واژه‌های پسین و پیشین خویش نمی‌پیوندد؛ مانند:

- خود: بالای خود، کالای خود، آشنای خود.
- خویش: سیمای خویش، سودای خویش، فردای خویش.
- خویشان: تنهای خویشان، گیرای خویشان، غم‌های خویشان.
- تان: گل‌های تان، صدای تان، پیشوای تان.
- شان: غوغای شان، غذای شان، بقای شان.
- مان: خدای مان، نوای مان، زیبای مان.
- اما اگر حرف پایانی واژه، «الف» باشد و در هنگام پیوستن با ضمائر اضافی «-ت»، «-م» و «-ش» قرار گیرد، بازهم همان «ی» در میان واژه و ضمیر علاوه می‌شود؛ اما «ی» باید با ضمیر به صورت پیوسته نوشته شود؛ زیرا این‌ها ضمائر متصل اند و خاصیت شان پیوستن است، مانند:
- ت: کالایت، دستهایت، ادایت.
- ش: زیبایش، مامایش، بهایش.
- م: گپهایم، جایم، کتاب‌هایم.

کار گروهی و سخنرانی

۱. چند تن از شاگردان به ترتیب در مورد زنده گی، آثار، ویژه گی‌های شعری، زبان شعری و اندیشه‌های فلسفی بیدل درمقابل صنف قرار گرفته و سخنرانی نمایند.
۲. چند تن از شاگردان، در مورد مفهوم بیت زیر سخنرانی کنند:
چه بلندی و چه پستی چه عدم چه ملک هستی
نشینده ایم جایی که کس آرمیده باشد

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد در کتابچه‌های تان املا کار کنید.
۲. بادر نظر داشت قواعد املائی که در بالا خواندید، واژه‌های کجا، میرزا، صفا و رها را در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک و واژه‌های مولانا، صفا و آشنا را در هنگام پیوستن با ضمائر اضافی در جمله‌های مناسب به کار برده در کتابچه‌های خویش بنویسید.

خود آزمایی

۱. سه ویژه گی عمده شعر بیدل را بیان کنید.
۲. به نظر شما کدام شاعر دیگر می تواند با «بیدل» برابری کند؟ به چه دلیل؟
۳. واژه های «هستی» و «عدم» چه جایگاهی را در شعر «بیدل» احراز کرده اند؟
۴. برای باریک اندیشی، خیال انگیزی و ترکیبات نو در شعر بیدل یک - یک مثال بیاورید.
۵. هرگاه حرف پایانی واژه، «الف» باشد، در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک «خود، خویش، خویشان» چگونه نوشته می شود؟ با ارائه مثال ها واضح سازید.

کارخانه گی

۱. معنی، مفهوم و شرح ابیات زیر را در کتابچه های خویش نوشته و دو ترکیب تازه کلمات را از میان همین ابیات استخراج نمایید؛ همچنان این بیت ها را حفظ نمایید:
تب و تاب ——— ج باید ز غرور بحر دیدن
چه رسد به حالم آن کس که ترا ندیده باشد
به نسیمی از اجابت چمن حضور داریم
دل چاک بال میزد سحری دمیده باشد
۲. متن کامل درس پنجم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی
شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد و در
پایان چند شاگرد به سؤال‌های زیر جواب دهند:

- ۱- استقلال چه معنی دارد؟ استقلال فردی و اجتماعی چیست؟
- ۲- آیا استقلال حدود و قیودی دارد؟ توضیح دهید.
- ۳- ابن خلدون در باره هرج و مرج چه گفته است؟ شرح دهید.
- ۴- نقش تعلیم و تربیه در نظم جامعه از چه قرار است؟

استقلال فردی و اجتماعی

استقلال و آزادی عبارت از اختیار فعل و یا ترک فعل را گویند و داشتن حق انجام هر عملی تا حدی که حق دیگران مورد تجاوز قرار نگیرد.

استقلال فردی عبارت از اختیارات فرد در جامعه از لحاظ حقوق عمومی است که شامل مصوونیت شخصی و مصوونیت منزل و اقامتگاه و آزادی شغل و اشتغال به حرفه، صنعت، تجارت، آزادی شرکت در اجتماعات یا تشکیل انجمن‌ها و احزاب سیاسی، آزادی قلم و مطبوعات می‌باشد.

استقلال و آزادی اجتماعی، عبارت از رعایت حق اجتماعی افراد است که مردم خواهان آن باشند.

آزادی به مفهوم مطلق آن، مطلوب هیچ ایدئالوژی و مکتبی نیست؛ ولی در مفهوم پذیرفته آن یعنی در حدی که به حقوق و آزادی‌های دیگران لطمه نزند، مورد تأیید همه ایدئالوژی‌هاست. مهمترین آزادی‌هایی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر روی آن تأکید شده عبارت از آزادی بیان، قلم، آزادی اجتماعات و مسافرت است. این آزادی‌ها در اصول عقاید احزاب سیاسی و برنامه و هدف‌های مورد ادعای اکثریت قریب به اتفاق دولت‌ها گنجانیده شده و کشورهای عضو سازمان ملل نیز با تصویب

اعلامیه حقوق بشر آن را پذیرفته اند.

اسلام که دین کامل، شامل و جامع بوده و در تمام عرصه‌های حیات برای بشر دارای برنامه‌های منظم و مفید می‌باشد بر آزادی و استقلال تأکید داشته و چارچوب معینی را برای آن وضع کرده است که با اجرای آن سعادت دارین نصیب بشریت می‌گردد.

خداوند ﷻ انسان را با اراده آزاد آفریده است و هیچ کس حق ندارد آزادی اراده را از انسان سلب نماید و انسان را بر خلاف اراده اش به کاری وا دارد. معنای استقلال فردی همین است که انسان می‌تواند آزادانه ابراز نظر نموده، از حق آزادی بیان استفاده نماید، به اراده و اختیار خود شغل قانونی و مشروع انتخاب کند.

برای اینکه آزادی‌های فردی در زنده‌گی مردم از تجاوز مصون بماند، انسان‌ها به یک رشته نورم‌ها و معیارها ضرورت دارند که در صدر این معیارها دین، اخلاق و قانون حراست از منافع ملی است. این معیارها در بعضی عرصه‌ها ایجاب می‌کند که افراد آزادی‌های مطلق فردی را کنار بگذارند و برای قوام زنده‌گی اجتماعی تن به حاکمیت قانون بسپارند. آن افراد جامعه که از فیض وجدان بیدار برخوردار هستند خود حاکم و قاضی خویش بوده، دستگاه‌های حمایت نظم و قانون به تعقیب آنان نمی‌باشند؛ اما، انسان‌ها همه یکسان نیستند و بعضی‌ها از غصب حق دیگران لذت می‌برند و آن قدر حریص و خودخواه می‌شوند که می‌خواهند همه چیزهای خوب را برای خود بردارند و همه دشواری‌ها و درد سرها را برای دیگران بگذارند. همین مسأله است که ایجاب پولیس و دیگر تشکیلات امنیتی را می‌کند.

ابن خلدون دانشمند و جامعه‌شناس بزرگ دنیای اسلام می‌گوید که حکومت ناصالح ظالم نیز بهتر از حالت بی‌حکومتی و هرج و مرج است؛ زیرا فقدان نظم و قانون ظلم و زور را بر جامعه حاکم می‌سازد و آزادی اجتماعی را صدمه می‌زند. یک حکومت سالم برای هر جامعه یک آیدیال است؛ ولی بدبختانه انسان‌ها بدین آیدیال به آسانی نرسیده اند.

مسأله استفاده از آزادی‌های فردی و اجتماعی تابع رشد فکری بوده و مربوط به جامعه و تعلیم و تربیه افراد نیز می‌باشد. تعلیم و تربیه سالم، افراد را پیش از هر چیز با مکلفیت‌های قانونی و اخلاقی شان آشنا می‌سازد و به آنان می‌فهماند که آزادی‌های فردی و اجتماعی دیگران از چه قرار است.

رشد درجه آزادی‌های فردی و اجتماعی را هیچ‌گاه نمی‌توان از رشد تعلیم و تربیه در یک کشور جدا کرد. تحقق درست آزادی‌های فردی و اجتماعی هنگامی میسر می‌شود که افراد از حقوق و آزادی‌های هم‌دیگر به طور کامل آگاه باشند و این ممکن نیست؛ مگر از راه توسعه و تعمیم تعلیم و تربیه و رشد علمی و عملی افراد جامعه.

توضیحات

اتحادیه: واحد مشترکی از سازمان‌های جداگانه و یا انجمنی از اشخاص حقیقی یا حقوقی برای پیگیری هدف‌های مشترک یا سازمان متشکل از کارگرانی که برای حفاظت از منافع مشترک و بهبود بخشیدن به شرایط کارشان به آن پیوسته‌اند.

جامعه: عبارت از گروه وسیع مردم شامل سازمان‌های متعدد و مرکب از عده کثیری زن و مرد و کودک است که در طی زمان طولانی از اتکای متقابل اجتماعی و نظم گروهی بهره‌مند باشد. جامعه‌یی که وابسته محل معین و از جوامع دیگر، کمابیش بی‌نیاز باشد، اجتماع خوانده می‌شود.



بیاموزیم

- ۱- آزادی فردی این است که انسان بتواند آزادانه ابراز نظر نماید، از حق آزادی بیان استفاده کند و به اراده و اختیار خود شغل قانونی و مشروع انتخاب کند.
- ۲- ابن خلدون دانشمند و جامعه‌شناس بزرگ می‌گوید: «حکومت ناصالح و ظالم نیز بهتر از حالت ناحکومتی و هرج و مرج است؛ زیرا فقدان نظم و قانون ظلم و ستم را بر

جامعه حاکم می‌سازد و آزادی‌های فردی و اجتماعی را صدمه می‌زند».

درست بنویسیم



در زبان عربی «الف مقصوره» یایی است که «ی» در پایان واژه‌ها «آ» خوانده می‌شود، چنین واژه‌ها در املای دری، مانند اصل عربی نوشته می‌شوند؛ مانند: عیسی، موسی، مصطفی، معنی، مرتضی، یحیی، فتی، حتی، مجتبی، صغری، کبری، اعلی، ادنی، الی، اولی.

هرگاه واژه‌ها مختوم به «الف مقصوره» در جمله‌ها مضاف، موصوف، منسوب و یا در عبارت‌ها و ساختارهای دستوری دیگر واقع شوند، «ی» به صورت «الف» (ا) نوشته می‌شود و قاعدهٔ واژه‌های مختوم به «ا» بر آن‌ها تطبیق می‌گردد؛ مانند:

عیسی	عیسای مریم
موسی	موسای کلیم‌الله
معنی	معنای واژه‌ها، واژه‌های چندین معنایی.
لیلی	لیلای محصل پوهنتون یا دانشگاه، انگور اعلای کوه‌دامنی.
شوری	شورای وزیران
یحیی	یحیای برمکی
هرگاه این گونه واژه‌ها منسوب قرار گیرند، در زبان عربی به صورت زیر نوشته می‌شوند:	

موسی	موسوی
عیسی	عیسوی
معنی	معنوی
مصطفی	مصطفوی
اما در املای زبان دری شکل‌های زیر را به خود می‌گیرند:	
موسی	موسایی

عیسی	عیسایی
معنا	معنایی
مصطفی	مصطفایی

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون آزادی‌های فردی و اجتماعی به بحث و گفتگو پردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده اهمیت آزادی را به همصنفی‌های خود توضیح دهد.

۳- چند شاگرد در مورد نقشه زیر سخنرانی کنند:



املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های تان بنویسید.
- ۲- در باره اهمیت قانون در جامعه چند سطر بنویسید.

خود آزمایی

- ۱- آزادی یعنی چه؟ توضیح دهید.
- ۲- در باره آزادی فردی و اجتماعی چه می دانید؟ بیان کنید.
- ۳- جامعه و اجتماع از هم چه فرق دارند؟
- ۴- آیا حکومت ناصالح از هرج و مرج و انارشیسیم بهتر است یا خیر؟ چرا؟ درباره تبصره کنید.
- ۵- «آزادی بیان حق مسلم هر شهروند است.» این جمله را شرح کنید.

کارخانه کی

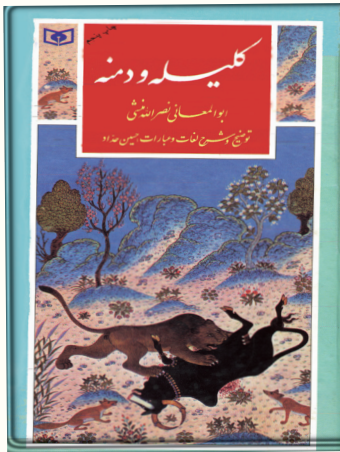
- ۱- با در نظر داشت قواعدی که خواندید یک مقاله پیرامون اهمیت آزادی بنویسید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:

برگ و ساز کاینات از وحدت است اندرین عالم حیات از وحدت است

- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیریید.

درس ششم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد:
- ۱- در بارهٔ کلیله و دمنه چه می‌دانید؟ توضیح دهید.
 - ۲- آیا کلیله و دمنه همان پنجه تتره بوده است و چه معنی می‌دهد.
 - ۳- کلیله و دمنهٔ فعلی شامل چند باب است؟ نام ببرید. ۴- چه کسانی کلیله و دمنه را ترجمهٔ منظوم نموده‌اند؟ ۵- مقصود از تألیف کلیله و دمنه چیست؟
 - ۶- کلیله و دمنه به کدام نام‌های دیگر در ادبیات جهان معروف است؟



کلیله و دمنه

کتاب کلیله و دمنه مجموعه‌ای ارزشمند از دانش و حکمت است که مردمان خردمند قدیم گردآوری کرده‌اند و برای فرزندان خویش به میراث گذاشته و از آن حکمت عملی و آداب زنده‌گی و زبان می‌آموختند.

اصل کتاب به زبان سانسکریت بود که به نام پنجه تتره «panchatantra» در پنج باب فراهم آمده

است و برزویه طبیب مروزی در عصر انوشیروان خسرو، پسر قباد پادشاه ساسانی آن را به پهلوی درآورد و ابواب و حکایاتی چند بر آن اضافه نمود که اغلب آن‌ها از مآخذ دیگر هندی سانسکریت بود.

این کتاب که امروز به نام‌های گوناگون کلیله و دمنه، انوار سهیلی، عیار دانش، همایون نامه و افسانه‌های بیدپای در ادب جهان معروف است که دری زبانان آن را از هندوستان آورده و خود چند باب بدان افزوده و بدین صورت تنظیم و فصل‌بندی کرده‌اند؛ همچنان در زمان سلطان بهرام‌شاه غزنوی باز هم به زبان دری تکثیر شد که به نام کلیله و دمنهٔ بهرامشاهی نیز یاد می‌شود.

برای اثبات این امر که کلیله و دمنه از آثار ادبی سانسکریت اقتباس و ترجمه شده اسناد و مدارک زیاد در دست است. عنوان اصلی و کلی کتاب از نام دو شغال که در حوادث باب نخستین فعالیت دارند، گرفته شده است.

ابن ندیم کتاب کلیله و دمنه را ۱۷ و ۱۸ باب می‌داند. عبدالله بن مقفع و دیگران آن را تفسیر کرده اند؛ سپس رودکی و در سال ۱۳۸۴ هـ. ش. میر بهادر واصفی بدخشی آن را به نظم دری کشیده و علی بن داوود و بشر نیز آن کتاب را به شعر عربی درآورده اند. ابن خلکان می‌گوید: چند تن تألیف عربی آن را به عبدالله بن مقفع نسبت داده اند، لیکن همه مؤرخان معتقدند که عبدالله بن مقفع فقط این کتاب را از پهلوی به عربی ترجمه کرده است. برخی عقیده دارند که این کتاب به دستور خسرو انوشیروان به وسیله طیبی به نام برزوی یا برزویه از هندوستان به کشورما آمد و به زبان پهلوی ترجمه شد. مسعودی (قرن چهارم) آن را به یکی از پادشاهان هند نسبت می‌دهد. فردوسی نیز آن را در شاهنامه تکرار می‌کند.

ابو المعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی، کلیله و دمنه را که در زمان بهرام شاه غزنوی ترجمه کرده، می‌گوید: «کتاب کلیله و دمنه پانزده باب است و از آن اصل کتاب که هندوان کرده اند ده باب است. و از جمله می‌توان از چند باب نام برد:

۱- باب شیر و گاو

۲- باب دوستی کبوتر نامه‌رسان

۳- باب گربه و موش

۴- باب شیر و شغال

۵- باب بوزینه و سنگ‌پشت

۶- باب زاهد و مهمان

آنچه دری‌زبانان بدان افزوده اند:

بدون تردید دو باب از ابواب کلیله و دمنه را نویسندگان کشورما بر آن افزوده اند: یکی داستان مأموریت برزویه در هندوستان و دیگر زنده‌گانی برزویه. کتاب پنچانتترا با کلیله و دمنه شباهت تام دارد و باید گفت سرمشق و مآخذ برزویه

طیب بوده است؛ البته حوادث اصلی کلیله و دمنه و دیگر افسانه‌هایی که در آن جمع‌آوری شده از هندوستان آمده، ولی جمع‌آوری آن‌ها در یک کتاب و شکلی که این افسانه‌ها در قالب آن عرضه شده می‌تواند ابتکار برزویه یا بزرگمهر باشد.

پنجه تئترا: دایرة المعارف بزرگ در این باب می‌نویسد:

پنجه تئترا مجموعه مشهور قصه‌های هندی است که به برهمنی و یشنویی منسوب است. این مجموعه که هم‌اکنون در دست است در اواخر قرن پنجم میلادی تدوین و از پنج کتاب تشکیل شده: (پنچا= پنج، تئترا= اندرز)

جدایی دوستان، به دست آوردن دوستان، جنگ بومان و زاغان، از دست دادن مزایای مکتب و فاعل اعمال نسنجیده.

کتاب اصلی، به وسیله برهمن و یشنویی گردآوری شده که در قرن سوم پس از میلاد در کشمیر می‌زیسته است. این کتاب شامل یک مقدمه و پنج باب است که هریک به نام «تئترا» نامیده شده و مقصود از آن آموختن فن زنده گی و حکمرانی به شاهزاده‌گان است. این کتاب، پیراسته و آراسته به معانی عالی و انواع صنایع لفظی و معنوی کلام می‌باشد و صنایع آن چنان طبیعی آورده شده که خواننده کمتر متوجه آن می‌گردد. کلیله و دمنه ترجمه و تحریر نصرالله منشی از لحاظ انشا و تحریر بهتر و برتر از همه ترجمه‌های دیگر است. نصرالله منشی در این کتاب کالبد اصلی داستان را از ترجمه ابن مقفع می‌گیرد و مانند معماری هنرمند که با ظرافت و نازک کاری عمارتی را به انجام می‌رساند، با ذوق و طبع سلیم خود کتاب را از نظر کمی و کیفی پربارتر می‌کند. از نظر کمی، علاوه بر افزودن چند باب، داستان‌ها را گسترش می‌دهد، در میان داستان، عبرت‌آموزی‌ها می‌کند، هر جا لازم بداند، تمثیل و یا تلمیحی می‌افزاید؛ به آیات قرآنی و احادیث نبوی استشهاد می‌کند اشعار در و عربی را متناسب مقال می‌آورد. از نظر کیفی اثر کلیله و دمنه مصنوع است، اما تصنعی نیست و به همین جهت برای خواننده آن‌چنان که نثرهای مشابه او دشوار است، دشوار نمی‌نماید. عبارت‌های پرمغز و پرمعنی و موجز، در سراسر کلیله و دمنه فراوان است. داستان‌های کلیله و دمنه مانند زنجیری که حلقه‌هایش به هم پیوند خورده است؛ به هم متصل می‌باشد.

کلیله و دمنه: در اصل دو شغال است و این کتاب معروف که اصول اخلاق را به طرز اکثر حکایت‌ها از زبان وحوش بیان می‌کند از کتاب‌های مشهور دری است.

پنجه تتره: پنجه به معنای پنج و تتره به معنای اندرز است، پنجه تتره به معنای پنج اندرز یا پنج کتاب می‌باشد که در اواخر قرن پنجم میلادی تدوین یافته است. عبدالله بن مقفع: کسی که کتاب کلیله و دمنه را از پهلوی به عربی ترجمه نموده است، ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبد الحمید منشی، کسی که کتاب کلیله و دمنه را از عربی به دری ترجمه نموده است.



بیاموزیم

۱. اصل کتاب کلیله و دمنه به زبان سانسکریت بوده که به نام پنجه تتره یاد می‌شود و به معنای پنج اندرز و یا پنج کتاب می‌باشد؛ سپس ابواب و حکایت‌های چند بر آن افزوده شده است.
۲. کتاب کلیله و دمنه را رودکی سمرقندی و در سال ۱۳۸۴ هـ. ش. میر بهادر واصفی بدخشی ترجمه منظوم نموده اند.
۳. کلیله و دمنه کتاب پیراسته و آراسته با معانی و انواع صنایع لفظی و معنوی است.

درست بنویسیم



• هرگاه حرف اخير واژه‌ي «واو» باشد، در پيوند با پسوندهاي زيرين بازهم در ميان واژه و پسوند يك «ي» علاوه مي‌شود كه هميشه با واژه پسينش بايد به صورت پيوسته نوشته شود؛ مانند:

- پسوند جمع «ان»: ماهرو + ي = ماهرويان، بدخويان، نيكويان....
- پسوند اسم معنا «ي»: نيكو + ي + ي = نيكويي، جادويي، بدخويي....
- پسوند تنكير «ي»: ترسو + ي = ترسويي، كامجويي، آرزويي....
- پسوند صفت نسبتي «ي»: ليمو + ي + ي = ليمويي، آهويي
- هرگاه حرف پاياني واژه، «واو» باشد در پيوند با پسوند تصغير «-ك» در ميان واژه و پسوند «-ك» علاوه مي‌شود كه هميشه بعد از واژه بايد به صورت پيوسته نوشته شود؛ مانند: جاروگك، كدوگك، ترسوگك.

كار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسيم شوند و پيرامون كتاب كليله و دمنه به بحث و گفتگو پردازند؛ سپس از هر گروه يك نفر مقابل صنف آمده و نتيجه را به ديگران انتقال دهد.
- ۲- يك تن از شاگردان در برابر صنف آمده در باره پنجه تنتره معلومات دهد.

املا و نگارش



- ۱- متني را كه معلم گرامي به خوانش مي‌گيرد، به صورت املا در كتابچه‌هايتان بنويسيد.
- ۲- با در نظر داشت قواعد املايي كه خوانديد، در كتابچه‌هاي تان چند كلمه از پسوند تنكير «ي» و پسوند صفت نسبتي بنويسيد.

خود آزمایی

- ۱- کلیله و دمنه چیست؟ دربارهٔ چه بحث می‌کند؟
- ۲- پنجه تنتره چه معنا دارد؟
- ۳- پنج باب از کتاب کلیله و دمنه را نام بگیرید.
- ۴- کتاب کلیله و دمنه چه نوع حکایت‌هایی را بیان می‌کند؟
- ۵- چه کسانی تا کنون کتاب کلیله و دمنه را به نظم دری در آورده‌اند؟

کارخانه‌گی

- ۱- نکات مهم درس خوانده شده را یادداشت نمایید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:
بیدل از معنی طرازی بر کمال خود ملاف
گرد ساحل باش، این موج از محیط دیگر است
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان معرفی شود و شاگرد باید طوری صحبت کند که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد:

- ۱- تعریف علمی و دقیق شعر را بیان دارید.
- ۲- انواع شعر را از نظر قالب و شکل نام ببرید.
- ۳- درباره قافیه و ردیف چه می‌دانید؟ بگویید.
- ۴- مطلع و مقطع را توضیح دهید.

شعر دری از لحاظ قالب شعری

- انواع شعر دری را از لحاظ شکل و قالب می‌توان به دوبخش تقسیم کرد:
- ۱- انواع شعر کلاسیک که عبارت است از: قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، قطعه، مسمط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مستزاد و دوییتی.
 - ۲- انواع شعر معاصر که عبارت است از: شعر نو و یا شعر نیمایی، شعر سپید....

انواع شعر از نظر شکل

شعر، کلام موزون، مقفی و مخیل بوده که بیان‌کننده احساسات و عواطف می‌باشد. به عبارت دیگر، شعر پیوند گره خورده نهانی، تعقل، فکر و تعطف انسان می‌باشد.

بیت و مصراع: مصراع، در لغت به معنای یک لنگه و در اصطلاح حد اقل سخن موزون و نیمی از یک بیت است. بیت در لغت به معنای خانه و در اصطلاح حد اقل شعر است که از دو مصراع تشکیل شده باشد.

قصیده

قصیده شعری است بر یک وزن و قافیه و با مطلع مصرع مربوط به یکدیگر در باره موضوع و مقصود خاص از ستایش یا نکوهش، تهنیت یا تعزیت، شکر یا شکایت، فخر یا حماسه، پند و حکمت و یا مسایل اجتماعی و اخلاقی و عرفانی، در حد اقل پانزده بیت و به طور متوسط از بیست تا هشتاد بیت می‌باشد. کمی یا زیادی بیت‌های قصاید بسته‌گی دارد به اهمیت موضوع، قدرت و قوت طبع شاعر و نوع قافیه و اوزان شعری،

مطلع و مقطع: در اصطلاح شعرا بیت اول غزل و قصیده را مطلع و بیت آخر را مقطع می‌گویند.

حسن مطلع و حسن مقطع: اگر بیت اول غزل یا قصیده‌ی خوب و مرغوب و زیبا باشد، می‌گویند دارای «حسن مطلع» است. و اگر بیت آخر آن‌ها مطبوع و دلپسند شده

باشد، می‌گویند دارای «حسن مقطع» است.

تشبیب، نسیب، تغزل: هر سه لغت در فرهنگ‌ها مترادف یکدیگر و به معنای غزل گفتن و سخن عاشقانه سرودن است. در اصطلاح شعرا، پیش‌درآمد اوایل قصیده است که مانند مقدمه‌یی در بیان زیبایی‌های محبوب و حکایت حال عشق و عاشق، شور و شوق و لذت وصل، رنج هجر و فراق، یا وصف مناظر طبیعت از کیفیت فصول، آسمان، زمین، کوه، دریا، دشت و صحرا و امثال آنهاست، آن‌گاه شاعر به مناسبتی شیرین و گیرا و بیانی لطیف از این مقدمه به اصل مقصود قصیده: از قبیل مدح و ستایش یا تهنیت و تعزیت و نظایر آن گریز می‌نماید؛ بنابر این تشبیب... در حقیقت پیشاهنگ قصیده و زمینه‌سازی شاعر است برای ورود به اصل مقصود.

تخلص در قصیده: این تخلص به معنای گریز زدن و منتقل شدن از تشبیب و پیش‌درآمد است به اصل مقصود قصیده. همان‌طوری که در ضمن بیان تشبیب بدان اشاره شد. این گریز زدن به وسیلهٔ بیتی که آن را «بیت تخلص نامند، صورت می‌گیرد. حال اگر شاعر این بیت را به زیبایی و گیرایی و مناسبت لطیف سروده و با مهارت و استادی از تشبیب به اصل موضوع قصیده خود را رسانده باشد؛ به کار او «حسن تخلص» می‌گویند.

نمونهٔ قصیده

مگر هشیارمرد، ای مرد هشیار	نبینی بر درخت این جهان بار
خردمند است بار و بی‌خرد خار	درخت این جهان را سوی دانا
که خرما در میان خار بسیار	نهان اندر بدان نیکان چنانند
به یمگان چون نشینی خوار و بی‌یار؟	مرا گویی «اگر دانا و حُرّی
نکو بنگر، گرفتارم مپندار	به زنه‌ار خدایم من به یمگان
به سنگ‌اندر گرفتارند یا خوار	نگوید کس که سیم و گوهر و لعل
مرا اینجای بسی عز است و مقدار	اگر خوار است و بی‌مقدار یمگان
ز بی‌قدری صدف لولوی شهوار	نشد بی‌قدر و قیمت سوی مردم
سپیداری سپیداری سپیدار	اگر بار خرد داری، و گر نی
که بارش گوهر است و برگ دینار	نماند جز درختی را خردمند
کرا دل روشن است و چشم بیدار	به از دینار و گوهر علم و حکمت

ناصر خسرو

غزل: در لغت به معنای حدیث عشق و عاشقی گفتن است، و در اصطلاح شعرا اشعاری است که بر یک وزن و قافیه و با مطلع مصرع. تعداد ابیات آن به طور متوسط از پنج تا دوازده بیت و گاهی تا حدود شانزده بیت و به ندرت نزده و بیست بیت است؛ اما کمتر از پنج بیت - سه چهار بیت - را می توان غزل ناتمام نامید. غزل تنها، در مضامین عشق و عاشقی سروده نمی شود؛ بلکه ممکن است متضمن مضامین اخلاقی و دقایق حکمت و معرفت و عرفان و جزء آن باشد.

از طیب اصفهانی

غمّت در نهان خانه دل نشیند	به نازی که لیلی به محمل نشیند
به دنبال محمل چنان زار گریم	که از گریه ام ناقه در گل نشیند
خلد گر به پا خاری آسان بر آرم	چه سازم به خاری که در دل نشیند
مرنجان دلم را که این مرغ وحشی	زبامی که برخاست به مشکل نشیند
بنازم به بزم محبت که آن جا	گدایی به شاهی مقابل نشیند

طیب، از طلب در دو گیتی میاسا

کسی چون میان دو منزل نشیند؟

مثنوی: اشعاری بر یک وزن، اما هر بیت آن دارای قافیه مستقل است، یعنی دو مصراع هر بیت هم قافیه است. چون هر بیت آن مستلزم دو قافیه یا هر دو مصراع ابیات مقفاست، به آن مثنوی گفته اند. تعداد ابیات مثنوی محدود نیست و به همین دلیل از آن برای به نظم در آوردن تواریخ، قصص و افسانه های طولانی استفاده می شود؛ مانند:

مثنوی مولوی

بشنو از نی چون حکایت می کند	از جدایی ها شکایت می کند
کز نیستان تا مرا بریده اند	از نفیرم مرد و زن نالیده اند
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق	تا بگویم شرح درد اشتیاق
هر کسی کو دور ماند از اصل خویش	باز جوید روزگار وصل خویش
من به هر جمعیتی نالان شدم	جفت بد حالان و خوش حالان شدم
هر کسی از ظن خود شد یار من	از درون من نجست اسرار من
تن زجان و جان ز تن مستور نیست	لیک کس را دید جان دستور نیست
آتش عشقت کاندر نی فتاد	جو شش عشقت کاندر می فتاد
همچو نی زهری و تر یاقی که دید	همچو نی دمساز و مشتاقی که دید
نی حدیث راه پر خون می کند	قصه های عشق مجنون می کند

رباعی

شعری است در دو بیت با مطلع و مصرع بر وزن (لا حول ولا قوة الا بالله) که رعایت قافیه در دو مصرع بیت اول و مصرع چهارم الزامی و در مصرع سوم اختیاری است.

جامی است که عقل آفرین می‌زندش صد بوسه زمهر بر جبین می‌زندش
این کوزه گر دهر، چنین جام لطیف می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

خیام

جز من اگر ت عاشق شیدا است، بگو و میل دلت به جانب ماست بگو
و هیچ مرا در دل تو جاست، بگو گر هست بگو، نیست بگو، راست بگو

مولوی

دو بیتی

شعری است در دو بیت که با رباعی در قافیه‌بندی یکی؛ اما در وزن با آن فرق دارد. به عبارت دیگر، شعری است با مطلع مصرع، ولی از حیث وزن محدودیت رباعی را ندارد. یعنی قافیه در هر دو مصرع بیت اول و مصرع چهارم رعایت شده باشد و آوردن قافیه در مصرع سوم اختیاری است؛ مثال:

زدست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز فولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

قطعه

نوع ابیاتی است بر یک وزن و قافیه بدون مطلع مصرع، که از اول تا آخر همه مربوط به یکدیگر، راجع به یک نوع موضوع اخلاقی و حکایت شیرین با مدح و هجو و تهنیت و تعزیت و امثال آن باشد. حد اقل قطعه دو بیت و حد اکثر پانزده بیت است. ولی بر حسب ضرورت تا حدود پنجاه بیت و بیشتر از آن نیز گفته اند. در این صورت فرق آن با قصیده همان است که قطعه دارای مطلع و مصرع نیست، یعنی قافیه را از آخر بیت اول آغاز کرده و در مصرع اول نیاورده اند؛ اما قصیده شرط است که دارای مطلع مصرع باشد. کلمه قطعه به معنای یک پاره از هر چیزی است و چون این نوع شعر شبیه پاره‌یی از ابیات قصیده است، آن را «قطعه» نامیده اند؛ مثال:

دوست مشمار آن که در نعمت زند لاف یاری و برادر خوانده گی
دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درمانده گی

سعدی

ترجیع بند و ترکیب بند

آن است که از چند قسمت اشعار مختلف تشکیل شده باشد، همه در وزن یکی و در قافیه مختلف، به این شرح که چند بیت بر یک وزن و قافیه مخالف باشد؛ همچنان این عمل را چند بار تکرار کنند، طوری که در فواصل همه بخش‌ها بیتی منفرد آمده باشد. پس هرگاه یک بیت را در فواصل عیناً تکرار کرده باشند آن نوع شعر را «ترجیع بند» و اگر ابیات فواصل با یکدیگر فرق داشته باشد، آن نوع شعر را «ترکیب بند» خوانند.

زباغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید کلید باغ ما را ده که فردا مان به کار آید
کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید تولختی صبر کن چندان که قمری بر خیار آید

بدین شایسته گی جشنی بدین بایسته گی روزی
ملک را در جهان هر روز، جشنی باد و نوروزی

مسمط

نوعی از قصیده یا اشعاری است هم وزن، مرکب از بخش‌های کوچک که همه در وزن و عدد مصراع‌ها یکی و در قوافی مختلف باشد؛ مثلاً: در ابتدا پنج مصراع بر یک وزن و قافیه بگویند و در آخر مصراع‌ها یک مصراع دیگر بیفزایند که در وزن مشترک ولی در قافیه متفاوت باشد. از مجموع آن شش مصراع یک بخش تشکیل می‌شود که آن را به اصطلاح شعرا، یک رشته از مسمط گویند و در رشته دوم باز پنج مصراع بر یک قافیه بگویند که با رشته اول در وزن یکی و در قافیه مختلف باشد؛ اما مصراع ششم را بر همان وزن و قافیه بیاورند که در آخر رشته اول بود؛ مانند:

کرده گلو پر ز باد، قمری سنجاب پوش	کبک فرو ریخته، مشک به سوراخ گوش
بلبلکان بانشاط، قمریکان با خروش	در دهن لاله مشک، در دهن نخل نوش
سوسن کافوربوی، گلبن گوهر فروش	وزمه اردیبهشت کرده بهشت برین

مستزاد

مستزاد به شعری گفته می‌شود که در آخر هر مصراع از «رباعی» یا «غزل» و «قطعه» یا «مصرع» یا جمله‌یی از نوع نثر موزون مسجع افزوده گردد، که از لحاظ معنا با آن مصرع مربوط است؛ مانند مستزاد زیر از ابوسعید ابی‌الخیر:

از دوست پیام آمد کاراسته کن کار این است شریعت
مهر دل پیش آر و فضول از ره بردار این است طریقت

گر حاجت خود بری به درگاه خدا حاجات تو را کند خداوند روا
 با صدق و صفا بی چون و چرا
 زنهار مبر حاجت خود در بر خلق کز خلق نیاید کرم و جود و عطا
 با جامهٔ دلّی بی شرک و ریا

سنایی

شعر معاصر

این اصطلاح به مجموعهٔ اشعاری که در نیم قرن اخیر خارج از اسلوب متقدمان سروده شده است، اطلاق می‌شود. در این زمینه می‌توان شعر معروف علی اکبر دهخدا را مثال آورد:

ای مرغ سحر، چون این شب تار بگذاشت ز سر سیاه کاری
 وز نفخهٔ روح بخش اسحار رفت از سر خفته گان حماری

بعد از دهخدا، برخی از شاعران معاصر؛ مانند: ملک الشعرا بهار و ابوالقاسم لاهوتی و دیگر شاعران متجدد به ساختن دوبیتی‌های پیوسته (رباعی) پرداختند؛ مانند: قطعهٔ «کبوتران من» اثر ملک الشعرا بهار که بند نخستین آن چنین است:

بیایید ای کبوترهای دلخواه بدن کافور گون، پاها چو سنگرف
 بپسیرید از فراز بام و ناگاه به گرد من فرود آیید، چون برف

در همان هنگام که این دسته از شاعران با موازین عروضی قدیم در حد اعتدال سرگرم تحولی بودند، نیما یوشیج در مجلهٔ موسیقی (۱۳۱۸ ه. ش.) به نشر شعرهایی پرداخت که در آن‌ها علاوه بر تازه‌گی در بیان، تشبیهات، استعارات و موازین عروضی شعر دری نیز به شیوهٔ قدیم رعایت نشده بود. این گونه شعرها در سال‌های پس از ماه اسد ۱۳۲۰ ه. ش. طرفدارانی یافت که اکنون یکی از انواع رایج شعر امروز دری است و اصطلاحاً آن را «شعر نو» و گاهی «شعر نیمایی» می‌گویند؛ یعنی شعری که در یکی از وزن‌های عروضی قدیم سروده می‌شود؛ اما شاعر برحسب نیاز معنوی در کوتاهی و درازی مصراع‌ها و هم‌چنین در به کار بردن قافیه، آزاد است. به عنوان نمونه بخشی از قطعهٔ «مهتاب» نیما یوشیج در زیر نقل می‌شود:

می‌تراود مهتاب

می‌درخشد شبتاب

نیست یک‌دم شکند خواب به چشم کس و لیک،

غم این خفتهٔ چند،

خواب در چشم ترم می‌شکند

نوعی دیگری از شاخه‌های تحول شعر دری که در آن وزن به طور مطلق رعایت

نمی‌شود؛ بلکه بیشتر کوشش در انتخاب کلمه و توجه به تخیل و اندیشه است که به «شعر سپید» معروف شده است.

تو ضیعا

عروض: میزان شعر، جزء اخیر از مصراع اول بیت، اعاریض جمع و نیز به معنای ناحیه، کرانه و گوشه، راه در کوه، و نام علمی که به وسیله آن به اوزان شعر و تغییرات آن پی می‌برند.
عرفان: شناختن، شناختن حق تعالی، خداشناسی



بیاموزیم

- ۱- شعر کلام موزون، مقفی و مخیل بوده که بیان‌کننده احساسات و عواطف می‌باشد. یا به عبارت دیگر، شعر پیوند گره‌خورده نهانی، تعقل، فکر و تعطف انسان می‌باشد.
- ۲- انواع شعر دری از لحاظ قالب شعری عبارت است از: قصیده، غزل، مثنوی، رباعی قطعه، مسمط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مستزاد و دوبیتی.
- ۳- شعر نو، شعری را گویند که در یکی از وزن‌های عروضی سروده شود؛ اما شاعر بر حسب نیاز معنوی در کوتاهی و درازی مصراع‌ها و هم‌چنین در به کار بردن قافیه آزاد است.



درست بنویسیم

• هر گاه حرف آخر واژه‌یی «واو» باشد، هنگام پیوستن با افعال اسنادی (استم، استیم، استی، استید، است، استند و اند)، «الف» از آغاز همه این‌ها، به استثنای (اند)، حذف می‌شود؛ مانند:

- استم: نیکوستم
 - استیم، بدخوستیم
 - استی: خوبروستی
 - استید: کامجوستید
 - است: جادوست
 - استند: ماهروستند
- اما الف آغازین (اند) به «ی» مبدل می‌شود؛ مانند: نامجویند، ترسویند، نیکویند.

کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون انواع شعر از نظر قالب به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهند.



۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده فرق رباعی و دوبیتی را توضیح دهد.

۳- چند تن از شاگردان، این تصویر را با موضوع فراغت از مکتب ارتباط داده در مورد آن در برابر صنف سخنرانی کنند.

املا و نگارش



۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه هایتان بنویسید.

۲- درس درست بنویسیم را اساس قرار داده، چند واژه دیگر بنویسید.

خود آزمایی



۱- از انواع شعر از لحاظ قالب نام بگیرید.

۲- قافیه و ردیف را تعریف و با ارائه مثال شعری واضح سازید.

۳- در باره مطلع و مقطع چه می دانید؟ توضیح دهید.

۴- مسمط و مستزاد را تعریف کنید.

۵- در باره شعر معاصر معلومات دهید.

کار خانه گی



۱- در مورد شعر نو مطالب تهیه نموده روز آینده در صنف قرائت نمایید.

۲- این بیت ها را به حافظه بسپارید:

از در خویش خدا را به بهشتم مفرست که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس
حافظ، از مشرب قسمت گله بی انصافی است طبع چون آب و غزل های روان ما را بس

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. سخنرانی چه اهمیت دارد؟
۲. چرا سخنرانی را باید تمرین کنیم؟
۳. ویژه‌گی‌های گفتار و سخن کدام است؟

آیین سخنرانی

از روزی که انسان به نیروی اعجاب‌انگیز کلام پی برد، همیشه مایل بوده که بتواند در میان جمع به خوبی صحبت کند و با قدرت کلام، دیگران را تحت تأثیر قرار دهد؛ اما موانع زیادی هم وجود دارد که بعضی‌ها را از صحبت کردن برای دیگران باز میدارد. بسیار مشاهده شده که اشخاص فعال و پرتلاش به این دلیل که نتوانسته‌اند حاصل فعالیت‌های خود را با بیانی رسا و شیوا برای مخاطبان طرح کنند، در کارهای خود موفقیت چندانی نداشته‌اند. واضح است که اگر یک سخنران، کلام فصیح، بلیغ و اثرگذار نداشته باشد، نمی‌تواند آن‌چنان که باید و شاید در عرصه‌های رقابت، نقد پرسش و پاسخ و گزارش‌دهی موفق باشد.

سخن گفتن و بیان مطلوب، کاری است که می‌تواند به نوعی در نایل آمدن به اهداف و پیشبرد برنامه‌های شما کمک شایانی کند. شاید برای تان پیش آمده باشد که با سخنی مناسب، تأثیرگذار و پرجاذبه، عده‌یی را با نظر و خواسته خود موافق و همراه کرده باشید و چه بسا گاهی اتفاق افتاده که به خاطر نداشتن نفوذ کلام و عدم ارتباط مطلوب، نتوانسته‌اید در این کار توفیق چندانی داشته باشید.

در هر حال زبان، گفتار و سخن، موهبتی است که می‌تواند در عرصه‌های مختلف زنده‌گی، کار و حیات فردی، گروهی و اقتصادی شما دیگرگونی‌های قابل توجهی ایجاد کند. پس برای این که بتوانید این موهبت را به گونه‌ی شایسته به کار گیرید، در قدم نخست باید ویژه‌گی‌های گفتار و سخن را دانسته و پس از آن بیاموزید که خصوصیت یک سخنرانی اثربخش کدام است.

ویژه‌گی‌های گفتار و سخن

یک سخنران خوب، وقتی موفق است که سخنانش از ویژه‌گی‌های زیر برخوردار باشد:

۱. تکیه بر منطق و پایه‌های علمی داشته باشد.
۲. از روی احساسات و بغض نباشد.
۳. منفعلانه و یا از روی عصبانیت و تعجیل نباشد.
۴. منقطع، بریده‌بریده و نامفهوم نباشد.
۵. به خاطر خوشی این و آن و یا به خاطر دشمنی با کسی به زبان نیاید.
۶. بیهوده، پراکنده و بی‌پروا و بی‌ادبانه نباشد.
۷. شفاف، صریح، ساده و بی‌پیرایه و درعین حال مستحکم، ماندگار و جامع و مانع باشد.
۸. بی‌روح و گنگ نباشد.

ویژه‌گی‌های سخنرانی اثربخش

برای این که شما سخنران خوبی باشید و سخنرانی‌تان از اثربخشی خاصی برخوردار باشد، رعایت نکات زیر را فراموش نکنید:

۱. قبل از همه، برای سخنران شدن جرأت و اعتماد به نفس را درخویش پیورانید و ترس، تردد و دودلی را از خود دور سازید.
۲. پیش از شروع سخنرانی، ذهن‌تان را آمادهٔ موفقیت کنید و بپذیرید که موفق می‌شوید.
۳. باید دقیق بدانید که در اطراف چه موضوعی می‌خواهید صحبت کنید. پس از تعیین موضوع، بر معلومات خویش در مورد آن موضوع بیفزایید.
۴. موضوعاتی را که می‌خواهید در سخنرانی به دیگران بگویید، پیش از پیش منظم و مرتب کنید.
۵. از چند تن همصنفان، دوستان و یا اعضای خانوادهٔ‌تان بخواهید که به عنوان شنونده در مقابل شما نشسته و به سخنرانی شما گوش دهند. هر موقعی که فرصت دست داد این، کار را تمرین کنید.
۶. هیچ وقت متن سخنرانی‌تان را کلمه به کلمه و خط به خط حفظ نکنید؛ بلکه مفاهیم کلی و اساسی آن را به خاطر بسپارید.
۷. موضوع صحبت خود را با آنچه که شنونده‌گان در زنده‌گی با آن روبرو هستند، ارتباط دهید.
۸. از به کار بردن واژه‌های ثقیل و نامأنوس، جمله‌های مود روز و اصطلاحات فنی و تخصصی خودداری کنید.

۹. در هنگام سخنرانی، حواس خود را از محرکات منفی که شما را آشفته می‌سازد، دور نگه دارید.
۱۰. درباره چیزی حرف بزنید که از طریق تجربه یا مطالعه، حق حرف زدن درباره آن را به دست آورده اید.
۱۱. کوشش کنید در هر هفته یا دو هفته یک بار، موضوعی را انتخاب کرده کتاب‌های مربوط به آن موضوع را مطالعه کنید.
۱۲. در ابتدای سخنرانی یک زنده‌گینامه مختصر و مفید از خود برای حاضران ارائه دهید. این کار باعث می‌شود که مخاطبان شما را بیشتر باور کنند.
۱۳. سخنرانی برای یک جمع کوچک و کم‌تعداد به مراتب بدون دردسر از یک سخنرانی با تعداد زیادی از مخاطبان است. در این گونه موارد بایستی با استفاده از حرکات دست، ایما و اشاره و اداره مناسب زمان، کار سخنرانی را به پیش برد.
۱۴. ممکن است در بخش پرسش و پاسخ و یا در خلال سخنرانی عده‌یی پرسش‌های غیرمعمول داشته باشند. باید مراقب باشید که در دام آن‌ها گرفتار نشوید، چون در آن صورت، مجلس از دست شما خارج خواهد شد. در این گونه موارد بهتر است اول تکلیف را روشن و بیان کنید که به پرسش‌های خارج از موضوع و یا در لابه‌لای برنامه سخنرانی پاسخ نخواهید داد.
۱۵. با آوردن مثال‌های ملموس، کاربردی و روزمره، جملات، اشعار، ضرب‌المثل‌های معروف، خاطرات جذاب، تجارب گذشته، یافته‌های علمی و... که گاه فضای سخنرانی را تلطیف کنید، تا سخنرانی تان کسالت‌آور و خسته‌کننده نباشد. برای این که قدرت و توانایی این کار در وجود شما تقویت یابد، مطالعه همیشه‌گی کتاب‌های مختلف را از یاد نبرید.
۱۶. مطالب خود را در حد امکان خلاصه و کوتاه بگویید و برای این کار یادداشت‌های کوچکی حاوی سرفصل و کلمات کلیدی سخنرانی تهیه و آماده کنید، تا روند سخنرانی و ارائه مطالب روال معقول و خوشایندی داشته باشد.
۱۷. هر گونه حرکات حاضران را زیر نظر داشته باشید. ممکن است هر حرکت آنان پیامی به دنبال داشته باشد؛ مثلاً: اگر آن‌ها زیاد به ساعت خود می‌بینند، یا بر روی چوکی به طور متداوم جابه‌جا می‌شوند و یا کارهایی مشابه انجام می‌دهند، به طور احتمالی بدین معنا است که: الف) خسته شده‌اند؛ ب) وضعیت تنفس و هوای مکان برگزاری مناسب نیست؛ ج) شما بیش از وقت تعیین شده، صحبت کرده‌اید؛ د) مطالب سخنرانی دیگر جاذبه و پذیرش لازم را ندارند.
۱۸. در بین سخنرانی پرانرژی و پویا باشید. در حقیقت روح شادابی و نشاط را به

حاضران انتقال بدهید و آن‌ها را متمایل کنید تا پایان همراه شما باشند.
۱۹. میکروفون همان‌قدر که می‌تواند در کیفیت کار شما اثر خوب داشته باشد، همان‌قدر هم می‌تواند آزاردهنده و اذیت‌کننده باشد؛ پس باید مراقب میکروفون باشید.

۲۰. نوع به کارگیری و هنر استفاده از دست‌ها و قدرت آن‌ها در فهم و انتقال مطالب خیلی مهم است.

۲۱. نوع پوشش و لباس هم بی‌تأثیر در ارائه سخنرانی نیست. لباس‌های رنگ و رو رفته، پرچین و چروک و ناصاف، آرایش موی و روی و... هر کدام عواملی اند که می‌توانند کار شما را تحت الشعاع قرار دهند.

۲۲. گاهی می‌توان از نمایش سلاید و برنامه‌های کمپیوتری؛ مانند: پاورپاینت شعر، داستان‌های کوتاه و وسایل سمعی و بصری برای انتقال بهتر مطالب استفاده کرد. بر علاوه جدول‌های اعداد و ارقام و تخته سیاه و سفید هم به شما کمک می‌کند.

۲۳. فضا و شرایط حاکم بر جلسه سخنرانی را به خوبی ارزیابی کنید. اگر احساس کردید که شنونده‌گان ظرفیت حرف‌های شوخی و مزاح را ندارند، از شوخی با آنان پرهیز کنید. همیشه ممکن است عده‌بی ماجراجو در مجلس سخنرانی وجود داشته باشند. باید بتوانید آن‌ها را اداره کنید تا اوضاع را بر هم نزنند.

۲۴. در پایان سخنرانی، یک چکیده در چند خط از موضوع و محتوای سخنرانی ارائه دهید. سعی کنید از علم روانشناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی برای ارائه سخنرانی بهتر بهره بگیرید. کوشش کنید که صحبت خود را با شوخی پایان دهید.

۲۵. بزرگ کردن خود را در کوچک پنداشتن و تحقیر دیگران نبینید. افکار عمومی قاضی و داور خوبی در مورد سخنان و اهداف شما استند.

۲۶. هر قدر شتاب و تعجیل در بیان کلمات و جملات بیشتر باشد، امکان اشتباه هم بیشتر می‌شود؛ پس شمرده و با اعتماد به نفس صحبت کنید.

توصیهات
برای این که سخنرانی اثر بیشتری در شنونده‌گان داشته باشد، نه تنها موارد ذکر شده بالا دارای اهمیت اند، بلکه وقت برگزاری سخنرانی، مکان برگزاری سخنرانی، تنظیم وسایل، موقعیت برگزارکننده‌گان و شرکت‌کننده‌گان (مخاطبان) را نیز نمی‌توان از یاد برد.



بخوانیم و بدانیم

۱. یک سخنران خوب وقتی در کار خود موفق است که ویژه گی های سخن گفتن را مدنظر داشته باشد.
۲. برای سخنران شدن جرأت و اعتماد به نفس را در خویش پیورانید و ترس، تردد و دودلی را از خود دور سازید.
۳. هیچ وقت متن سخنرانی تان را کلمه به کلمه و خط به خط حفظ نکنید؛ بلکه مفاهیم کلی و اساسی آن را به خاطر بسپارید.
۴. کوشش کنید در هر هفته یا دو هفته یک بار، موضوعی را انتخاب کرده کتاب های مربوط به آن موضوع را مطالعه کنید و ازدوستان و آشنایان تان بخواهید که به سخنرانی شما گوش فرا دهند.
- مطالب خود را تا حد ممکن خلاصه و کوتاه بگویید و برای این کار یادداشت های کوچکی حاوی سرفصل و کلمات کلیدی سخنرانی تهیه و آماده کنید.
۵. چهره بشاش، احترام و رعایت ادب و کرامت انسانی، استفاده از ضرب المثل های دلنشین و درک روحیات، عواطف و تمایلات شنونده گان، نکات با اهمیتی استند که نباید از آن ها غفلت کرد.



درست بنویسیم

- هرگاه حرف اخیر واژه، «واو» باشد؛ هنگام پیوستن با ضمایر مشترک (خود، خویش، خویشتن) و ضمایر اضافی «تان، شان، مان»، بازهم در میان واژه و پسوند یک «ی» علاوه می شود؛ اما این «ی» نیز به صورت مستقل نوشته شده، با ضمایر پسین خویش نمی پیوندد؛ مانند:
- خود: سوی خود، جادوی خود، نیکوی خود.
- خویش: آبروی خویش، گلوی خویش، بوی خویش.
- خویشتن: آرزوی خویشتن، آبروی خویشتن، تکاپوی خویشتن.
- تان: شفتالوی تان، کدوی تان، بازوی تان.
- شان: ترازوی شان، چاقوی شان، ناجوی شان.
- مان: هیاهوی مان، بازوی مان، گلوی مان.
- هرگاه حرف پایانی واژه «واو» باشد و هنگام پیوستن با ضمایر اضافی «ت»، «م» و «ش» قرار گیرد، بازهم همان «ی» در میان واژه و ضمیر علاوه می شود؛ اما «ی» باید با ضمیر به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:

- ت: گیسویت، ابرویت، آهویت.
- ش: آرزویش، سویش، بازویش.
- م: آرزویم، آبرویم، ماهرویم.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده باهم گفتگو کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر در برابر صنف حاضر شده، نماینده گروه اول درباره «ویژه گی های سخن و کلام» و نماینده گروه دوم در مورد «ویژه گی های سخنران خوب؛ سخنرانی کنند.
۲. چند تن از شاگردان، در مورد تصویر زیر در برابر صنف سخنرانی نمایند.



املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های تان بنویسید.
۲. در مورد «ضرورت سخنرانی» یک متن هفت سطری بنویسید.

خود آزمایی

۱. ویژه گی های سخن و کلام را بیان کنید.
۲. اگر حرف آخری واژه، «واو» باشد، هنگام پیوستن با ضمائر اضافی «ت»، «م» و «ش» چگونه نوشته می شود؟ با مثال هایی خارج از کتاب درسی واضح سازید.
۳. پنج مشخصه از ویژه گی های سخنرانی مؤثر را بیان کنید.
۴. برای این که سخنران خوبی شویم، چه کارهایی را باید انجام دهیم؟

کارخانه گی

۱. در مورد «آداب سخنرانی» مقاله یی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
دستگاه معنی نازک، سخن رازیور است جوهر این تیغ جز پیچ و خم اندیشه نیست
بیدل
۳. متن کامل درس نهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد:

- ۱- علم معانی را تعریف کنید.
- ۲- فرق میان وصل و فصل چیست؟ بیان دارید.
- ۳- در بارهٔ ایجاز و اطناب چه می‌دانید؟
- ۴- فرق میان خبر و انشاء را واضح سازید.
- ۵- چه چیزی پیرامون مطابقت کلام با مقتضای حال بحث می‌کند؟

علم معانی

«معانی» جمع معنی است و منظور از «معنی» در این علم، «مقصود» و «غرض» است و به گفتهٔ علمای علم بلاغت، علم معانی علمی است که در آن از مطابقت کلام با مقتضای حال بحث می‌شود. کلام معمولاً دو معنی دارد، یکی معنای عرفی که کلام برای آن وضع شده و معنای اصلی و اولی آن است، و دیگر معنایی است که گویندهٔ بلیغ در نظر می‌گیرد تا به گونهٔ لطیف سخن را متناسب با حال و مقام و شأن مخاطب بیان کند. در علم معانی بیشتر به معانی ثانوی توجه صورت می‌گیرد که سبب سازگاری کلام با مقتضای حال و تأثیر و رسوخ آن در نفس شنونده می‌شود؛ مثلاً: اقتضای امر ایجاز است و اقتضای مدح اطناب، یا برای شنوندهٔ عارف اشاره‌یی کافی است و برای عامی و ناآشنا سخن مشروح و مفصل مناسب است. اگر ذهن شنونده خالی است و احساس مثبت یا منفی خاصی نسبت به معنای موردنظر ندارد، سخن باید بی‌تأکید، ادا شود؛ اما اگر شنونده تردیدی نسبت به موضوع دارد یا منکر آن است، تأکید، مناسب و ضروری است.

علم معانی را به صورت‌های گوناگونی تعریف کرده‌اند. سکاکی آن را چنین تعریف می‌کند: ((قواعدی است که به واسطهٔ آن، احوال لفظ شناخته می‌شود؛ احوالی که به سبب آن‌ها، لفظ با مقتضای حال برابری کند.))

همین تعریف به صورت‌های گوناگون؛ اما با یک مفهوم در مآخذ دیگر آمده است که ماحصل آن، این است:

((علم معانی، علم به اصول و قواعدی است که به یاری آن کیفیت مطابقت کلام با مقتضای حال و مقام شناخته می‌شود. موضوع آن الفاظی است که رسانندهٔ مقصود متکلم باشد، وفایدهٔ آن آگاهی بر اسرار بلاغت در نظم و نثر.)) در این علم در حقیقت، یک طرف قضیه گوینده است و طرف دیگر مخاطب یا شنونده، و قسمت مهم علم

معانی مربوط است به احوال شنونده یا مخاطب، همچون آگاهی یا عدم آگاهی مخاطب، حال و حوصله او، پذیرش یا انکار یا عناد او...

این فن را به چند مبحث تقسیم کرده اند:

۱- اسناد خبری

۲- احوال مسندالیه

۳- احوال مسند

۴- انشا

۵- قصرو حصر

۶- فصل و وصل

۷- ایجاز، اطناب، مساوات

گاه در سخن جمله‌هایی می‌بینیم که در معنای حقیقی خود به کار نرفته اند؛ مثلاً: به پسری که تلویزیون را دست کاری می‌کند می‌گویید: «آفرین! خرابش کن!» این جمله از لحاظ دستوری مفهوم امری دارد؛ اما مقصود شما امر نیست؛ بلکه نهی است؛ یعنی «دست مزن! خراب می‌شود.»

در اینجا جمله را در معنای نهی به کار برده اید، و یا به دوستی که عازم سفر است، و چیزی به حرکت قطار نمانده است، می‌گویند: «قطار رفت» و مراد شما این است که «عجله کن قطار ممکن است برود» می‌بینید که چنین جملاتی در این «موقعیت»ها در معنای واقعی خود به کار نمی‌روند؛ بلکه معنای ثانویه آن‌ها مورد نظر است. جابه‌جایی و یا حذف اجزای جمله نیز در معنای جمله‌ها تغییراتی ایجاد می‌کند، به این سه جمله دقت کنید:

۱- نجیب دیوان بیدل را از کتابخانه امانت گرفت.

۲- دیوان بیدل را نجیب از کتابخانه امانت گرفت.

۳- از کتابخانه، نجیب دیوان بیدل را امانت گرفت.

این سه جمله اگر چه از عناصر و احادی تشکیل شده اند؛ اما معانی آن‌ها با هم تفاوت دارد. و در هر جمله تکیه گوینده بر بخشی از سخن است. تفاوت‌های معنایی که در اثر جابه‌جایی عناصر جمله و حذف و قصر آن‌ها ایجاد می‌شود؛ هم چنین معانی ثانوی جملات موضوع علم معانی است. علم معانی (معنی‌شناسی) دانشی است که به بررسی معانی ثانوی جملات و تغییرات معنایی کلام می‌پردازد. از موضوعات دیگر این علم بررسی تعقید (گره خورده گی و پیچیده گی) سخن، ایجاز و اطناب (کوتاهی و درازی) حذف و قصر و شرایط آن‌هاست.

فایده علم معانی در این است که ما را با امکانات پنهان و فراوان زبان آشنا می‌سازد.

اسناد خبری

کلامی است که احتمال درستی و نادرستی و یا به تعبیر دیگر احتمال صدق و کذب در آن می‌رود.

مسندالیه

مسندالیه کلمه یا بخشی از جمله است که فعل، صفت یا حالتی را به آن نسبت می‌دهند؛ مثلاً: وقتی گفته می‌شود: «نجیب آمد»، «نجیب» مسندالیه است، چون فعل آمدن به او استناد داده شده است. یا وقتی می‌گوییم: خدا بزرگ است. در این جا «خدا» مسندالیه، «بزرگ» مسند، و است فعل ربطی است که مسندالیه و مسند را با هم ارتباط می‌دهد.

اسناد: پیوندی است که بین مسند الیه و مسند وجود دارد؛ مثال:

خدا کشتی آن‌جا که خواهد برد و گر ناخدا جامه برتن درد
انشا: انشا در لغت به معنای ایجاد کردن و در اصطلاح، آوردن جملات است به گونه‌یی که در آن احتمال صدق یا کذب نرود.

الهی سینه‌یی ده آتش‌افروز در آن سینه دلی، وان دل همه سوز
قصر یا حصر: قصر و حصر هر دو به معنای ویژه کردن و حبس و منحصر کردن است و در اصطلاح علم معانی، آن است که حکم یا صفتی را به کسی یا چیزی منحصر کنیم؛ مثلاً: «جوانمردی جز محمد ﷺ نیست» صفت «جوانمرد بودن» را منحصر به محمد ﷺ کرده ایم.

فصل و وصل: فصل در لغت به معنای گسسته‌گی است و وصل به معنای پیوسته‌گی؛ اما در اصطلاح علمای بلاغت، فصل آن است که دو جمله را از یکدیگر جدا کنند و میانه آن‌ها حرف پیوندی نباشد، و وصل آن است که جمله‌یی را به جمله دیگر یا کلمه‌یی را به کلمه دیگر به وسیله حرف پیوند، بزنند.

مهمترین و با ارزش‌ترین حرف پیوند در بلاغت، حرف «و» است و البته ارزش بلاغی فصل و وصل در این است که علت آن‌را بدانیم و نازک کاری‌های آن را دریابیم
مثلاً:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری
سعدی

تن گور توست، خشم مگیر از حدیث من زنه‌ار که خشمگیر نباشد سخن پذیر
ناصر خسرو

مساوات: اصل در سخن بر مساوات و برابری نهاده شده است و مساوات هنگامی است که لفظ و معنی برابر باشند. دقت در برابر لفظ و معنی و پرهیز از آوردن الفاظ حشو و زاید سبب روشنی، رسایی و اثربخشی بیشتر معنی می‌شود و گاه سخن را

تأحد سهل ممتنع بالا می‌برد و در این صورت است که مساوات، جنبه هنری، بلاغی و زیباشناختی به خود می‌گیرد، برای مثال:

دل من همی داد گویی گواهی که باشد مرا از تو روزی جدایی
جدایی گمان برده بودم و لیکن نه چندان که یک‌سو نهی آشنایی
به جرم چه راندی مرا از در خود؟ گناهم چه بوده است؟ جز بی‌گناهی

ایجاز: بیان معنی است در کوتاه‌ترین لفظ، و به عبارت دیگر آوردن لفظ اندک است برای معنای بسیار که البته باید به رسایی سخن کمک کند.

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد
در مصراع اول این بیت، بی‌آنکه معنی و مفهوم آسیب ببیند، برخی از واژه‌ها حذف شده است؛ مثلاً می‌توان این مصراع را این‌گونه تعبیر و تفسیر کرد: کلام خود را ((به نام خداوند جان و خرد)) آغاز می‌کنم.

اطناب: در لغت به معنای دراز ساختن و طولانی کردن است، و در اصطلاح، آوردن الفاظ بسیار برای بیان معنای اندک، بنابر مقتضای حال مخاطب و مقام و موضوع کلام. آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا

توضیحات

سکاکی: سراج‌الدین ابو یعقوب یوسف خوارزمی، از ادبای معروف عربی زبان قرن ششم و هفتم (۵۵۵-۶۲۶ هـ.ق). مؤلف کتاب «مفتاح العلوم» بود، وی در انواع علوم ادبی و به ویژه علوم بلاغی متبحر بود.



بخوانیم و بدانیم

- ۱- علم معانی علمی است که در آن از مطابقت کلام با مقتضای حال بحث می‌شود.
- ۲- در علم معانی بیشتر به معانی ثانوی توجه می‌شود؛ مثلاً: اقتضای امر ایجاز است و اقتضای مدح اطناب.
- ۳- علم معانی را به چند مبحث تقسیم کرده‌اند: اسناد خبری، احوال مسندالیه، احوال

- مسند، انشا، قصر و حصر، فصل و وصل، مساوات، ایجاز و اطناب.
- ۴- به عبارت دیگر علم معانی، علم معنی‌شناسی را گویند که به بررسی معانی ثانوی جملات و تغییرات معنایی کلام می‌پردازد.
- ۵- خبر: کلامی است که احتمال صدق و کذب در آن می‌رود.
- ۶- انشا: انشا در لغت به معنای ایجاد کردن است و در اصطلاح، آوردن جمله به گونه‌یی که در آن احتمال صدق یا کذب نرود.
- الهی سینه‌یی ده آتش افروز در آن سینه دلی، وان دل همه سوز

درست بنویسیم

- هرگاه حرف اخیر واژه، ((ی)) باشد و در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار گیرد، در میان این گونه واژه‌ها و واژه‌های بعدی‌شان، مانند صامت‌ها، چیزی علاوه نشده و تغییر و تبدیلی در حروف شان رونما نمی‌گردد؛ اما باید از واژه‌های بعدی شان جدا نوشته شوند؛ مانند:
- زنده‌گی آرام، صراحی زیبا، روی سرخ (موصوف)
 - مثنوی مولوی، کافی لالا، گادی پهلوان (منسوب)
 - قاضی وجدان، مستی چشمان، تلافی گناه (مضاف)

کار گروهی و سخنرانی

- ۱- در این قسمت شاگردان با هم گفتگو کنند و نتیجه را یک نفر شان به دیگران انتقال دهد.
- ۲- شاگردان، درس را از نظر محتوا مورد بررسی قرار دهند.

املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های تان بنویسید.
- ۲- درباره مفهوم بیت در کتابچه های تان یک متن بنویسید.



خود آزمایی

- ۱- علم معانی را از نظر لغت و اصطلاح بیان دارید.
- ۲- فرق املا و انشا را توضیح دهید.
- ۳- علم معانی چه موضوعاتی را مورد بحث قرار می دهد؟ واضح سازید.
- ۴- آیا ایجاز و اطناب تنها به معنای کوتاه سخنی و دراز سخنی است؟ یا این که به مقتضای حال می توانند بر عکس نیز باشند؟ توضیح دهید.
- ۵- شاگردان به گروه ها تقسیم شوند و پیرامون قصر یا حصر و یا فصل و وصل گفتگو نمایند و از هر گروه یک شاگرد به نمایندگی دیگران خلاصه گفتگوهای شان را بیان دارند.

کارخانه گی

- ۱- درس درست بنویسیم را اساس قرار داده چند واژه مختوم با (ی) را که در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار گیرد جدا از مثال های کتاب بنویسید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:
آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا
حافظ
- ۳- متن کامل درس بعدی را بخوانید و برای درس جدید آماده شوید.

درس دهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که جواب گوی
پرسش‌های زیر باشد. در آخر سؤال‌های آتی از چند شاگرد پرسیده شود.

- ۱- امیر علی شیر نوایی که بود؟
- ۲- او را چرا ذواللسانین می‌گویند؟
- ۳- مجموع آثار او را نام ببرید.
- ۴- خمسة نوایی شامل کدام کتابهاست و به پیروی کدام شاعر معروف

سروده شده است؟

۵- محاکمة اللغتين پیرامون چه موضوعی بحث می‌کند؟ توضیح دهید.

۶- پیرامون کارنامه‌های فرهنگی و اجتماعی امیر علی شیر نوایی چه می‌دانید؟ توضیح دهید.



امیر علی شیر نوایی

امیر علی شیر نوایی در سال ۸۴۴ هـ. ق. در هرات متولد شد. او در چهار ساله گی تعلیمات ابتدایی خود را آغاز و در ده ساله گی به شعرسرایی پرداخت و به دو زبان ترکی و دری شعر می‌سرود و بدین مناسبت به شاعر ذواللسانین معروف است. خود او در باب اشعار ترکی و دری خویش قطعه‌یی دارد که شایسته ذکر است:

معنی شیرین و رنگینم به ترکی بی حد است فارسی هم لعل و دُرهای ثمین گربنگری
گویا در راست بازار سخن بگشوده ام زانکه باشد اغنیا این نقدها را مشتری
زین دکان‌ها هر گدا کالا کجا خواهد خرید یک طرف دکان قنادی و یک سو زرگری
علی شیر نوایی شاعر، ادیب، مؤرخ، موسیقی‌دان، وزیر دانشمند، کاردان و از جمله
اعیان دوره تیموریان هرات بود. وی از ترکان چغتایی بود و نیاکانش در دستگاه
تیموریان هرات حرمت و حشمت فراوان کسب کرده بودند. نوایی در مشهد، توس
هرات و ماوراءالنهر به خواندن علوم متداول عصر خود از جمله عروض، قرائت، فقه
و نحو پرداخت. در آغاز حکم‌روایی سلطان حسین بایقرا به منصب امارت دیوان اعلی
یا مُهرداری حضور؛ سپس به وزارت رسید. سلطان در همه امور با وی مشورت می‌کرد
و بدون نظر او به هیچ کاری نمی‌پرداخت و امیر علی شیر نوایی به لقب (افتخاری)

مقرب حضرت سلطان نایل گردیده و جاه و عزت فراوان یافته بود. نوایی پس از استعفا از مشاغل درباری و وزارت به کسب دانش و مطالعات ادبی و تألیف کتب و نظم اشعار و تربیت ارباب فضل و کمال پرداخت. با این همه تا پایان عمر بر سلطان حسین بایقرا نفوذ فراوان داشت؛ چنان که بایقرا بر اثر رای و تدبیر او توانست بر تمامی نقاط خراسان، ماوراءالنهر و فارس تسلط یابد. علی شیر هم چنان در کمال عزت و احترام در دربار سلطان حسین می زیست. تشویق و ترغیب علی شیر نوایی در پیشرفت و کمال نقاشی و خطاطی، هنر موسیقی، نویسندگی و شاعری، تذهیب کاری و ریاضیات و حرفه های زرگری، سفالی، خیاطی و جز آن ها در دوره تیموریان هرات تأثیر فراوان داشته و نوایی در برابر حوادث روزگار پناهگاه خوبی برای هنرمندان بود. اغلب شاعران و نویسندگان روزگارش به مدح او پرداخته و آثارشان را برای او پیشکش کرده اند.

همچنان نوایی ۳۷۰ بنای خیریه از جمله مدرسه، کتابخانه، پل، خانقاه، مسجد، بنای مقابر و مزارات، شفاخانه، کاروانسرا، گرمابه و یک نهر بزرگ به طول هفتاد کیلومتر از توس تا مشهد اعمار کرده است. از آبادانی های مشهورش می توان از نهر اخلاصیه واقع انجیل، خانقاه اخلاصیه، شفائیه که در آن طب و حکمت می آموختند، نظامیه هرات، مسجد جامع امیر علی شیر، دارالحفاظ و ترمیم مسجد چهارسوق هرات و بازسازی مسجد جامع هرات نام برد.

امیر علی شیر نوایی در سال ۹۰۶ ه. ق. در شهر هرات وفات یافت. دولتشاه سمرقندی، همام الدین خواندمیر و سام میرزاد و نویسندگان معاصر و هم عصر امیر، در مورد او نوشته اند و در حبیب السیر، روضة الصفا، بهارستان جامی و مقدمه سنگلاخ و دیگر آثار آن دوره آمده است. امیر علی شیر مردی بوده است وارسته، بلند همت، بذله گو، علم دوست، عاشق و دلباخته دانش و هنر.

بیشتر اوقاتش را به مطالعه و تحقیق و تألیف و تصنیف و یا مجالست و مباحثه با دانشمندان، عرفا و شعرا مصروف می داشته و حتی شب ها در کنار بالینش تا صبح شمع می سوخته و دوات و قلم و کاغذ حاضر داشته تا اگر بیدار شود و معنی و مطلبی به خاطرش برسد، یاد داشت کند.

به گفته صاحب قاموس الاعلام، کتابخانه بی نظیری در هرات فراهم آورده بوده که در آن به روی عموم دانشجویان و پژوهنده گان دانش گشوده بوده است و یکی از کسانی که از آن کتابخانه بهره وافر برده خواندمیر مؤرخ شهیر می باشد.

نوایی به علم و ادب، کتاب و هنر علاقه داشته و ثروت بی کرانش را در راه تهیه

کتاب و تألیف آثار تازه و یا اعمار مدارس و مساجد و گردشگاه‌های عمومی مصرف می‌کرده است.

پیوسته عدهٔ کثیری از خطاطان، خوش‌نویسان، مصوران و صحافان نامدار در کتابخانهٔ امیر علی شیر نوایی مشغول نسخه برداری از کتب نایاب بوده‌اند و گروهی از دانشمندان و نویسندگان نیز با مساعدت مالی و معنوی امیر به تألیف و تصنیف آثار تازه اشتغال داشته‌اند.

امیر علی شیر نوایی پس از فراغت از تحصیل با گذشت اندک زمانی در سن ۳۵ ساله گی از سمرقند به هرات رفته (۸۷۶ هـ.ق.) و مدت سی سال تا (۹۰۶) هـ.ق. در دستگاه سلطان حسین بایقرا به شغل دیوانی اشتغال داشته، و در طی این سی سال توفیق یافته است بیش از شصت هزار بیت شعر بسراید و بیش از سی جلد آثار منثور و منظوم تألیف و تصنیف کند.

امیر علی شیر به زبان مادری خود ترکی چغتایی علاقهٔ وافر داشته و با اطلاعات نسبتاً وسیع و عمیق در زبان و ادبیات دری، می‌کوشید که زبان مادری خود ترکی چغتایی را نیز رشد و وسعت بخشد به همین منظور به تألیف و تصنیف آثار متعدد و برجسته دست یازید و در کار خود توفیق یافت. آثار دری امیر علی شیر محدود است و دیوان غزلیات و یک قصیده و تعدادی نامهٔ دری از امیر به‌جا مانده است. او در آثار فارسی - دری اش تخلص «فانی» را برگزیده است.

امیر علی شیر نوایی (فانی) از ترکان دری زبان است. نیاکانش همه از بزرگ‌مردان چغتایی بوده‌اند و خود او گذشته از این که به شعر دری عشق می‌ورزید، به زبان و ادبیات دری عاشقانه و صادقانه خدمت می‌کرد.

آثار امیر علی شیر نوایی

الف: خمسه ۱- حیرت‌الابرار ۲- فرهاد و شیرین ۳- لیلی و مجنون ۴- سد سکندری ۵- سبعة سیاره

ب) دیوان‌ها ۶- غرایب الصغر ۷- نوادرالشباب ۸- بدایع الوسط ۹- فوائد الکبر
ج) آثار دیگر ۱۰- تذکرهٔ مجالس النفایس ۱۱- سراج المسلمین ۱۲- اربعین منظوم
۱۳- نظم الجواهر ۱۴- محبوب القلوب ۱۵- تاریخ ملوک عجم ۱۶- نسائم المحبه
۱۷- تاریخ انبیا ۱۸- رسالهٔ عروضیه ۱۹- خمسة المتحیرین ۲۰- محاکمة اللغتين
۲۱- منشآت ترکی ۲۲- قصهٔ شیخ صنعان ۲۳- مفردات در فن معما ۲۴- مناجات نامه
۲۵- میزان الاوزان ۲۶- مثنوی لسان الطیر ترجمهٔ منطق الطیر شیخ عطار ۲۷- حالات

پهلوان محمد ابوسعید ۲۸- حالات سید حسن اردشیر ۲۹- ترجمه نفحات الانس ۳۰- ترجمه نثر اللالی ۳۱- بدایع اللغه.

نمونه کلام امیر علی شیر نوایی

آمد بهار دلکش و گل‌های تر شگفت	دلها از آن نشاط ز گل بیشتر شگفت
دل از صباحت رخ خوبت گشاده شد	مانند غنچه‌یی که به وقت سحر شگفت
می‌آید از گل چمن عشق بوی خون	گویا که غنچه‌هاش زخون جگر شگفت
گر خنده ز دزگریه چشم عجب مدان	چون ابراشک ریخت گل تازه بر شگفت
ساقی بهار شد، قدح ریزلب به لب	خاصه که از شگوفه چمن سربه سر شگفت
زان نخل ناز خنده به عشاق و وصل نی	همچون گلی که از شجر بی‌ثمر شگفت

فانی عجب مدان اگر آن گل شگفته است
از اشک ابر سان تو نشگفت اگر شگفت

توضیحات

ذواللسانین: امیر علی شیر نوایی به دو زبان ترکی و دری شعر می‌سرود، بنابراین به شاعر ذواللسانین ملقب گردید. تذکرة الشعراء: این کتاب شرح حال قریب ۱۰۵ تن از شعرای دری‌زبان را در بر دارد. دولتشاه بن علاء الدولة سمرقندی از امیر زاده گان و رجال و اعیان و پدرش از ندمای شاهرخ و خود در هرات از مقربان ابوالغازی سلطان حسین و امیر علی شیرنوایی و معاصر مولانا جامی بوده است و اسم و مدح و فضایل هر سه تن را در اواخر این کتاب آورده و این تذکره را به نام علی شیر کرده؛ زیرا تألیف آن به تشویق و پشتیبانی این وزیر دانشمند بوده است.

حبیب السیر: حبیب السیر تاریخ عمومی معروفی است که غیاث‌الدین بن همادالدین خواند میر تألیف کرده که وقایع را از ابتدای تاریخ بشر تا (۹۳۰) هـ. ق. آورده، که در سه جلد می‌باشد و به مناسبت احتوای تفصیل اوایل کار و شرح سلطنت شاه اسماعیل که مؤلف معاصر او بوده است دارای اهمیت است.

بهارستان: بهارستان اثری است که جامی آن را برای پسرش یوسف ضیاءالدین تألیف کرده است و به سبک گلستان مرکب از حکایات لطیف و نکات ظریف است و اشعار ملیح نیز دارد و ذکر شماره‌یی از شعرا و فضلا در آن آمده است.



بخوانیم و بدانیم

۱- امیر علیشیر نوایی به تاریخ هفدهم رمضان المبارک سال ۸۴۴ هـ. ق. در هرات تولد شد.

۲- نوایی بیش از ۳۰ کتاب را به زبان‌های ترکی و دری به رشته تحریر درآورد.

۳- نوایی در راه تهیه کتاب، تألیف و تصنیف، اعمار مساجد و مدارس، شفاخانه‌ها، حفر چاه‌ها، اعمار پل‌ها، باغ‌ها و گردشگاه‌های عمومی توجه جدی مبذول داشته است.



درست بنویسیم

• هرگاه حرف آخری واژه «ی» باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین باز هم در میان واژه و پسوند یک «ی» علاوه می‌شود، که این «ی» همیشه با پسوند بعدی باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:

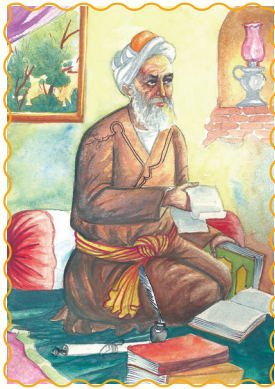
- پسوند تنکیر «ی» صوفی + ی = صوفی‌یی، کابلی‌یی، شادی‌یی.
- پسوند صفت نسبتی «ی» دایکندی + ی = دایکندی‌یی، دوشی‌یی.
- هرگاه حرف پایانی واژه «ی» باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین حرف دیگری در میان آن‌ها علاوه نمی‌شود؛ اما همیشه با این پسوندها به صورت پیوسته نوشته می‌شود؛ مانند:

- پسوند جمع «ان»: مفتی + ان = مفتیان، گردیزیان، منطقیان
- پسوند جمع «ها» کشتی + ها = کشتی‌ها، بلندی‌ها، سادگی‌ها
- پسوند اسم معنا «ی» صوفی + ی = صوفیی، حاجیی
- هرگاه حرف آخری واژه «ی» باشد، در پیوند با پسوند تصغیر «ک» میان واژه و پسوند یک «گ» علاوه می‌شود، که همیشه با نشانه تصغیر باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ اما با اصل واژه نمی‌پیوندد؛ مانند: گادی گک، گدی گک، خانه گک.

کار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و کارنامه‌های امیر علی شیر نوایی به بحث و گفتگو پردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در باره آثار نوایی به همصنفی‌های خود معلومات دهد.
- ۳- در مورد تصویر مقابل سخنرانی کنید.



مولانا نور الدین عبدالرحمن جامی

املا و نگارش



- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
- ۲- با استفاده از پسوند تنکیر (ی) چند واژه خارج از واژه‌های درس «درست بنویسیم» بنویسید.

خود آزمایی



- ۱- امیر علی شیر در اشعار ترکی و دری خود کدام تخلص‌ها را به کار می‌برد؟
- ۲- پنج اثر عمده نوایی را نام ببرید.
- ۳- نوایی در چند ساله گی به تحصیل و در چند ساله گی به سرودن شعر آغاز کرد؟
- ۴- نوایی در کجا تولد شد: الف: در سمرقند ب: در هرات ج: در دوشنبه د: در کابل
جواب درست را حلقه کنید:

کار خانه‌گی



- ۲- علاوه بر خمسه نوایی دیگر از کدام خمسه‌های شاعران آگاهی دارید، نام ببرید.
- ۳- این بیت را به حافظه بسپارید:
گرتو می‌خواهی مسلمان زیستن نیست ممکن جز به قرآن زیستن
اقبال
- ۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیری.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد.

۱. شراب چیست؟
۲. شراب به کدام قسمت‌های بدن انسان ضرر دارد؟
۳. مضرات اجتماعی و اقتصادی الکول چیست؟

اضرار مشروبات الکولی (شراب)

یکی از گناهان کبیره در شریعت اسلامی، نوشیدن مشروبات الکولی است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و از عمل شیطانند؛ پس از آن‌ها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد؛ پس آیا شما دست برمی‌دارید؟ سورة مائده/ آیت ۹۰-۹۱»
با خواندن این آیات متبرکه، سؤال مطرح می‌شود که شراب چیست، بر صحت انسان چه ضرر دارد، ساینس جدید درباره آن چه می‌گوید؟

شراب یکی از زیانبارترین مواد مخدر برای صحت و سلامتی است. نخستین اثر زیان آور الکول متوجه مغز و سیستم اعصاب مرکزی انسان است. نوشیدن نوشابه‌های الکولی در ابتدا موجب نوعی آرامش کاذب و افراطی می‌گردد؛ ولی پس از مدتی اثرات واقعی آن از جمله: ناهماهنگی در حرکات عضلات، اختلال در تصمیم‌گیری، آسیب اعمال حرکی و مهارتی، کندی فعالیت‌های دماغی و فکری، تشدید حالت تهجمی و پرخاشگری، درهم و برهم حرف زدن، سوزش قلب، پرحرفی، دوتا دیدن اشیا و افراد، ضعف قریه و اعصاب چشم به ظهور می‌رسد.

بزرگترین خطر الکول آن است که سیستم اعصاب انسان را به تدریج معتاد می‌سازد؛ زیرا مقداری که در مرحله اول حالت نشئه را به بار می‌آورد، در دفعات دوم و سوم اثر مطلوب نمی‌بخشد و برای به دست آوردن همان حالت اولی، شخص غلط فکر می‌کند

مقدار آن را به دو یا سه چند افزایش می دهد که بالاخره اعتیاد به وجود می آید.

تأثیر الکل بر کرویات خون: خون در بدن انسان دو وظیفه دارد: کرویات سرخ خون آکسیجن را از شش جذب و کاربن دای اکساید را دفع می کند و کرویات سفید در مقابل باکتریها و میکروب هایی که درجسم داخل می شوند، مقاومت می نماید. اگر یک قطره خون را در مقداری آب که (۱٪) الکل داشته باشد بیندازیم، رنگ سرخ آن به زردی می گراید و نشاط و فعالیت قلبی خود را ازدست می دهد. معنای این عملیه درجسم انسان زنده این است که الکل خون را از جذب نمودن آکسیجن لازم به وجود باز می دارد و اختناق کرویات خون را بار می آورد، که نتیجه آن خسته گی عضلات و کاهش مقاومت جسم در برابر انواع میکروب هاست.

تأثیر الکل بر قلب و شریان ها: الکل به نسبت (۱٪) درخون، سبب می شود که نبض انسان در یک دقیقه ده بار بیشتر بتپد. با تداوم شراب نوشی، شخص معتاد به الکل به تصلب شرایین - خصوصاً شریان تاجی که مغذی قلب است - مبتلا می شود و تصلب شریان تاجی، انسان را در معرض سکته قلبی قرار می دهد. بدین جهت نخستین نصیحت داکتر برای مریضان مصاب به تصلب شراین و تکان قلبی، ترک قطعی سگرت و الکل به طور دایم است.

تأثیر الکل بر جگر: استعمال الکل سبب پیدایش «پوکی جگر» می گردد. این بیماری در اروپا و امریکا انتشار زیاد دارد؛ اما در ممالک اسلامی خیلی کم به نظر رسیده است. هرگاه شراب نوشی ادامه یابد، حجرات زنده جگر یکی پس از دیگری حیات خود را از دست می دهند و باعث خرابی قسمتی از جگر می گردند، که همان قسمت به شکل اسفنجی درآمده و انکشاف آن باعث بروز مرض «پوکی جگر» می گردد. این مرض مرگ های نا به هنگام را به دنبال دارد.

الکل و نقص ویتامین ها: یکی از عوارض تجزیه الکل دربدن، تخریب ویتامین B۶ است که در نتیجه آن فرد، دچار کم خونی، خسته گی، تمرکز ضعیف، سستی و بی حالی می گردد. الکل یک ماده ادرار آور است و می تواند سبب کم آبی سلول های بدن شود. با دفع ادرار، همراه با آب، ویتامین ها و مواد معدنی از جمله ویتامین های B

و C، مگنیزیم، کلسیم و پتاسیم از بدن خارج می‌شوند. اعراض فقدان ویتامین‌های B و C نخست به شکل لرزش دست‌ها، کلالت زبان، ضعف عضلات و حساسیت پوست ظاهر می‌شود. اگر بازهم این ویتامین‌ها توسط الکول از بین برده شود، منجر به فلج شدن دست‌ها، پاها و ورم قلب می‌گردد.

تأثیر الکول بر شخصیت انسان: در گزارشی که از طرف «انجمن مبارزه با الکول» در انگلستان تهیه شده، آمده است: «در اثر تحقیقاتی که بر ۱۸۶۰۰ شخص معتاد به الکول صورت گرفت، چنین نتیجه به دست آمد: استعمال الکول به طور دوام‌دار از شخصیت انسان می‌کاهد و سبب پیدایش کُند ذهنی، ضعف اراده، خشم سریع و اوهام و خیالات می‌گردد. بدین سبب نمی‌توان درمسایل مالی، اجتماعی و رهبری به چنین فردی اعتماد نمود؛ همچنان اعتماد به سخنان و وعده‌های شخص معتاد به الکول کاری است خطا؛ هرچند که وی در حالت عادی باشد.»

معضلات اجتماعی و اقتصادی الکول: در کشورهای اسلامی، الکول معضله قابل توجهی را ایجاد نموده است و این به برکت دستور قاطعی است که شریعت اسلامی درین زمینه صادر نموده؛ اما در کشورهای دیگر به ویژه در قاره‌های اروپا و امریکا، معضلات اجتماعی و اقتصادی الکول بسیار چشم‌گیر است. در بسیاری از شهرهای پیشرفته اروپایی و امریکایی، ده‌ها انجمن مبارزه با مشروبات الکولی و شفاخانه‌هایی ایجاد شده که به علاج اشخاص دایم الخمر می‌پردازند.

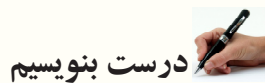
توضیحات خداوند جلّ و علا در سوره المائدہ آیه ۹۰-۹۱ میفرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۹۰) إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ (۹۱)**
ترجمه: ای مؤمنان جز این نیست که شراب و قمار و نشانه‌ای معبودان باطل و تیره‌ای

فال پلیدی است از کردار شیطان پس احتراز کنید از وی تا بود که شما رستگار شوید (۹۰) جز این نیست که می‌خواهد شیطان که بیندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی به سبب شراب و قمار و باز دارد شما را از یاد خدا و از نماز پس آیا الحال شما باز ایستادگانید (۹۱)



بخوانیم و بدانیم

۱. از نظر ساختار طبی همه نوشابه‌هایی که دارای مقدار معین ایتانول (Ethanol) بوده و حالت نشئه را به بار آورند، درجمله مشروبات الکولی به شمار می‌آیند.
۲. از نظر شریعت اسلامی شراب به همه نوشابه‌هایی گفته می‌شود، که در وجود انسان حالت نشئه ایجاد کند.
۳. بزرگترین خطر الکول آن است که دنیا و آخرت انسان را خراب می‌سازد و سیستم اعصاب انسان را به تدریج معتاد می‌نماید.
۴. شایع ترین اختلال سیستم عصبی، آسیب قرنیه و اعصاب چشم است.
۵. الکول به نسبت (۱٪) درخون، سبب می‌شود که نبض در یک دقیقه ده بار بیشتر بتپد.
۶. استعمال الکول سبب پیدایش (پوکی جگر) می‌گردد.
۷. یکی از عوارض تجزیه الکول در بدن، تخریب ویتامین B۶ است.
۸. استعمال الکول به طور دوامدار از شخصیت انسان می‌کاهد و سبب پیدایش کُند ذهنی، ضعف اراده، خشم سریع و اوهام و خیالات می‌گردد.



درست بنویسیم

- هرگاه حرف اخیر واژه، «ی» باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی یا معاون «استم
- استیم، استی، استید، استند و اند»، «الف» از آغاز این‌ها حذف نشده بر جای خویش باقی می‌ماند؛ اما در تلفظ، حرکت الف نخستین این واژه‌ها به «ی» داده می‌شود؛ مانند:
- استم: زابلی استم / قرغی استم.
- استیم: افغانستانی استیم / فرزه‌یی استیم.

• استی: ایرانی استی / سرچشمه‌یی استی.

• استید: منطقی استید / پایمناری استید.

• استند: کاریزی استند / بلوچی استند.

• اند: گردیزی اند / شرقی اند.

اما الف «است» که فعل مفرد شخص سوم می‌باشد، در هنگام پیوستن با واژه‌های یادشده حذف شده، و فعل با واژه پیوسته نوشته می‌شود؛ مانند:

• است: معنیست / طبعیست.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد اضرار اجتماعی و اقتصادی الکول باهم بحث نموده و فهرستی

تهیه نمایند؛ سپس هر شاگرد، دو - دو مورد آن را با ارائه مثال‌ها مفصل شرح دهد.

۲. چند تن از شاگردان تصویر زیر را با موضوع «شراب و تصادم» ارتباط داده، در مورد

آن در برابر صنف سخنرانی کنند.



املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی، به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. « دولت چه تدابیری را در مبارزه علیه شراب روی دست بگیرد؟ » درین مورد متنی در هفت سطر بنویسید.

خود آزمایی

۱. شراب‌نوشی چه معضلات اجتماعی را به بار می‌آورد؟
۲. الکول بر سیستم عصبی و شخصیت انسان چه تأثیر می‌گذارد؟
۳. هرگاه حرف آخری واژه، «ی» باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی «استم، استیم، استی، استید، استند و اند»، چگونه باید نوشته شود؟
۴. به نظر شما مهمترین نکات املایی که باید در نوشتن رعایت شود، کدام‌هاست؟

کارخانه‌گی

۱. در مورد اضرار استفاده از مشروبات الکولی یک مقاله بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
حذر کنید ز انجام عیش این محفل کدام شیشه که آخر نزد به سنگ شراب
بیدل
۳. متن کامل درس دوازدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد.

۱. رمان چیست؟
۲. رمان به گونهٔ امروزی در چه زمانی به وجود آمد؟
۳. رمان با رمانس چه رابطه دارد؟
۴. دُن کیشوت چیست؟

رُمان چیست؟

داستان یا ناول (Novel) روایتی است منثور که مبتنی بر جعل و خیال؛ اگر طولانی باشد، آن را رُمان و اگر کوتاه بود، آن را داستان کوتاه می‌گویند. در ابتدا رُمان، شعر روایتی بود و بعد به تدریج به نثر گرایید و عمومیت بیشتر یافت.

ناول اصطلاح انگلیسی است و معادل آن در اکثر زبان‌های اروپایی رُمان است. اصل واژهٔ انگلیسی ناول، واژهٔ ایتالیایی «ناولا» به معنای مطلب کوچک تازه است. ناولا که در قرن چهاردهم در ایتالیا مرسوم بود، نوعی قصهٔ کوتاه منثور است که معروف‌ترین نمونهٔ آن «قصه‌های دکامرون» اثر «بوکاچو» است.

از اجداد دیگر رُمان امروزی، روایات «پیکارسک» است که در قرن شانزدهم در اسپانیا مرسوم بود و نشانه‌هایی از این شیوه، در آثار «مارک توین» به چشم می‌خورد. پیکارسک مشتق از کلمهٔ هسپانوی «پیکار»، به معنای تذویر و محیل است و پیکارسک صفتی بوده برای داستان‌هایی که در آن به بررسی اعمال پیکارها می‌پرداختند. معروف‌ترین نمونهٔ این سبک، رُمان «دُن کیشوت» اثر «سروانتس» (نویسندهٔ هسپانوی) است که آن را در خلال سال‌های (۱۶۰۵) تا (۱۶۱۵) م. نوشته است. پیش از این رُمان هیچ اثری در چنین قالب هنری ادبیات جهان پیدا نمی‌شود. در این داستان معروف، مردی حيله گر می‌خواهد هنوز با آرمان‌های اشرافی - که دیگر در زمان او منسوخ شده است - زنده گي کند. در رُمان «دُن کیشوت» توهم و واقعیت به نحو استادانه‌یی در مقابل یکدیگر نمودار شده است.

به هر حال رُمان، که از کلمهٔ رُمانس گرفته شده، مهمترین و معروف‌ترین شکل تبلور یافتهٔ ادبی روزگار ماست. قبل از رُمان «دُن کیشوت»، حماسه‌های منثور و منظوم و

لطیفه‌ها و حکایات برسبیل تمثیل، قصه‌های عامیانه و اساطیر و افسانه‌های بسیاری چون «ایلیاد و ادیسه» و نوع رُمانس‌ها موجود بود که از نظر معنی و کیفیت ساختاری با رُمان به مفهوم امروزی آن تفاوت بسیار داشت.

رُمانس چیست؟

اصطلاح رُمانس در اوایل سده‌های وسطی به معنای کتاب‌هایی بود که از لاتین ترجمه و یا به زبان‌های محلی نوشته میشد و نیز زبان‌های محلی جدید مشتق شده از زبان لاتین را رُمانس می‌گفتند؛ همچنان در قرون نخستین، وقایع غیرعادی، صحنه‌های عجیب و غریب، ماجراهای شگفت‌انگیز و عشق‌های احساساتی و پرشور و اعمال سلحشورانه را به نام رُمانس یاد می‌کردند.

شکل رُمانس، تحت تأثیر قصه‌های «هزار و یک شب» به وجود آمد و در قرن دوازدهم در فرانسه رونق گرفته از این کشور به کشورهای غربی دیگر نیز راه یافت. رُمانس، جهان با شکوه و با عظمت غیرواقعی و خیال‌پردازانه را به نمایش می‌گذارد و برخلاف حماسه، تنها به جنگ و میدان‌های کارزار اختصاص ندارد؛ بلکه بیشتر قصه‌های خیالی است که جنبه سرگرم‌کننده دارد و به قهرمان‌های اصیل زاده‌یی اختصاص می‌یابد که از واقعیت‌های زنده‌گی روزمره دور بوده به ماجراهای عاشقانه اغراق‌آمیز دلبسته‌اند و در راه رسیدن به محبوب، به اعمال جسورانه دست می‌زنند و با جادوگران و شخصیت‌های شرور می‌جنگند.

قصه‌ها عمر طولانی دارند و تاریخ پیدایش آن‌ها تقریباً همان اندازه قدیمی است که تاریخ زنده‌گی بشر؛ اما شکل و روال تازه ادبی که ما در رُمان مجسم می‌بینیم، یعنی آفرینش داستانی منشور و طولانی با تأکید بر اصالت و تجربیات و تخیلات فردی و شخصی، هرگز گذشته طولانی نداشته است و تاریخ پیدایش و طلوع آن در فرهنگ ادبی جهان از سه قرن تجاوز نمی‌کند. در حقیقت وقتی آدمی شناسنامه و هویت فردی خود را پیدا کرد، رُمان نیز تولد یافت.

قصه‌های قدیمی بیشتر به مطلق‌گرایی و نمونه‌های کلی توجه داشتند. قهرمان‌های قصه‌ها، نمونه‌های صفات بد و خوب انسانی بودند. شخصیت‌ها در این آثار به دو گروه متفاوت و متمایز تقسیم می‌شدند: گروه آسمانی با همه صفات و خصایل پسندیده و گروه اهریمنی با همه رذالت‌ها، پستی‌ها و پلیدی‌ها. درگیری این دو گروه باعث پدید آمدن ماجراها، قصه‌ها و رُمانس‌ها می‌شد.

از اواخر قرن هفده جهان بینی انسان در غرب از جهان‌بینی قهرمان جدا شد. شناخت

افراد از مسایل تغییر یافت و موضوع رُمان‌ها نیز از این دیگرگونی‌های تازه فردی مایه گرفت. برای اولین بار خصوصیات عاطفی و درونی و تجزیه و تحلیل روحی به ادبیات راه یافت و رُمان به معنای واقعی و امروزی آن به وجود آمد.

در تعریف رُمان گفته اند: روایت منثور داستانی است که سروکارش با ماجراها و احساسات آدم‌های خیالی و تصویری است، به این منظور که از طریق توصیف عمل و فکر، گوناگونی‌های زنده گی و شخصیت آدمی را تصویر کند.

رُمان از لحاظ زمینه و موضوع، اقسام گوناگون دارد که مهمترین آن‌ها عبارت اند از:
۱. رُمان تاریخی: که در آن قهرمانان و حوادث مهم تاریخی به کار گرفته شده و نویسنده به مقتضای ذوق و سلیقه خویش در حوادث و شخصیت قهرمانان تغییرات کم و بیش مهمی که زائیده تخیل اوست، وارد آورده است.

۲. رُمان روستایی: رُمانی است که زنده گی، آرزوها و تخیلات شبانان و مردم روستانشین را نقاشی و تحلیل می کند.

۳. رُمان آموزشی: در چنین رُمان یکی از موضوعات علمی و آموزشی مانند موضوعات فلسفی، جغرافیایی و غیره در لباس داستانی که پرداخته ذهن نویسنده است مورد بحث قرار می گیرد.

۴. رُمان طنزی: عبارت است از رُمانی که عادت و اخلاق و رفتار جاری عادی مردم را با بیانی نیشدار و خنده آور توجیه و تحلیل می کند. طبیعی است که موضوع این قبیل رُمان‌ها کمتر از میان مطالب جدی یا غم انگیز انتخاب می شود.

۵. رُمان هجوآمیز: در این رُمان در ضمن حکایتی که در واقع صورت استعاری مقصد اصلی نویسنده است، عادات و اخلاق و سجایای مردم عصر مورد نظر نویسنده، مورد انتقاد هجوآمیز قرار می گیرد.

۶. رُمان مکاتبه‌یی: رُمانی است که وقایع آن در ضمن نامه‌هایی که بین قهرمانان داستان رد و بدل می شود جریان دارد و خواننده با خواندن چند نامه از داستان آگاهی حاصل می کند.

۷. رُمان عاطفی: که قسمت عمده آن عبارت است از تحلیل احساسات و عواطف شخصی و درونی قهرمان داستان.

۸. رُمان روانی: که در آن حوادث عمده و مهمی وجود ندارد و زمینه اصلی داستان چیزی جز تجزیه و تحلیل احساسات قهرمانان بر مبنای قوانین روان‌شناسی نیست.

۹. **رُمان فرهنگی:** که در آن عادات، رسوم، اخلاق و سجایای مردم جامعه مورد توجه و بحث قرار می گیرد.

۱۰. **رُمان حادثه‌یی:** رُمانی است که در آن شرح مسافرت‌های آمیخته با حوادث، یا وقایع خیالی و وهمی با معلومات جغرافیایی یا تاریخی آمیخته شده باشد که همه این انواع محصول ادبیات غرب است؛ اما در کشور ما افغانستان بعد از فعالیت‌های فرهنگی نگارشی محمود طرزی عمدتاً داستان کوتاه و رمان به ادبیات راه پیدا کرد و نویسندگان محدود در زمینه کار کرده اند.

توضیحات

بوکاجیو: «جووانی بوکاجیو» یکی از چهره‌های برجسته تاریخ ادبیات ایتالیا است. او متولد سال ۱۳۱۳ میلادی و متوفی سال ۱۳۷۳م است. بوکاجیو را در کنار دانته یکی از اصلاح‌گران زبان ایتالیایی می‌دانند. هم‌چنین او از مقامات دولتی شهر فلورانس بود. شهرت بوکاجیو به سبب مجموعه قصه‌هایی است که او در کتاب بسیار معروف خود «دکامرون» گرد هم آورده است. بوکاجیو بنا بر گفته خودش قصه نویسی را از هفت ساله‌گی آغاز کرد و در طول عمر خود شیفته مسافرت و تفحص در آداب، رسوم و روحیات مردم بود.



بخوانیم و بدانیم

۱. داستان یا ناول (Novel) روایتی است منشور که مبتنی بر جعل و خیال باشد. اگر طولانی باشد، آن را رُمان و اگر کوتاه باشد، داستان کوتاه می‌گویند.
۲. ناول نوعی قصه کوتاه منشور را گویند که معروف‌ترین نمونه آن «قصه‌های دکامرون» اثر «بوکاجیو» است.
۳. اصطلاح رُمانس در اوایل سده‌های میانه به معنای کتاب‌هایی بود که از لاتین ترجمه و یا به زبان‌های محلی نوشته می‌شد و نیز زبان‌های محلی جدید مشتق شده از زبان لاتین را رُمانس می‌گفتند.
۴. رُمانس قصه‌های خیالی است که جنبه سرگرم کننده دارد و به قهرمان‌های اصیل زاده‌یی اختصاص می‌یابد که از واقعیت‌های زنده‌گی روزمره دور بوده به ماجراهای

عاشقانهٔ اغراق آمیز دل بسته و در راه رسیدن به محبوب، به اعمال جسورانه دست می‌زنند و با جادوگران و شخصیت‌های شرور می‌جنگند.

۵. از اواخر قرن هفده برای اولین بار خصوصیات عاطفی و درونی، تجزیه و تحلیل روحی به ادبیات راه یافت و رُمان به معنای واقعی و امروزی آن به وجود آمد.

۶. رُمان روایت منشور داستانی است که سروکارش با ماجراها و احساسات آدم‌های خیالی و تصویری است، به این منظور که از طریق توصیف عمل و فکر زنده‌گی و شخصیت آدمی را تصویر کند.

درست بنویسیم



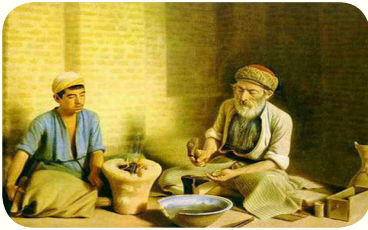
هرگاه حرف آخری واژه، «ی» باشد، در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک (خود، خویش، خویشتن)، ضمائر اضافی (ت، ش، م) و (تان، شان، مان)، مطابق به قواعد زیر نوشته می‌شود: در هنگام پیوستن با ضمائر اضافی «ت»، «م» و «ش»، میان واژه و ضمیر حرفی علاوه نشده، با این ضمائر به صورت پیوسته نوشته می‌شود؛ مانند:

- ت: گادیت، بربادیت، شادیت.
- م: پیروزم، آزادیم، گرفتاریم.
- ش: ویرانش، پایانش، مهمانش.
- در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک (خود، خویش، خویشتن) و ضمائر اضافی (تان، شان، مان)، بازهم میان واژه و یکی از ضمائر یادشده، حرفی علاوه نمی‌شود؛ اما واژه اصلی از این ضمائر جدا نوشته می‌شود؛ مانند:
- خود: زنده‌گی خود، تنهایی خود، شادی خود.
- خویش: آزادی خویش، مستی خویش، شادابی خویش.
- خویشتن: بینایی خویشتن، جوانی خویشتن، بربادی خویشتن.
- تان: گرفتاری تان، پیری تان، خسته‌گی تان.
- شان: ستمگاری شان، افتاده‌گی شان، چربی شان.
- مان: دوستی مان، دشمنی مان، همکاری مان.

کار گروهی و سخنرانی



۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده باهم گفتگو کنند. گروه اول آنچه از نام رمان‌های نویسنده‌گان افغان را که شنیده اند و گروه دوم نام رمان‌های نویسنده‌گان خارجی



را بر روی کاغذ بنویسند؛ سپس از هر گروه یک نفر در برابر صنف حاضر شده، نام آن رمان‌ها را با صدای بلند بخواند.

۲. شاگردان، این تصویر را با موضوع «رمان روستایی» ارتباط داده، چند تن شان در مورد آن در برابر صنف سخنرانی کنند.

املا و نگارش



۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسید.
۲. با در نظر داشت قواعد املائی که در بالا خواندید، در کتابچه‌های تان یک متن بنویسید که از پنج سطر کم نباشد و پنج کلمه از قواعد املائی که خواندید، در آن به کار رفته باشد.

خود آزمایی



۱. ناول چیست و مشخصات آن کدام‌ها اند؟
۲. اصطلاح رُمانس چه معنایی را افاده می‌کند؟
۳. رُمان به معنای واقعی و امروزی آن در کدام زمان به وجود آمد؟
۴. رمان را تعریف کنید.
۵. هرگاه حرف آخری واژه، {ی} باشد، در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک (خود، خویش، خویشان)، چگونه نوشته می‌شود؟ با مثال واضح سازید.
۶. انواع رمان را نام ببرید.
۷. رمان تاریخی و رمان حادثه‌یی از هم‌دیگر چه تفاوت دارند؟

کارخانه‌گی



۱. تفاوت‌های عمده میان رمان‌های آموزشی، طنزی و فرهنگی را در حد اقل ده سطر بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
پیش از انجام تماشا همه افسانه شمار دیدنی نیست که آخر به شنیدن نرسد
بیدل
۳. متن کامل درس سیزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد.

- ۱- چهار مقاله را چرا به این نام مسمی کرده اند؟
- ۲- درباره نظامی عروضی سمرقندی چه می دانید؟
- ۳- نظم و نسق دربار به کدام چهار عضو بسته گی دارد؟ بیان دارید.
- ۴- اسلوب نگارش چهار مقاله از چه قرار است؟

۵- چهارمقاله از حیث سلامت انشا و طرز سخن و اسلوب بیان در کدام ردیف قرار داشته و با کدام کتاب‌های مشهور می‌تواند همسری کند؟

چهارمقاله

این کتاب مهم طوری که از نام آن پیداست مرکب از چهار مقاله: به ترتیب زیر (در ماهیت علم دبیری، در ماهیت علم شعر، در ماهیت علم نجوم و در ماهیت علم طب) نگاشته شده و مؤلف آن ابوالحسن احمد سمرقندی ملقب به نظامی عروضی است. گذشته از این که وی استاد بلاغت و انشای دری بود، در علم ادب مهارت داشت و خود نیز شعر می‌گفت؛ چنان که در همین کتاب نمونه‌هایی از اشعار او دیده می‌شود.

تألیف چهارمقاله در حدود (۵۵۰) هـ.ق. به عمل آمده و آن به نام ابوالحسن حسام‌الدین علی شاهزاده غوری اتحاف شده است.

چهارمقاله را می‌توان از حیث سلامت انشا و طرز سخن و اسلوب عبارات در ردیف اول آثار منشور دری شمرد و نمونه و سرمشق نثر دری محسوب داشت و همدوش تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه پنداشت.

بخشی از محتوای کتاب را شرح حالات و اشعار و مقالات شماری از شعرا و فضیای معروف آن زمان تشکیل داده است «نام اصلی چهارمقاله (مجمع النوادر) می‌باشد، از این که مشتمل بر چهار مقاله می‌باشد، به نام چهارمقاله معروف گردیده است. چهارمقاله در سال (۵۵۱/۵۵۲ هـ.ق.) تألیف شده است. نظامی خود شاعر بود و اشعارش در کتاب‌های چهارمقاله، لباب الالباب، تاریخ گزیده، تذکرة الشعرا، دولتشاه سمرقندی موجود است. کتاب مجمع النوادر یا چهارمقاله مشتمل بر یک مقدمه و چهارمقاله است که نظم و نسق دربار به این چهار عنصر بسته گی داشت که برای تحکیم و تقویت حکمروایان موجودیت چهار شخص فوق الذکر ضروری بود.

نگارنده، مقاله خود را با دیباچه‌یی آغاز می‌کند که موضوع را به معرفی می‌گیرد و در آخر هر مقاله ده حکایت بیان گردیده است که نظرات او را مورد تأیید قرار داده و معلومات تاریخی زیادی به دست می‌آید، در مقاله دوم از شعرای قدیم دوره‌های سامانی، غزنوی، سلجوقی، غوری و دیالم نام برده شده و از جمله افراد متذکره چون: رودکی، عنصری، فرخی، معزی، فردوسی، ازرقی، رشیدی، مسعود سعدسلمان را نقل نموده و در باره کلام شان تبصره کرده است. در مقاله سوم در باره عمر خیام معلومات مهم ارائه گردیده است.

اسلوب نگارش

اسلوب نگارش چهارمقاله، ساده، سلیس، روان و صریح است، ضرب‌المثل‌ها را به گونه موزون به کار برده و هر واژه را مطابق موقع و محل استعمال نموده که ایجاز و اطناب از حدود خود تجاوز نکرده است. تنها در دیباچه و در آغاز مقاله‌ها اصطلاحات فلسفی، طبیعی، نجوم و طب را به کار برده است. الفاظ و کلمات عربی را در مدح پادشاهان، امرا و اشخاص در عبارت‌های مقفا، موزون و مسجع به کار برده است؛ اما ناخوشایند نیست. چهارمقاله را می‌توان به سیاستنامه، قابوسنامه و تاریخ مسعودی و تذکره الاولیای عطار، تاریخ گزیده و منشآت قایم مقام مشابه دانست.

توضیحات

* سیاست نامه از مهمترین آثار ادبی زبان فارسی در دوره سلجوقی تألیف ابو علی حسن بن علمی بن اسحق طوسی ملقب به نظام الملک است که آن را به دستور ملک‌شاه سلجوقی تألیف کرده است.

* قابوسنامه تألیف عنصر المعالی کیکاووس بن سکندر بن قابوس بن وشمگیر از امیران زیادی است که آن را در سال ۴۷۵ هجری قمری در نصیحت به فرزند خود گیلانشاه نوشته کرده که دارای چهل و چهار باب است.

* تاریخ بیهقی (تاریخ مسعودی) تألیف ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی؛ از تواریخ معتبر دوره غزنویان است. در اصل این کتاب تاریخ آل سبکتگین نام داشته و سی جلد بوده است. تنها قسمتی از این تاریخ بزرگ در دست است، به نام «تاریخ مسعودی» که حاوی سلطنت مسعود بن محمود سبکتگین و تاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون و تصرف ولایت ایشان به دست سلطان محمود غزنوی و حکومت آلتون تاش تا غلبه سلاجقه می‌باشد.



بخوانیم و بدانیم

- ۱- چهارمقاله را می توان از حیث سلامت انشا و طرز سخن و اسلوب عبارت در ردیف اول آثار منثور دری شمرد و نمونه و سرمشق زبان دری محسوب داشت و همدوش تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه پنداشت.
- ۲- اسلوب نگارش عمومی چهارمقاله، ساده، سلیس، روان و صریح است.



درست بنویسیم

- هرگاه حرف آخری واژه «های غیر ملفوظ» باشد و در جمله به حیث موصوف مضاف یا منسوب قرار گیرد، بر بالای «ه» یک «ء = یای ابتر» به عنوان کسرۀ اضافه نوشته می شود؛ مانند:
- کتابچۀ سفید، ستارۀ درخشان، پردۀ رنگارنگ (موصوف).
- خانۀ احمد، خانۀ محمود، قصۀ فرهاد (منسوب).
- ستارۀ اقبال، قبلۀ آمال، کعبۀ مراد (مضاف).

کار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون کتاب چهارمقاله به بحث و گفتگو پردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده در بارۀ اسلوب نگارش چهارمقاله یا مجمع النوادر معلومات ارائه دارد.
- ۳- چند شاگرد در مورد تصویر مقابل سخنرانی کنند.



چهارمقاله

نظامی عروضی سمرقندی

از روی نسخه
علامه محمد قزوینی

شرح و توضیح از
دکتر سعید فردنگلو
دکتر رضا الزابی زاده

املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خود بنویسید.
- ۲- چهارمقاله در ردیف کدام کتاب ها قرار دارد؟ در این باره چند سطر بنویسید.

خود آزمایی

- ۱- چرا چهارمقاله به این نام مسما گردیده است؟
- ۲- درباره نظامی عروضی سمرقندی چه می دانید؟
- ۳- چهارمقاله را با کدام کتاب های معروف دیگر می توان هم سنگ دانست؟
- ۴- آیا چهارمقاله برای حفظ حاکمیت و دولتمداری ضروری است؟ توضیح دهید.

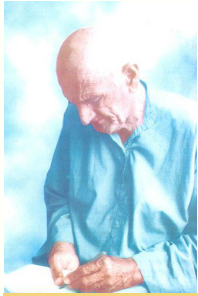
کارخانه گی

- ۱- یک مقاله راجع به نویسنده گی بنویسید که در آن قواعد املائی که خواندید تطبیق یافته باشد.
- ۳- این بیت را به حافظه بسپارید:
من طریق سعی می آرم بجا لیس للانسان الّا ما سعی
مولوی
- ۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی داشته باشید.

- شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ ارائه بدارند:
- ۱- محتوای آثار پوهاند حبیبی را چه موضوعات تشکیل داده است؟
 - ۲- سال‌های تولد و وفات دو چهره فرهنگی را مقایسه نمایید؟
 - ۳- محتوای آثار جمشید شعله را چه موضوعات تشکیل داده است؟
 - ۴- آیا حبیبی و شعله که هم‌عصر هم بوده اند، با هم ملاقاتی داشته اند؟

دو چهره فرهنگی و ادبی

پوهاند عبدالحی حبیبی و جمشید شعله



شعله



حبیبی

پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از چهره‌های معاصر فرهنگی و ادبی بوده که محقق و تاریخ نویس به زبان‌های دری و پشتوی کشور محبوب ما افغانستان است، حبیبی در سال (۱۲۸۹) هـ. ش. در شهر کندهار دیده به جهان گشود. تعلیمات خود را در کندهار به پایان رسانید و در همان جا به حیث معاون جریده «طلوع افغان»

و پس از آن به حیث مدیر و گرداننده آن جریده وزین تقرر حاصل نمود و طلوع افغان را ده سال رهبری کرد. در جریان عهده‌داری استاد حبیبی آن جریده از وضعیت ژورنالستیک خیلی عالی برخوردار بود.

دانشمند و محقق پوهاند عبدالحی حبیبی پس از آن به حیث معاون ریاست مستقل مطبوعات در کابل مقرر شد. با تأسیس فاکولته زبان و ادبیات در پوهنتون کابل، موصوف در آن فاکولته استاد شد و به رتبه علمی پوهاند رسید.

پوهاند حبیبی در سال ۱۳۲۷ هـ. ش. از طرف مردم کندهار به حیث عضو شورای ملی کشور انتخاب گردید؛ هنوز دوره وکالت در پارلمان را به پایان نرسانیده بود که به سبب اختلافات با حکومت وقت از کشور بیرون رفت؛ مدتی در شهر کراچی به

فعالیت علمی و ادبی پرداخت و دوباره به افغانستان برگشت.

پوهاند حبیبی، مدتی رئیس انجمن تاریخ و مشاور فرهنگی صدارت عظمی بود. این دانشمند، تاریخ‌نویس، شاعر و نویسنده کشور تا آخرین روزهای حیات، وقت خود را صرف فعالیت‌های علمی، فرهنگی و ادبی کرد. عبدالحی حبیبی پس از سالیان دراز ایفای وظایف استادی، تحقیق و پژوهش در بخش تاریخ، فرهنگ و ادبیات دری و پشتوی کشور ما افغانستان به تاریخ ۲۰ ثور ۱۳۶۳ هـ. ش. جهان فانی را پدرود گفت و به ابدیت پیوست.

علاوه بر تألیف و نگارش ده‌ها اثر ذی‌قیمت چاپ شده به زبان پشتو، آثار و تألیفات گرانبهائی به زبان دری نیز تألیف نموده است، که برخی از آن‌ها را نام می‌بریم:

- تاریخچه سبک‌های شعر پشتو به زبان دری.
 - ترجمه پته خزانه به زبان دری.
 - ظهیرالدین محمد بابر (زنده گی و شخصیت او).
 - تاریخچه خط در افغانستان.
 - افغانستان بعد از اسلام.
 - نگاهی به سلمان و ابدال جامی.
 - هفت کتیبه قدیم.
 - زنده گینامه بوعلی سینا.
 - تاریخ مختصر افغانستان در دو جلد.
 - شناختنامه میا فقیر الله جلال آبادی.
 - جنبش مشروطیت در افغانستان.
 - پنجاه مقاله.
 - ده هزار لغت فارسی به پشتو.
 - مجموعه شعری زیر عنوان «درد دل و پیام عصر».
 - افغان و افغانستان.
 - داستان کوتاه «صندوق جواهر» در باره دیوارهای شیر دروازه و آسمایی.
- پوهاند حبیبی علاوه بر این‌ها و تألیفات زیاد و ارزشمند به زبان‌های دری و پشتو، ایراد ده‌ها بیانۀ علمی و تاریخی، در سیمینارها و ورکشاپ‌های ملی و منطقه‌یی و بین‌المللی،

به نگارش صدها مقاله علمی مبادرت جسته بودند.

جمشید شعله شخصیت دیگر فرهنگی، شاعر و ادیب معاصر زبان دری کشور عزیز ما افغانستان است که در سال (۱۲۸۷) ه. ش. در چاه آب ولایت تخار دیده به جهان گشود، از داملا عبدالکریم، مدرس مدرسه سر حوض چاه آب و آشنایی با آثار میرزا عبدالقادر بیدل، خواجه شمس الدین محمد حافظ، شیخ مصلح الدین سعدی و دیگران سواد ابتدایی را آموخت. در دوره امانی در چاه آب و خان آباد مرکز ولایات قطغن و بدخشان، آموزش دید؛ سپس به معلمی و اداره مکتب پرداخت و یکی از شاعران معاصر کشور می باشد.

کلیات چاپ شده وی که حاوی هشتصد صفحه می باشد، گواه توانمندی وی در سرایش شعر است.

جریانات سیاسی و چرخش های قدرت حاکمیت در دوران حیاتش در کار و زنده گی وی تغییری را متباز ساخت؛ اما ماموریت های دولتی را نیز عهده دار بود. وی به حیث وکیل منتخب مردم در لویه جرگه سال ۱۳۱۲ ه. ش. اشتراک ورزید؛ پس از کناره گیری از وظایف رسمی به پیشه کشاورزی پرداخت.

جمشید شعله به شعر و سخن دسترسی کامل داشته است. اشعار وی پرسوز و گداز است. او در سرایش شعر از سبک هندی پیروی می کرد. وی در ولایات تخار، کندز و کابل به فعالیت های فرهنگی و ادبی پرداخته و نسل جوان معاصر خود را در همان ولایات به کسب علم و دانش و خدمت به میهن خویش افغانستان تشویق و ترغیب نموده است. موصوف در ماه دلو (۱۳۷۴) ه. ش. در زادگاه خود جهان فانی را وداع گفت.

از جمشید شعله کلیات شعری (۸۰۰) صفحه ای، تاریخ پهلوانان چاه آب، یادداشت های زندان، جهاد ملت بخارا و حوادث لقی در شمال هندوکش، تفسیر سورة والعصر و تاریخ ادیبان بدخشان که همه چاپ شده به یادگار مانده است.

نمونه ای از شعر جمشید شعله:

خورشید و مه گواه که در زیر آسمان	از عهد آفرینش آزاد زیستم
می دان که در مقابل نیرنگ حادثات	کوه ثبات و غیرت و مردانگیستم
از جیب اتحاد یکی سر کشیده ام	گر کابلی و بلخی و گر غزنویستم

یک جوهرم به روح و به پیکر یکیستم
یعنی که شیر بیشه آزاده گیستم
جز آن که مرد بدم و مردانه زیستم
این گونه عاشق وطن از بهر چیستم
آخر ازین دو روزه جهان رفتیستم

پشتون مگو، هزاره مدان، تاجیکم مخوان
روبه نیم که در تلک بنده گی شوم
از زنده گی حلاوت دیگر نبرده ام
عمریست تا منادی توحید می زنیم
آن به که همچو شعله به نام نکو روم

توضیحات

• زبان مادری پوهاند عبدالحی حبیبی، زبان پشتو بوده؛ ولی یکی از نویسندگان مهم زبان دری نیز می‌باشد و بعضی از کتاب‌ها و ترجمه‌های خود را به زبان دری نگاشته است که توسط دیگران آن تألیفات و ترجمه‌ها نیز به زبان پشتو برگردانیده شده است.

• جریده طلوع افغان: جریده طلوع افغان به محرری و مدیریت عبدالعزیز خان در قندهار از میزان سال (۱۳۰۰) ه. ش. به زبان‌های دری و پشتو به نشرات آغاز نمود که از جانب دولت تأسیس شده بود، اما در نشر مطالب و مفاهیم از آزادی کافی برخوردار بود و در بعضی موارد به انتقاد نیز می‌پرداخت و هم در روشن کردن اذهان عامه نقش موثر را ایفا نمود. این نشریه در زمان سلطنت امیر امان الله خان به نشر می‌رسید. پوهاند عبدالحی حبیبی در سال (۱۳۱۰) ه. ش. مدیر این جریده شد.

• سلامان و اېسال جامی: داستان منظومی است از هفت‌اورنگ جامی که ظاهراً آن را در سال ۸۸۵ ه. ق. به نام سلطان یعقوب ترکمن آق قوینلو ساخته است.

• قطغن به ولایات کندز، تخار و بغلان گفته می‌شد و ولایات فعلی بغلان، کندز، تخار و بدخشان دارای یک تشکیل اداری به نام ریاست تنظیمیه بوده و ارگان نشراتی آن «اتحاد» نام داشت که بعدها این نشریه به بغلان منتقل گردید که تا امروز به نشرات خود ادامه می‌دهد.



بخوانیم و بدانیم

- ۱- پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از چهره‌های معاصر فرهنگی، ادبی و محقق و تاریخ نویس به زبان‌های دری و پشتوی کشور محبوب ما افغانستان بوده است. به هر دو زبان آثار گرانمایی از وی باقی ماند.
- ۲- عبدالحی حبیبی دانشمندی بود که جریده «طلوع افغان» را ده سال اداره کرد.
- ۳- با تأسیس پوهنځی ادبیات در پوهنتون کابل حبیبی با اخذ رتبه علمی پوهاند در آنجا رسید.
- ۴- پوهاند عبدالحی حبیبی در سال (۱۲۸۹) هـ.ش. تولد شد و در سال (۱۳۶۳) بازنده گی وداع کرد.
- ۵- جمشید شعله در سال (۱۲۸۷) هـ.ش. تولد شد و در سال (۱۳۷۴) بازنده گی وداع کرد.
- ۶- شعله علاوه بر کلیات شعری آثار تاریخی دیگری نیز به زبان دری نوشته است.
- ۷- جمشید شعله پس از چند ماموریت و اشتراک در لویه جرگه‌های کشور، به کشاورزی مصروف بود.



درست بنویسیم

- هرگاه حرف اخیر واژه، ((های غیر ملفوظ)) باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین، بازهم در میان واژه و پسوند یک ((ی)) علاوه می‌شود که همیشه با واژه پسینش باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:
- پسوند تنکیر (ی): فرزانه + ی + ی = فرزانه‌یی، دیوانه‌یی، ستاره‌یی.
- پسوند صفت نسبتی (ی) (فرزه + ی + ی = فرزه‌یی، قرغه‌یی).
- هرگاه حرف آخری واژه، ((های غیر ملفوظ)) باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین، ((های غیر ملفوظ)) به جای خویش باقی مانده؛ پس از آن یک ((گ)) علاوه می‌شود؛ مانند:
- پسوند جمع ((آن)): همسایه + گ + ان = همسایه گان، بیگانه گان، رفته گان.
- پسوند اسم معنی (ی): افسرده + گ + ی = افسرده گی، تازه گی، دیوانه گی.
- هرگاه حرف آخر واژه، ((های غیر ملفوظ)) باشد، در پیوند با پسوند تصغیر ((ک))
- در میان واژه و پسوند یک ((گ)) علاوه می‌شود، که همیشه با نشانه تصغیر باید به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند: خانه گک، افسانه گک، قصه گک.

کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و زنده گینامه دو چهره فرهنگی و ادبی که در این درس خوانده اند بحث و صحبت نمایند؛ سپس نماینده هر یک از گروه‌ها در مقابل صنف آمده، معلومات خود را با همصنفان شریک بسازند.



۲- دو شاگرد به مقابل صنف آمده پیرامون تألیفات و نوشته‌های حبیبی و شعله معلومات دهند.

املا و نگارش



۱. متنی را که معلم گرامی قرائت می کند، شاگردان به صورت املا در کتابچه‌های خود بنویسند.
۲. نام‌های آثار و تألیفات پوهاند عبدالحی حبیبی و جمشید شعله را در ورق‌های جداگانه بنویسند.

خود آزمایی



- ۱- آثار پوهاند عبدالحی حبیبی دارای چگونه محتوا بوده و به چند زبان تألیفات دارد؟
- ۲- محتوای آثار باقی مانده جمشید شعله را بیشتر چه چیزی تشکیل می دهد؟
- ۳- وجوه اشتراک فعالیت‌های این دو چهره فرهنگی و ادبی معاصر را در چه می بینید؟

کارخانه‌گی



- ۱- در باره تألیفات پوهاند عبدالحی حبیبی و جمشید شعله تبصره‌یی نوشته نموده بیاورید.
- ۲- درس بعدی را دقیق مطالعه نمایید تا آماده ارائه پاسخ به پرسش‌های استاد خود باشید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. معلولیت چیست؟ ۲. وظایف ما، در برابر افراد دارای معلولیت چیست؟
۳. عوامل معلولیت کدام است؟ ۴. مهمترین مشکلات معلولان چیست؟

معلولیت

بر اساس معیارهای علمی، معلولیت عبارت است از وضعیت فردی که به دلیل نقص، فقدان یا عدم توازن در زمینه‌های جسمی، روانی، ذهنی و حسی، حین انجام فعالیت‌هایی که به طور طبیعی از هرانسان انتظار می‌رود، محدودیت دارد یا ناتوان است. معلول جسمی به فردی گفته می‌شود که در یک یا چند عضو؛ مانند: دست‌ها، پاها، لگن خاصره، ستون فقرات و گردن دارای نقص باشد. طوری که قادر به انجام بخشی از فعالیت‌های عادی توسط آن اعضا نباشد، و آن شامل انواع فلج‌ها، عدم توازن در اسکلت‌بندی، اختلالات بیولوژیکی (بیماران قلبی، کلیوی، ریوی و...) و سال‌مندان می‌باشد؛ البته در مجموع همه این‌ها عیب نیست؛ بلکه نوعی تفاوت است. تفاوتی که فرد معلول را از دیگران جدا می‌سازد، چیز مطلوب و خوشایندی نیست؛ زیرا بیشتر توانایی او را برای انجام بعضی فعالیت‌های طبیعی محدود می‌کند. از این رو بهتر است که علل و عوامل ایجاد آن شناخته شود و تا حد ممکن از وقوع آن پیشگیری به عمل آید. عمده‌ترین علل و عوامل معلولیت عبارتند از: عدم توازن ژنتیکی، عوارض دوران بارداری مادران و زایمان‌های غیرطبیعی، بیماری‌های میکروبی، استفاده خودسرانه از دواها، ضربه و تصادم ناشی از جنگ، انواع ماین‌ها و مهمات منفجرناشده و انواع سانحه طبیعی و غیرطبیعی که اکثر آن‌ها قابل اجتناب و جلوگیری اند. اما واقعیت‌ها نشان می‌دهد، که با وجود همه دستاوردهای علمی و توسعه تکنالوژی، معلولیت همچنان عارضه‌یی پایدار است و امکان براندازی آن از میان نوع بشر هنوز فراهم نشده است. هر چند تفاوت یا نقص و عدم توازن موجود در فرد معلول، بیشتر پایدار و درموردی غیرقابل معالجه است؛ اما میزان ناتوانی یا کم‌توانی معلولان، بسته به شدت و ضعف عوامل معلولیت، می‌تواند تخفیف یابد یا به طور کامل جبران شود. این افراد حق دارند هم‌مانند دیگران از حقوق سایر اتباع کشور مستفید شوند؛ اما به دلیل نامناسب بودن فضاها و محیط‌های شهری و موانع فرهنگی از کم‌ترین حقوق

خود بی بهره اند. طوری که با دیده ترحم نگرستن بسیاری از افراد جامعه و یا شنیدن اصطلاحات و واژه‌های منفی و مبتذل از اشکال معلولیت، آن‌ها را آزار می‌دهد. از مهمترین مشکلات معلولان در جامعه ما، بیکاری است که خود موجب بروز مشکلات روحی، روانی و بیش از همه عدم اعتماد به نفس می‌شود. جامعه‌شناسان ثابت کرده اند که مشکلات روانی یک فرد معلول که زائیده عدم آمیزش او با محیط اطراف است، سبب گوشه‌گیری آن فرد می‌شود، که می‌تواند تأثیرات جبران‌ناپذیری بر جامعه و مناسبات حاکم بر آن داشته باشد.

افراد معلول برای برطرف کردن نیازهای مادی و در دست گرفتن امور زنده‌گی خویش، لازم است به خود متکی باشند تا بتوانند جلو دلسوزی‌های بیهوده افراد دیگر را بگیرند و این امر از طریق اشتغال و استقلال مالی آنان امکان پذیر می‌شود. در پهلوی آن، معلولان باید در دسترسی به تعلیم و تربیه و شرکت کامل در زنده‌گی اجتماعی، از امکاناتی برابر بهره‌مند شوند؛ زیرا قرارداد دادن کودکان معلول در کنار کودکان سالم نه تنها به پذیرش تفاوت در قدرت حرکت، که میان آن‌ها وجود دارد، کمک می‌کند و تحمل و احترام متقابل را افزایش می‌دهد؛ بلکه اصل عادی ساختن معلولیت را نیز تحقق می‌بخشد. متأسفانه با آن که در حال حاضر معلولان در جامعه ما تعداد قابل توجهی را تشکیل می‌دهند، کم‌ترین امکانات و تسهیلات برای زنده‌گی، رفت و آمد، تعلیم و تربیه، تفریح و ورزش آنان فراهم نگردیده است. برای معلولان زنده‌گی در خانه راحت کافی نیست. آن‌ها باید بتوانند بدون کمک دیگران به محل کار خود بروند، به مکتب یا کلب ورزشی مراجعه کنند یا حداقل به تماشای مسابقات ورزشی بروند و در فضای باز گردش، و تفریح کنند.

بنابراین با در نظر داشت این که اشخاص دارای معلولیت، جزئی از اجتماع ما هستند و مانند سایر انسان‌ها حقوق و مکلفیت‌هایی در برابر جامعه دارند، ما نیز در برابر آن‌ها مکلفیت‌ها و مسؤولیت‌های اسلامی و انسانی داریم، که برخی از آن مسؤولیت‌ها را چنین برمی‌شماریم:

- بلند بردن سطح آگاهی عامه نسبت به حقوق و توانمندی‌های اشخاص دارای معلولیت.
- همکاری با اشخاص دارای معلولیت در وقت ضرورت شان.
- دادن حق اولیت در استفاده از بس‌ها، بانک‌ها، ناوایی‌ها، مغازه‌ها و سایر بخش‌های خدمات عامه.
- سهیم ساختن آن‌ها در سایر فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی.
- ایجاد زمینه‌های کاری مناسب، مطابق با توانایی‌های شان.
- حفظ احترام و عدم استفاده کلمات منفی بیانگر انواع مختلف معلولیت‌ها در برابر ایشان.



بخوانیم و بدانیم

۱. معلولیت عبارت است از وضعیت فردی که به دلیل نقص، فقدان یا ناهنجاری در زمینه‌های جسمی، روانی، ذهنی و حسی، در انجام برخی از فعالیت‌ها محدودیت دارد یا ناتوان است.
۲. عوامل معلولیت عبارتند از: ناهنجاری‌های ژنتیکی، عوارض دوران بارداری مادران و زایمان‌های غیرطبیعی، بیماری‌های میکروبی، استفاده خودسرانه از دواها، ضربه و تصادم ناشی از جنگ، انواع ماین‌ها و مهمات منفجرناشده و انواع سانحه‌های طبیعی و غیرطبیعی.
۳. از مهمترین مشکلات معلولان در جامعه ما، بیکاری است.
۴. معلولان باید در دسترسی به زنده گی اجتماعی، از امکاناتی برابر بهره‌مند شوند.
۵. اشخاص دارای معلولیت، جزیی از اجتماع ما هستند و مانند سایر انسان‌ها حقوق و مکلفیت‌هایی در برابر جامعه دارند، ما نیز در برابر آن‌ها مکلفیت‌ها و مسؤولیت‌های اسلامی و انسانی داریم.



درست بنویسیم

- هرگاه حرف آخر واژه، {های غیرملفوظ} باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی (استم، استیم، استی، استید، است، استند و اند)، {الف} از آغاز این‌ها حذف نشده، به شمول (اند)، بر جای خویش باقی می‌ماند؛ مانند:
- استم: فرزانه استم ام: فرزانه‌ام
- استیم: همسایه استیم ایم: همسایه‌ایم
- استی: افسرده استی ای: افسرده‌ای
- استید: مستانه استید اید: مستانه‌اید
- است: بیگانه است است: بیگانه‌است
- استند: بی‌خانه استند اند: بی‌خانه‌اند

کار گروهی و سخنرانی



۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده، گروه اول در مورد «نیازهای معلولان» و گروه دوم در مورد «وظایف دولت و اجتماع در برابر معلولان» باهم گفتگو کنند؛ سپس نتیجه را از هر گروه یک تن شان به دیگران انتقال دهد.

۲. شاگردان، این تصویر را با موضوع « توانایی های معلولان » ارتباط داده، چند تن شان در برابر صنف سخنرانی کنند.



املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خود بنویسید.
۲. در مورد « وظایف جامعه در برابر معلولان » یک متن هفت سطری بنویسید، که در آن حد اقل سه بار، واژه های مختوم با { های غیر ملفوظ } در هنگام پیوستن با افعال اسنادی قرار گرفته باشد.

خود آزمایی

۱. معلولیت چیست؟ انواع آن کدام است و معلولیت جسمی به چه نوع آن گفته می شود؟
۲. عوامل معلولیت را صرف نام ببرید.
۳. مهمترین مشکل معلولان در جامعه ما چیست و راه های حل آن کدام است؟
۴. وظایف جامعه و دولت در برابر معلولان چیست؟
۵. هرگاه حرف آخر واژه، { های غیر ملفوظ } باشد، در هنگام پیوستن با افعال اسنادی چگونه نوشته می شود؟

کارخانه کی

۱. در مورد « راه های حل مشکلات معلولان » متنی در ده سطر بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
 با عاجزان فروتنی آثار عزت است از هر که همسر تو نباشد فزون مباش
 بیدل
۳. متن کامل درس شانزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس شانزدهم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.
۱. گارسیا مارکیز که بود؟ ۲. او چه کارهایی را در بخش ادبیات انجام داده است؟
 ۳. او در کجا و در کدام سال تولد یافت؟ ۴. او در کدام بخش‌ها کار کرده است؟
 ۵. چرا او برنده جایزه نوبل شد؟
 ۶. شما شخصیت او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

گابریل گارسیا مارکیز



گابریل گارسیا مارکیز نویسنده، ژورنالیست، ناشر، روزنامه نگار و فعال سیاسی برازنده آمریکای جنوبی، در ششم مارچ سال ۱۹۲۸ میلادی، در دهکده آرکاتاکای کشور کولمبیا چشم به جهان گشود. والدینش تربیت او را به عهده پدرکلانش «نیکولامارکیز»، که یک افسر نظامی بود، گذاشتند و او این کار را به بهترین وجه انجام داد.

گابریل مارکیز اولین نوشته‌هایش را در روزنامه «جوونتود»، که مخصوص شاگردان مکاتب بود منتشر کرد و نخستین داستانش زیر عنوان «سومین استعفا» در سال ۱۹۴۷ میلادی به نشر رسید؛ همچنان وی در همین سال به تحصیل رشته حقوق و ژورنالیزم در «دانشگاه ملی بوگوتا» پرداخت. نخستین مجموعه داستانی اش در سال ۱۹۴۰ میلادی به نشر رسید و در سال ۱۹۵۵ میلادی نخستین ناول او زیر عنوان «توفان برگ‌ها» به دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. بزرگ‌ترین اثرش «صد سال تنهایی» عنوان دارد که در خلال سه سال آن را به پایان رسانیده است. این رمان که به او شهرت و آوازه جهانی بخشید، به عقیده اکثر منتقدان، شاهکار او به شمار می‌آید. وی در سال ۱۹۸۲ میلادی برای همین رمان، برنده جایزه نوبل ادبیات شناخته شد. مارکیز در سال ۱۹۹۹ میلادی به گونه رسمی مرد سال آمریکای لاتین شناخته شد و در سال ۲۰۰۰ میلادی مردم کولمبیا با ارسال نامه‌هایی، از وی خواستار پذیرش ریاست‌جمهوری کولمبیا گردیدند، که او نپذیرفت. تاکنون آثار او به بیشتر از هژده زبان زنده دنیا ترجمه شده است.

اینک قسمتی از داستان گارسیا مارکیز را به گونه نمونه می خوانیم:

میخواستم فقط تلفون کنم

بعد از ظهر یکی از روزهای بارانی ماه اپریل، «ماریا لیوز سرفانتز» می خواست، خود را به شهر «بارسلونا» برساند. ازبخت بد، موتر کرایش در وسط یک دشت خراب شد. ماریا زن مکسیکویی ۲۷ ساله، با مردی که شغل شعبده بازی داشت، ازدواج نموده بود. او در این روز بارانی، پس از دیدار باخویشاوندانش، می رفت تا با شوهرش ملحق شود. پس از یک ساعت اشاره های بی نتیجه به موترها و لاری های باربری بی که مثل تند باد از جلوش می گذشتند، بالاخره راننده یک سرویس کهنه و فرسوده برایش دل سوختانده و گفته بود که بیشتر از چند کیلومتر به پیش نخواهد رفت و ماریا برایش جواب داده بود: «فرقی نمی کند، من صرف به یک تلفون ضرورت دارم». راست هم می گفت. باید به شوهرش اطلاع می داد که پیش از ساعت هفت شام نمی تواند به خانه برسد.

در بین سرویس، خانمی با شکل و شمایل یک نظامی؛ اما با ژست ها و حرکات مهربانانه و ملایم، ماریا را در پهلوی خود نشاند و برایش یک کمپل و یک رویپاک داد. ماریا سروصورت خود را با آن اندکی خشک کرد و هنگامی که روی خود را می گشتاند، دید که همه راکبین خود را در میان کمپل ها پیچیده و خوابیده اند. ماریا هم که زیر تأثیر فضای آرام موتر رفته بود، خود را روی چوکی جمع و جور کرد و ذهن و خیالش را به هیاهوی باران سپرده به خواب رفت. وقتی از خواب بیدار شد، دید که سیاهی شب همه جا پخش شده و توفان شدید چند ساعت پیش، به یک باران سرد و آرام تبدیل شده است. هیچ برایش معلوم نبود که چقدر دیر خوابیده و به کجا رسیده است؛ ولی زن پهلویی اش در حال آماده باش، هوشیار و بیدار نشسته بود. ماریا از زن پرسید: «کجا رسیدیم؟... در کدام منطقه هستیم؟» زن برایش جواب داد: «حالا میرسیم». بالاخره موتر سرویس در محوطه حویلی یک عمارت کهنه که به یک صومعه قدیمی شباهت داشت و با درخت های بلندی احاطه شده بود، داخل شد و زن نظامی پوش با لهجه خشنی شروع کرد به پایین کردن راکبین. ماریا فکر کرد که شاید این زن ها راهبه باشند؛ اما وقتی متوجه شد که چندین زن دیگر با یونیفورم نظامی در آنجا منتظر هستند، به اشتباه خود پی برد...



بخوانیم و بدانیم

۱. گابریل گارسیمارکیز نویسنده، ژورنالیست، ناشر، روزنامه نگار و فعال سیاسی برازنده آمریکای جنوبی، در ششم ماه مارچ سال ۱۹۲۸ میلادی، در دهکده آرکاتاکای کشور کولمبیا چشم به جهان گشود.
۲. نخستین مجموعه داستانی اش در سال ۱۹۴۰ به نشر رسید و در سال ۱۹۵۵ نخستین ناول او زیر عنوان «توفان برگ‌ها» به دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت.
۳. بزرگ‌ترین اثر او «صد سال تنهایی» عنوان دارد. این رمان که به او شهرت و آوازه جهانی بخشید در سال ۱۹۸۲ میلادی برنده جایزه نوبل ادبیات شناخته شد.
۴. تاکنون آثار او به بیش از هژده زبان زنده دنیا ترجمه شده است.
۵. مارکیز در سال ۱۹۹۹ میلادی به گونه رسمی مرد سال آمریکای لاتین شناخته شد.
۶. یک سال پس از آن، مردم کولمبیا با ارسال نامه‌هایی، از وی خواستار پذیرش ریاست جمهوری کولمبیا گردیدند، که او نپذیرفت.



درست بنویسیم

هرگاه حرف آخر واژه، {های غیرملفوظ} باشد، در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک «خود، خویش، خویشتن»، ضمائر اضافی «ت، ش، م» و «تان، شان، مان»، مطابق به قواعد زیر نوشته می‌شود:

• در هنگام پیوستن با پسوندهای اضافی «ت، م، ش»، میان واژه و پسوند یک {الف} علاوه می‌شود؛ مانند:

– ت: خانه ات، خنده ات، گفته ات.

– م: گریه ام، جامه ام، دوباره ام.

– ش: نامه اش، کتابچه اش، کرانه اش.

• در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک «خود، خویش، خویشتن» و ضمائر اضافی «تان، شان، مان»، میان واژه و یکی از ضمائر یادشده، یک کسره اضافه به شکل {ء = همزه} نوشته می‌شود؛ مانند:

– خود: جامه خود، گرده خود، نوشته خود.

– خویش: گفته خویش، پرده خویش، خانه خویش.

– خویشتن: خامه خویشتن، سروده خویشتن، کرده خویشتن.

– تان: نامه تان، قصیده تان، کتابچه تان.

- شان: خنده شان، گریه شان، مویه شان.
- مان: رویه مان، طبله مان، دیده مان.

کار گروهی و سخنرانی

۱. درین قسمت شاگردان باهم گفتگو کنند و سه تن شان برداشت های ذهنی و عاطفی خود را از داستان «می خواستم فقط تیلیفون کنم»، در برابر صنف بگویند.
۲. شاگردان در باره تصاویر سخنرانی کنند.



تولستوی



ویکتور هوگو

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خود بنویسید.
۲. شما کدام اثر از کدام نویسنده افغان را شایسته دریافت جایزه نوبل می دانید، و به چه دلیل؟ درین مورد، متنی بنویسید که کمتر از هفت سطر نباشد.

خود آزمایی

۱. چرا مردم کولمبیا به «مارکیز» نامه نوشتند، که عهده دار ریاست جمهوری کشور شود؟
۲. از داستانی که خواندید، چه آموختید؟ مفصل شرح دهید.
۳. شخصیت ادبی و اجتماعی «مارکیز» را با شخصیت ادبی و اجتماعی یک نویسنده افغان به طور مقایسوی بیان کنید.

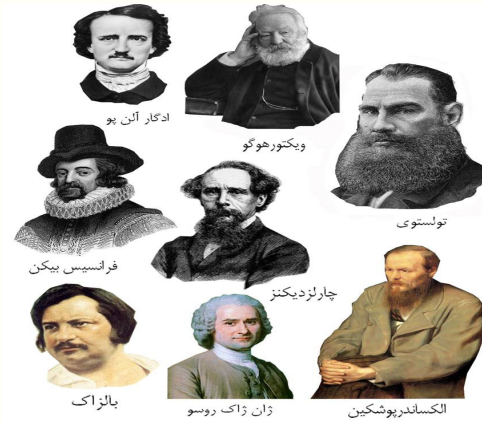
کار خانگی

۱. این بیت را به حافظه بسپارید و پیرامون آن چند سطر بنویسید.
اوج دولت سفله طبعان را دو روزی بیش نیست
خاک اگر امروز بر چرخ است فردا زیر پاست
بیدل
۲. متن کامل درس هفدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز بعدی آماده گی بگیرید.

درس هفدهم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱. به نظر شما مکتب‌های ادبی چیست و چه چیزهایی شامل آن می‌شود؟
 ۲. کدام عوامل در به میان آمدن مکتب‌های ادبی نقش بازی می‌کنند؟
 ۳. شما کدام یک از مکاتب ادبی را می‌پسندید و چرا؟

مکتب‌های ادبی



در مقوله‌های ادبی و هنری، مکتب عبارت است از راه، روش، سبک و شیوه‌هایی که دارای قواعد مشخص بوده و آفرینش آثار ادبی یا هنری بر مبنای پیروی از آن قواعد شکل گرفته باشد. در این درس به شرح روند پیدایش، تکامل و زوال آن عده از مکتب‌های ادبی می‌پردازیم که در جریان دیگر گونیهای اجتماعی

اروپا پدید آمده و نماینده نیاز جامعه در دوره خاص خود بوده اند:

اولین مکتب ادبی اروپا در قرن شانزدهم یعنی در اوج نهضت رنسانس و اومانیزم پدید آمده، در قرن هفدهم گسترش یافته و دارای اصولی مدون شده است. این مکتب کلاسیسیزم نامیده می‌شود.

کلاسیسیزم: به طور معمول آثار ادبی کهن و قبول شده هر کشور را که دارای اصول و قواعد مدون و پذیرفته شده باشد، با صفت کلاسیک مشخص می‌کنند؛ ولی در شناخت مکتب‌های ادبی اروپا، آثار ادبی کلاسیک، به آثاری گفته می‌شود که متعلق به مکتب کلاسیسیزم باشد.

هنر کلاسیسیزم اصلی در حقیقت همان هنر یونان و روم قدیم است، که در قرن

شانزدهم درایتالیا و اسپانیا؛ سپس در قرن هفدهم در فرانسه، به دنبال نهضت اومانیسم، سرمشق قرار گرفت، و هنرمندان فراوانی آثارشان را به پیروی از قواعد ثابت و مشخصی که از ادبیات یونان و روم، به ویژه از نظرات ارسطو اقتباس شده بود پدید آوردند. در نظر کلاسیک‌ها، هنر اصلی شاعر یا نویسنده، رعایت دقیق اصول و قواعد کلاسیسیزم بود. قواعد کلاسیسیزم عبارت بود از: تقلید از آثار خردمندان، توجه به طبیعت، پایبندی به اصول مذهبی و اخلاقی، رعایت خوشایندی و آموزنده‌گی، روشنی و ساده‌گی و حقیقت‌نمایی اثر، و وجود هماهنگی در آن و حفظ وحدت موضوع، زمان و مکان. در دوره کلاسیک‌ها هنر به طبقه اعیان و اشراف اختصاص داشت. نماینده‌گان معروف این مکتب عبارت بودند از «میلتون»، «فرانسیس بیکن» و «بن جانسون» در انگلستان و «ورنی» و «راسین» در فرانسه.

رمانتیسم: نهضت رمانتیک در اواخر قرن هجدهم و آغاز قرن نوزدهم پا به پای انقلاب صنعتی پدید آمد. پیروان این مکتب معتقد بودند که شکل‌ها، سنت‌ها و قید و بندهای مکتب کلاسیک، شاعر و نویسنده را از درک درست طبیعت و لذت بردن از آن و بیان و توصیف صحیح باز می‌دارد. آن‌ها قواعد و قالب‌های کهن را درهم شکستند و به جای اهمیت دادن به عقل و منطق، هنر را بر پایه احساس، تخیل، تصور، عشق، ذوق، قریحه و بیان آزادانه احساس بنیان نهادند و هنر را در راه خدمت به مردم به کار گرفتند. بعدها این نهضت بر موسیقی و نقاشی نیز اثر گذاشت.

رمانتیسم از کلمه «رُمان» گرفته شده است. تا قرن یازدهم و دوازدهم، موضوعات ادبی، ماجراهای پهلوانی شوالیه‌ها و مردان شمشیرزن، و کارهای شگفت‌انگیز و خارق‌العاده به زبان رومی بود، که رمان نامیده می‌شد؛ ولی کلاسیک‌ها آثار خود را به زبان لاتینی می‌نوشتند. از این رو پیروان مکتب رمانتیسم که مخالف مکتب کلاسیک بودند، خود را رمانتیک نامیدند.

رمانتیک‌ها تنها به زیبایی توجه نداشتند؛ بلکه به شرح و بیان و توصیف حالات قهرمان و تمایلات و آرمان‌های او نیز می‌پرداختند. نماینده‌گان مهم مکتب رمانتیک عبارت بودند از: «ژان ژاک روسو»، «شاتوبریان»، «ویکتور هوگو»، «لامارتین»، «آلفرد دوموسه»، «مادام استاندال» و «آلفرد دووینی» در فرانسه، «شیلر» و «گوته» در آلمان، «بایرون» در انگلستان و «لرمانتوف» و «پوشکین» در روسیه.

ریالیزم: مکتب ریالیزم در اواسط قرن نوزدهم به عنوان واکنشی در برابر مکتب رمانتیزم پدید آمد. ریالیزم یعنی واقع گرایی.

بنیان‌گذار این مکتب «بالزاک» فرانسوی است. «چارلز دیکنز» از انگلستان، و «داستایوسکی» و «تولستوی» از روسیه، از نویسندگان نامی این مکتب اند.

ناتورالیزم: طرفداران این مکتب به این امر باور دارند که طبیعت آنچنان که دیده و درک می‌شود در آثار ادبی و هنری شان انعکاس داده شود و به صیقل نمودن واقعیت‌های بیرون ذهن انسان پرداخته نشود.

سمبولیزم: سمبولیزم ازواژه «سمبول» به معنای نماد، گرفته شده است سمبولیست‌ها گروهی از شاعران فرانسوی بودند که در اواخر قرن نوزدهم، در برابر مکتب ریالیزم و ناتورالیزم به پا خاستند. آن‌ها از شیوه بیان صریح در شعر خودداری می‌کردند و افکار و عواطف خود را با اشارات رمزی و استعاری و سمبولیک (نمادین) بیان می‌داشتند. این نهضت بعدها در هنرهای دیگر نیز رایج شد. آن‌ها در آثار خود به خواب و خیال و رؤیا و رازهای نهفته روان، و اندیشه‌های دور و دراز توجه داشتند.

سمبولیست‌ها شاعران ناامید و بدبین بودند، و این حالت در انتخاب موضوع و چگونگی توصیف در شعر آن‌ها آشکار است.

سمبولیست‌ها، پدیده‌ها و اشیا را چیزی ثابت و خارج از تصور درونی شان نمی‌پنداشتند. آن‌ها معتقد بودند که واقعیت اشیا همان درکی است که ما به واسطه حواس خود از آن‌ها در درون ذهن خود داریم.

سمبولیست‌ها زبان شعر را درهم ریختند و کوشیدند که شعرشان مانند موسیقی با کمک وزن و آهنگ، احساسات و عواطفی را که با زبان معمول نمی‌توان بیان داشت، به خواننده القا کنند. بدین ترتیب آن‌ها در شکل شعر و در ترکیب و کاربرد کلمات و وزن شعر، آزادی نامحدودی قایل بودند.

«موریس مترلینگ»، «ادگار آلن پو» و «شارل بودلر» از نمایندگان معروف این مکتب هستند.

مکتب‌های دیگر ادبی که بعد از مکتب سمبولیسم پدید آمده‌اند به ترتیب عبارت‌اند از: سورئالیزم، امپرسیونیسم، پاراناسیزم، دادیزم، وریزم، فوتوریزم، ناتوریزم، و یومانیسم.

مکتب‌های ادبی اروپایی، با مکتب کلاسیک آغاز می‌شود و اساسی‌ترین تعریفی که از این مکتب ارائه می‌شود، «بازگشت به هنر قدیم یونان و روم به تبع نهضت یونانیزم و رنسانس است.»



بخوانیم و بدانیم

۱. مکتب عبارت است از راه، روش سبک و شیوه‌هایی که دارای قواعد مشخص بوده و آفرینش آثار ادبی یا هنری بر مبنای پیروی از آن قواعد شکل گرفته باشد.
۲. اولین مکتب ادبی اروپا در قرن شانزدهم یعنی در اوج نهضت رنسانس پدید آمده، در قرن هفدهم گسترش یافته و دارای اصولی مدون شده است.
۳. رمانتیست‌ها معتقد بودند که شکل‌ها، سنت‌ها و قید و بندهای مکتب کلاسیک، شاعر و نویسنده را از درک درست طبیعت و استفاده از آن و بیان و توصیف صحیح باز می‌دارد. آن‌ها قواعد و قالب‌های کهن را درهم شکستند و به جای اهمیت دادن به عقل و منطق، هنر را بر پایه احساس، تخیل، تصور، عشق، ذوق، قریحه و بیان آزادانه احساس بنیان نهادند.
۴. ریالیزم یعنی واقع‌گرایی. هنرمند ریالیست در آفرینش اثر خود جهان را آن چنان که هست باز می‌نماید، نه آن چنان که باید باشد.
۵. مکتب ناتورالیزم (طبیعت‌گرایی) در اواخر قرن نوزدهم پدید آمد. در این مکتب نویسنده در اثر خود به تقلید طبیعت می‌پردازد.
۶. سمبولیزم از واژه «سمبول» به معنای نماد، گرفته شده است. سمبولیست‌ها گروهی از شاعران فرانسوی بودند که در اواخر قرن نوزدهم، در برابر مکتب ریالیزم و ناتورالیزم به پا خاستند. آن‌ها از شیوه بیان صریح در شعر خودداری می‌کردند، و افکار و عواطف خود را با اشارات رمزی و استعاره و سمبولیک (نمادین) بیان می‌داشتند.



درست بنویسیم

- تعریف الف مقصوره: در عربی «الف مقصوره» یایی «ی» است در پایان واژه‌ها، که «آ» خوانده می‌شود. چنین واژه‌ها در املا می‌دری، مانند اصل عربی نوشته می‌شوند؛ مانند: عیسی، موسی، مصطفی، معنی، مرتضی، یحیی، فتی، حتی، مجتبی، صغری،

کبری، اعلی، ادنی، الی، اولی.

• تعریف تنوین: تنوین، نون ساکنی است که در پایان اسمای عربی درمی آید و تلفظ می شود؛ اما نشانه صدای «ن» نوشته نمی شود؛ مانند: صراحاً، مجازاً، اصطلاحاً و....

بنا بر قاعده کلی و رایج، در پایان واژه مورد نظر، یک «الف» می افزاییم و بالای آن «دو زبر» می نویسیم؛ مانند: اصلاً، اجمالاً، احتمالاً، اساساً، حتماً، قسماً، عیناً، رأساً، مثلاً، ابداً، فوراً، مختصراً، حقیقتاً، نسبتاً، موقتاً، ذاتاً، عجالاً، ندرتاً.

در زبان عربی در پایان واژه های مختوم به همزه، الفی افزوده و نشانه تنوین را بر سر آن می گذارند؛ مانند: استثناء، جزء، ابتداء؛ اما در زبان دری، الف حذف شده و نشانه تنوین «دو زبر» بر سر همزه نوشته می شود؛ مانند:

- - استثناء استثناء
- - جزء جزء
- - ابتداء ابتداء

چون تنوین ویژه زبان عربی می باشد در زبان دری به جای تنوین می توان واژه ها را چنین نگاشت: در اصل، به طور اجمالی، به طور احتمالی، به طور اساسی، به طور حتمی، به طور مثال و ...

کار گروهی و سخنرانی

• شاگردان در دو گروه مقابل هم قرار گرفته و در مورد پرسش های زیر باهم گفتگو کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر نتیجه بحث را به دیگران انتقال دهد:

- ۱- اولین مکتب ادبی اروپایی در کجا و چه وقت به وجود آمد؟
- ۲- رومانست ها چگونه عقیده داشتند؟
- ۳- در باره مکتب ریالیزم چه می دانید؟
- ۴- مکتب ناتورالیزم چگونه مکتب است؟

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خود بنویسید.
۲. چند کلمه بنویسید که مختوم به الف مقصوره و مختوم با تنوین باشد.

خود آزمایی

۱. مکتب چیست و مکتب‌های ادبی چه معنایی را افاده می‌کند؟
۲. نخستین مکتب ادبی اروپا چه وقت به وجود آمده، در کدام عهد گسترش یافته و دارای کدام اصولی مدون شده است؟
۳. کلاسیسم چیست و آثار کلاسیک به چه نوع آثاری گفته می‌شود؟
۴. رمانتیک‌ها در تخلیق آثار ادبی معتقد به چه چیزی بودند؟
۵. ریا لیزم چیست و هنرمند ریا لیست در آفرینش اثر خود بیشتر به چه چیزی توجه دارد؟
۶. الف مقصوره چیست و چگونه باید نوشته شود؟
۷. سمبولیزم چیست و شیوه بیان آن چگونه است؟

کارخانه‌کی

۱. تفاوت‌های عمده میان مکتب‌های ادبی کلاسیسیزم و رمانتیزم را در حد اقل یک صفحه شرح دهید؟
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:
گل‌ها تمام پنبه گوش تغافل اند بلبل به هرزه سرکنی داستان ما
وضع خموش ما ز سخن دل‌نشین تر است با تیر احتیاج ندارد کمان ما
بیدل
۳. متن کامل درس هژدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ دهند:

- ۱- ازدواج چیست؟ توضیح دهید.
- ۲- پیامبر خدا درباره نکاح چه فرموده اند؟
- ۳- آیا در نکاح رضایت دختر و پسر بالغ شرط است؟ توضیح دهید.
- ۴- محدث بزرگ امام بخاری رحمه الله علیه درباره پیوند ازدواج چه گفته است؟
- ۵- ازدواج اجباری در جامعه سبب بروز کدام عوامل و مشکلات می گردد؟ توضیح دهید.

ازدواج‌های اجباری

الله متعال پیوند ازدواج را از نشانه‌ها و آیات خود در روی زمین خوانده و در مورد این رشته مقدس و مبارک در سوره الروم، آیه ۲۱ فرموده است: ترجمه: و از نشانه‌های خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان تان مؤدت و دوستی و رحمت قرار داد. بدون شک درین چیزها نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.

به ارتباط تفسیر و فواید و آموختنی‌های این آیه مبارکه چند نقطه در خور دقت و تأمل است:

- ازدواج یکی از نشانه‌های علم و قدرت خداوند جلّ جلاله است که تفکر و اندیشه در اسرار و حکمت‌ها و فواید آن باعث عمق شناخت و معرفت خداوند و تقویت ایمان می شود.

- تأکید و تصریح بر این که زن و مرد هر دو از یک جنس بوده و از نظر انسانیت یعنی خصایص و حقوق انسانی باهم برابر اند.

- ازدواج نظام و قانونیت الهی است که از طرف خداوند جلّ جلاله تشریع شده و ازین سبب دارای قدسیت و جایگاه مهم است.

- هدف از ازدواج رسیدن انسان‌ها (زن و مرد) به آرامش روانی، اجتماعی و حتی اقتصادی می باشد. زنده گی آرام و پر از سعادت و اطمینان و استقرار در گرو پیوند

ازدواج است.

- اساس و بنیاد پیوند مبارک و میمون ازدواج مؤدت، محبت، دوستی، رأفت، رحمت و دلسوزی متقابل بین خانم و شوهر است. ازدواجی را که فاقد این عناصر بنیادین و مهم باشد از نظر قرآن کریم نمی‌توان ازدواج کامل و موفق خواند.

به خاطر همین اهمیت حیاتی ازدواج است که دین اسلام پیروان خود را به ازدواج و تشکیل خانواده امر نموده و در آیات قرآن کریم و احادیث نبوی بر ضرورت پیوند ازدواج تأکید جدی صورت گرفته است.

پیامبر ﷺ ازدواج را راه و روش یعنی سنت خویش خوانده و فرموده اند: نکاح و ازدواج از سنت و روش من است و هر کسی سنت من را ترک کند از جمله اتباع و پیروان من نیست.

چون ازدواج از جمله مهمترین عقود به شمار می‌رود و در قرآن کریم از آن به «میثاق غلیظ» یعنی پیمان بسیار مستحکم و قوی یاد شده است؛ بنابراین در فقه اسلامی به رضایت هر دو طرف عقد ازدواج یعنی زن و مرد در صورتی که عاقل باشند توجه و اهتمام جدی صورت گرفته است و عقدی که در آن رضایت یکی از عاقدان موجود نباشد فاقد اعتبار شرعی است.

محدث بزرگ امام بخاری (رح) در صحیح بخاری بابی را چنین عنوان گذاری کرده است: «اگر پدری دخترش را در حالی به ازدواج بدهد که او (دختر) راضی نیست نکاح او مردود است».

در حدیثی بُریده بن عبدالله از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت کرده است که یکی از صحابه‌ها نزد ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها آمده و گفت که پدرش وی را بر خلاف رضا و رغبت او به ازدواج با پسر کاکایش وادار می‌کند. حضرت عایشه به دختر گفت: «صبر کند تا پیامبر ﷺ تشریف بیاورند» وقتی پیامبر ﷺ تشریف آوردند پدر دختر را نزد خود خواسته به او امر کردند تا دخترش را به ازدواج با کسی که رضایت ندارد مجبور نسازد.

پس از آن دختر به پیامبر اکرم ﷺ گفت: که با ازدواج با پسر کاکایش موافق است و خاطرنشان ساخت که برای آن این کار را کرد تا همه بدانند که کسی دخترش را به زور به کسی که دختر به او راضی نیست به نکاح داده نمی‌تواند.

وجود اکراه و اجبار در ازدواج علاوه از باطل ساختن عقد ازدواج، سبب می شود تا اهداف، فواید و اغراضی را که خداوند متعال برای ازدواج و کانون خانواده تشریع فرموده است به دست نیاید؛ زیرا ازدواجی که از روی جبر و زور صورت گرفته باشد هیچ گاهی باعث به میان آمدن فضای مؤدت، محبت، و رحمت و دلسوزی بین زن و شوهر نشده بر عکس مخالفت، دلسردی، بغض، کینه، و سایر پدیده های منفی را بین زن و شوهر به وجود می آورد که سبب فروپاشی کانون خانواده می گردد.

از آثار و پیامدهای منفی و خطرناک جبر و اکراه در ازدواج نتایج ناگوار رابطه سرد و تیره همسران بر فرزندان است که به خاطر وجود جار و جنجال های دایمی میان والدین از عطف و شفقت و بر آورده شدن ضرورت های مادی و روانی که برای تربیت سالم آنان مبرم و حیاتی می باشد، محروم مانده با روان و ذهن پر از عقده بار می آیند که در نتیجه زنده گی آینده آنان توأم با مشکلات زیادی برای خود آنان و دیگران خواهد بود.

بدون شک فرزندان به فضای گرم پر از محبت و صمیمیت و رحمت و شفقت خانواده گی نیاز دارند و تنها خانواده ها و والدینی قادر به تقدیم فرزندان صالح و سالم به جامعه اند که رابطه پدر و مادر و سایر اعضای خانواده در آن خانواده مستحکم و مملو از اصل قرآنی باشد.

ضرر دیگر وجود اکراه و اجبار در ازدواج این است که اگر این پدیده منفی و غیر اسلامی در جامعه شیوع پیدا کند سبب بروز مشکلات و ناهنجاری های اجتماعی فراوان برای جامعه و نهادهای مربوط به آن در تمام عرصه های زنده گی می شود. این به آن سبب است که از نظر علم جامعه شناسی خانواده واحد هسته اساسی تشکیل جامعه بوده و به صورت مثبت و منفی بر روند اجتماعی تأثیر گذار است. بسیاری از مشکلات و نابسامانی های اجتماعی ریشه در مشکلات خانواده گی داشته و حل آنها بدون حل مشکلات خانواده ها ممکن و میسر نمی باشد.

با ايقان می توان اسباب بسیاری از مشکلات و نابسامانی های اجتماعی در جامعه افغانستان مانند: دشمنی، خصومت، جنگ، مخالفت های ذات البینی و حتی عوامل برخی از جرایم خطرناک را در ازدواج های اجباری و پیامدهای ناگوار آن جستجو کرد. وجود ازدواج های اجباری یکی از مشکلات اجتماعی بعضی جوامع انسانی است

که متأسفانه کشور عزیز ما افغانستان نیز در مواردی با آن دچار بوده و بسیاری از خانواده‌ها از آن رنج می‌برند. زنان بنابر عوامل و اسباب مختلف آسیب پذیرترین قشر جامعه مصدوم از ازدواج اجباری بوده بیشتر از زنان از پیامدهای زیان‌بار این مرض اجتماعی متضرر می‌شوند.

قوانین نافذ کشور نیز از سالیان دراز به این سو بر ممنوعیت اجبار در ازدواج با صراحت تاکید دارد؛ مگر بنابر عوامل مختلف، به خصوص عدم آگاهی برخی از مردم از احکام شریعت اسلامی، ضعف التزام و پابندی به احکام دینی، وجود رسم و رواج‌های خرافی و مخالف با دین اسلام و تعلیمات انسان‌ساز آن، هنوز هم در بعضی موارد رضایت دختر یا پسر بالغ در امر ازدواج و عقد نکاح در نظر گرفته نمی‌شود که پیامدهای ناگوار آن بر زنده‌گی قربانیان این چنین ازدواج‌ها به طور کامل مشهود بوده و سرنوشت صدها جوان اعم از مرد و زن را به سوی تاریکی و تباهی سوق می‌دهد.

مبارزه با پدیده شوم ازدواج اجباری مانند مبارزه با سایر امراض و مشکلات اجتماعی رسالت و مسؤولیت دولت، افراد و خانواده‌ها، رسانه‌ها و مؤسسات تعلیمی و منابر مساجد و تکایا می‌باشد. درین ارتباط نقش و مسؤولیت علمای دینی، دانشمندان، فرهنگیان و اهل قلم و اندیشه بسیار جدی و مهم است.

نقطه بسیار مهم و جوهری که باید به ارتباط راهکارهای مبارزه با ازدواج‌های اجباری به حیث یک پدیده منفی اجتماعی و غیر اسلامی به آن توجه کرد این است که باید فرهنگ ناب و اصیل اسلامی در جامعه عام شود و نسل‌های امروز و فردای کشور ما اعم از زنان و مردان بر بنیاد ایمان، عقاید، احکام و ارزش‌های ناب اسلامی به صورت متوازن و به دور از افراط و تفریط تربیت گردند. در نظام تعلیم و تربیه کشور ما به سه اصل مهم اصلاح فرد، خانواده و جامعه، در روشنی احکام و تعلیمات و ارزش‌های دین اسلام به حیث نظام و قانون مکمل و همه جانبه زنده‌گی، توجه جدی و مناسب به عمل آمده است.

وقتی که آگاهی، فرهنگ، اخلاق و تربیت اسلامی در جامعه ترویج یافته پابندی به احکام و ارزش‌های والای انسانی اسلام به حیث نظام و قانون زنده‌گی عام شود بدون تردید مظالم، مفساد، ناهنجاری‌ها و انحرافات از جامعه رخت بر می‌بندد و جایی برای امراض اجتماعی از جمله ازدواج‌های اجباری باقی نمی‌ماند.

این کار از راه تشریک مساعی مخلصانه بین ملت و دولت و هماهنگی میان نهادهای تعلیمی، تربیتی و اجتماعی و رسانه‌هایی که با اخلاص و جدیت برای خیر و بهبود ملت کار و مسئولانه و مثبت عمل می‌کنند.

توضیحات
۱- ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری روز جمعه سیزدهم شوال سال ۱۹۴ هجری قمری در بخارا دیده به جهان گشود؛ وی جهت فراگیری علم و جمع‌آوری احادیث به کشورهای مصر، حجاز، شام و عراق سفر کرد. امام بخاری ششصد هزار حدیث را جمع‌آوری نمود که از جمله حدود چهار هزار حدیث را در کتاب صحیح ثبت کرده است و در مدت ۱۶ سال صحیح البخاری را تکمیل کرده و به عمر ۶۲ ساله‌گی چشم از جهان پوشید.
۲- عایشه ام المؤمنین دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنه بود که پیامبر صلی الله علیه و آله در سن پنجاه ساله‌گی با او ازدواج کرد.

حضرت بی‌بی عایشه رضی الله عنها از جمله با ذکاوت‌ترین و هوشیارترین امهات المؤمنین شمرده می‌شد و از همه آنها به سنت و حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله آگاه‌تر بود. به همین جهت بسیاری از بزرگان اصحاب وقتی درباره بعضی احکام دچار اشکال می‌شدند. آن‌را از عایشه (رض) می‌پرسیدند و پیامبر بر حافظ بودن علم و حدیث او گواهی داده است.

۳- بُریده بن حصیب بن عبدالله بن حارث رضی الله عنه از ساکنین مدینه بود پیش از غزوه بدر به ابو عبدالله مسلم مشهور بود، در صلح حدیبیه حضور داشت. از مدینه به بصره رفت و از آنجا غرض جهاد عازم خراسان گردید؛ و در سال ۶۳ هجری قمری در مرو وفات کرد.

۴- صحابیات: زنانی که در صحبت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حضور داشتند. جمع کلمه «صحابیه» است یعنی زنی که از جمله اصحاب بود؛ ولی در زبان عربی چون تفکیک واژه‌های نشان‌دهنده اناث و ذکور وجود دارد، ازین رو زن و مرد را مانند زبان دری صحابی یا صحابه نمی‌گویند و جمع آن هم به «ات» از همین رو شده است.



بخوانیم و بدانیم

۱_ ازدواج، یکی از نشانه‌های علم و قدرت خدا ﷻ است که تفکر و اندیشه در اسرار و حکمت‌ها و فواید آن باعث عمق شناخت و معرفت خداوند ﷻ و تقویت ایمان می‌شود.

۲_ تأکید و تصریح بر این که زن و مرد هر دو از یک جنس بوده و از نظر انسانیت یعنی خصایص و حقوق انسانی با هم برابر اند.

۳_ اساس و بنیاد پیوند مبارک و میمون ازدواج مؤدت، محبت، دوستی، رحمت و دلسوزی متقابل بین زن و شوهر است. ازدواجی را که فاقد این عناصر بنیادین و مهم باشد از نظر قرآن کریم نمی‌توان ازدواج کامل و موفق خواند.

۴_ از آثار و پیامدهای منفی و خطرناک جبر و اکراه در ازدواج نتایج ناگوار رابطه سرد و تیره همسران بر فرزندان است که به خاطر وجود جبار و جنجال‌های دائمی میان والدین از عطف و شفقت و برآورده شدن ضرورت‌های مادی و روانی که برای تربیت سالم آنان مبرم و حیاتی می‌باشد، محروم بمانند.

۵_ وجود ازدواج‌های اجباری یکی از مشکلات اجتماعی بعضی جوامع انسانی است که متأسفانه کشور عزیز ما افغانستان نیز در مواردی با آن دچار بوده و بسیاری از خانواده‌ها از آن رنج می‌برند.



درست بنویسیم

هرگاه واژه‌های مختوم به «الف مقصوره» در جمله‌ها مضاف، موصوف، منسوب و یا در عبارت‌ها و ساختارهای دستوری دیگر واقع شوند «ی» به صورت الف «ا» نوشته می‌شود و قاعده واژه‌های مختوم به «ا» بر آن‌ها تطبیق می‌گردد؛ مانند:

عیسی	عیسای مریم
موسی	موسای کلیم الله
معنی	معنای واژه‌ها، واژه‌های چندین معنایی

لیلی	لیلای ذکی
شورای	شورای وزیران
یحیی	یحیای برمکی

هر گاه این گونه واژه‌ها منسوب قرار گیرند، در زبان عربی به صورت زیر نوشته می‌شوند:

موسی	موسوی
عیسی	عیسوی
معنی	معنوی
مصطفی	مصطفوی

و اما در املائی زبان دری اشکال زیرین را به خود می‌گیرند:

موسی	موسایی
عیسی	عیسایی
معنی	معنایی
مصطفی	مصطفایی

کار گروهی و سخنرانی

۱- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند گروه اول پیرامون ازدواج و گروه دوم پیرامون ازدواج‌های اجباری به بحث و گفتگو پردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نمایند.

۲- چند تن از شاگردان پیرامون عوامل ناگوار ازدواج‌های اجباری صحبت کنند.

املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲- با در نظر داشت قواعد املائی که در بالا خواندید، متنی را بنویسید.

خود آزمایی

- ۱- در باره ازدواج‌های اجباری، محمد ﷺ چه فرموده اند؟
- ۲- ضرر اکراه و اجبار در ازدواج چیست؟
- ۳- ازدواج و اهمیت آن در زنده گی را چگونه فهمیده اید؟
- ۴- اسلام چه حقی را در مورد اختیار همسر برای فرزندان اعطاء کرده است؟ بیان دارید.
- ۵- وجود اکراه و اجبار در ازدواج علاوه از باطل ساختن عقد ازدواج کدام مسایل دیگر را در پی دارد؟

کارخانه گی

- ۱- در باره فواید ازدواج در زنده گی، متنی در یک صفحه بنویسید.
اگر هوشمندی به معنی گرای که معنی بماند ز صورت به جای
سعدی
- ۲- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس نزدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد. در پایان همین
سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

- ۱- احمد شاه بابا که بود؟ ۲- او در کدام زمان می‌زیست؟
- ۳- او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟ ۴- مهمترین آثار او چه نام دارد؟
- ۵- شما اشعار دری احمد شاه بابا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

احمد شاه بابا و نمونه شعر دری آن



احمد شاه بابا، در سال ۱۱۰۱ هـ. ش. تولد و
بعد از ۲۵ سال سلطنت در سال ۱۱۵۱ هـ. ش. به
عمر پنجاه ساله گی وفات یافت.
احمد شاه بابا مرد متدین بود. او به عرف و
عادات پسندیده ملی احترام داشت.
احمد شاه بابا بعد از پادشاه شدن، ثابت کرد
که آگاه از اوضاع داخلی کشور و مطلع از
اوضاع سیاسی و نظامی ممالک همجوار
افغانستان است و هم قادر است که از این
اوضاع به نفع افغانستان استفاده کند. شرایط
داخلی و اوضاع ممالک همجوار نیز برای
تشکیل یک دولت مستقل در افغانستان مساعد بود.

احمد شاه بابا را به واسطه خدمات، اخلاق و تقوای شخصی او پدر می‌خواندند؛ زیرا
احمد شاه بابا تنها پادشاهی بود که در افغانستان تاج بر سر نمی‌نهاد، دستار می‌بست و
به طور مستقیم با مردم در تماس می‌شد، با تواضع و پیشانی گشاده سخن می‌زد، در
حل و فصل قضایا انصاف را مدنظر می‌گرفت.
در عین حال از قوانینی که خود گذاشته بود، جدی از آن پیروی می‌نمود. او در هیچ

جنگی از مقابل دشمن فرار نکرده بود و در برابر اهالی کشور متواضع و ملایم بود. خشوع و خمیدن را در تشریفات، تحریم نمود. او خانواده و اقارب خود را از مداخله و اشتراک در امور دولت دور نگه داشت، او هشت پسر داشت به نام‌های (سلیمان، تیمور، شهاب، سنجر، یزدان، سکندر، داراب و پرویز).

احمد شاه بابا مصارف دربار را کمتر کرد و معاش کارکنان دولت و سپاه را سر وقت می‌پرداخت. دفاتر مالی، معاش، دخل و خرچ دولت وسیع و منظم بود. او هم‌چنین در پایتخت دوایری تشکیل کرد؛ از قبیل وزارت (در منزله صدارت) دیوان اعلی (وزارت مالیه)، خزانه‌داری دفتر ضبط بیگی (امنیه و کوتوالی) و غیره.

مقام ادبی احمد شاه بابا

احمد شاه بابا علی‌رغم این که یک مرد سیاسی، نظامی و فاتح و کشور گشا بود؛ با شعر و ادب نیز علاقه‌مندی وافر داشت و علما و دانشمندان و هنرمندان را حمایت می‌کرد. عده زیادی از علما و دانشمندان در دربار وی جمع شده هر شام پنجشنبه دعوت مجلل ترتیب و محفل علمی بر پا می‌کرد. تمام دوره جوانی حیاتش در میدان جنگ سپری شد. احمد شاه از ایام پادشاهی تا زمان وفاتش مشغول امور مملکت داری بود؛ ولی با آن‌هم در ادب و ادبیات دسترسی کامل داشت و به هر دو زبان دری و پشتو شعر می‌گفت که اینک در زیر نمونه‌یی از شعر دری او را نقل می‌کنیم:

چو بر من تیر مژگان می‌زند آن شوخ گلگونم	چو لاله داغ بر دل تا سرا پا غرق در خونم
ز سوز دل همی بارم شب و روز اشک حسرت را	ز خون دل نشسته بر کنار رود جیحونم
ز سوز آتش عشقت که چون افروخت بر دل‌ها	زیس سوز دلم هرگز نمی‌دانم که من چونم
نمی‌پرسی ز من اما بین حال دل و جانم	که از غیرت فتاده بر زمین چون بید مجنونم
به گرد گنج رویت چو نون بدیدم اژدر دل‌ها	همی سوزم همی نالم ندانم خویشتن چونم
ولی «احمد» ز تو دارد همین یک آرزوی خود	به دیدارت رسم ماند ز گریه چشم جیحونم



بخوانیم و بدانیم

- ۱- احمد شاه بابا در سال ۱۱۰۱ هـ. ش. تولد و بعد از ۲۵ سال سلطنت و در سال ۱۱۵۱ هـ. ش. به عمر پنجاه ساله گی وفات یافت.
- ۲- او در ضمن کشورداری به شعر و ادب نیز علاقه داشت و به هردو زبان دری و پشتو شعر می سرود.



درست بنویسیم

- در زبان دری واژه‌های اسمعیل، اسحق، ابراهیم، رحمن و امثال آن را باید با «الف» یعنی: اسحاق، اسماعیل، ابراهیم و رحمان بنویسیم.
- کلماتی، مثل: زکوة، صلوة (صلات)، مشکوة، توریة و حیوة، باید به همان گونه که تلفظ می شوند، نوشته شوند، یعنی: زکات، صلات، مشکات، تورات، و حیات.

کار گروهی و سخنرانی



- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شخصیت و کارنامه‌های احمدشاه بابا به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان نماید.
- ۲- چند شاگرد در مورد تصویر سخنرانی کنند.



مرقد احمدشاه بابا در قندهار

املا و نگارش



- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خود بنویسید.
- ۲- سوانح احمد شاه بابا را در چند سطر بنویسید.

خود آزمایی



- ۱- احمد شاه بابا به اجرای چه کارنامه هایی شهرت داشت؟
- ۲- در مورد دیانت و شجاعت احمد شاه بابا چه آموخته اید؟ ارائه دارید.
- ۳- احمد شاه بابا در کدام سال تولد شد؟ چند سال حکومت کرد و سرانجام در چند ساله گی وفات یافت؟

کارخانه گی



- ۱- نقش احمد شاه بابا را در تشکیل افغانستان کنونی توضیح دهید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:
کرا دانش و جود و تقوی نبود به صورت درس هیچ معنی نبود
سعدی
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد. در آخر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

۱. آرشیف چیست؟
۲. آرشیف ملی افغانستان در کدام زمان به میان آمده است؟
۳. آرشیف ملی در کجاست و چند بخش دارد؟
۴. در آرشیف ملی چه چیزها نگهداری می‌شود؟
۵. به نظر شما مهمترین اثر موجود در آرشیف ملی کدام است؟

آرشیف ملی افغانستان

«آرشیف ملی افغانستان» اداره‌یی است که هم‌زمان با «موزیم ملی» ایجاد گردیده و در آن اسناد تاریخی از قبیل فرمان‌ها، وثایق، قبالة‌ها، نکاحنامه‌ها، روزنامه‌ها، عکس‌ها، اسناد دولتی، حکمنامه‌ها، مصوبات تاریخی، اقرارنامه‌ها، معاهدات دولتی، تصاویر آزادی‌خواهان و آثار نادر چاپی نگهداری می‌شود.

آثار اولی که در موزیم ملی افغانستان نگهداری می‌شد، نسخه‌هایی از قرآن کریم، تفاسیر و کتبی را احتوا می‌کرد، که با خط زیبا نگاشته شده و دارای لوحه‌های میناتوری و جدول‌های طلاکاری شده بود. با گذشت زمان آثار دیگری نیز جمع‌آوری شد، که باعث غنای موزیم ملی و «آرشیف ملی» گردید.

در واقع منبع آرشیف ملی افغانستان کتابخانه‌یی است که در زمان امیر حبیب الله خان تنظیم و در زمان شاه غازی امان الله به کتابخانه ملی مبدل گشت. در این زمان نسخه‌ها و اسناد دست‌نویس و خطاطی شده جمع‌آوری گردید و بنیاد «کتابخانه خطی افغانستان» در منزل پنجم وزارت اطلاعات و فرهنگ گذاشته شد و در سال ۱۳۵۲ هـ. ش. به «آرشیف ملی» مسمی گردیده ساختمان دیگری برای آن اختصاص یافت.

این ساختمان که خود یک اثر تاریخی است، در زمان پادشاهی امیر عبدالرحمن خان در محوطه باغ چرم‌گری کابل بنا یافته که از جمله بهترین باغ‌های شهر کابل به شمار می‌رفت و پس از اعمار جاده سالنگ، در زمان ریاست جمهوری محمد داوودخان، در کنار آن جاده قرار گرفت.

گرچه تاریخ دقیق ساخت این بنا آشکار نیست؛ اما نظر به روایاتی بنای آن پس از اعمار بستان سرای کابل، یعنی در سال ۱۳۱۰ خورشیدی به منظور دفتر کار شاهزاده حبیب الله خان ساخته شد.



«آرشیف ملی افغانستان» به طور رسمی در سال ۱۳۵۶ ه. ش. گشایش یافت و با ثبت آن در یونسکو، شهرت جهانی را کسب نمود.

آرشیف ملی دارای دویبخش عمدهٔ نسخ خطی و اسناد تاریخی است که در تالار نسخ خطی آن پیرامون پانزده هزار جلد کتاب پشتو، دری، عربی و بعضی از نسخه‌های خطی زبان‌های دیگر، دست نوشته‌هایی از قرآن کریم در چندین نسخه، رساله‌ها، دیوان‌ها، کتب ادبی، تاریخی، فلسفی، و قطعه خط‌ها موجود است.

تالار اسناد تاریخی آرشیف ملی، شامل یکصد و شصت هزار قطعه سند تاریخی از قبیل فرمان‌ها، وثایق، قباله‌ها، نکاحنامه‌ها، روزنامه‌ها، عکس‌ها، اسناد دولتی، حکمنامه‌ها، مصوبات تاریخی، اقرارنامه‌ها، معاهدات دولتین، تصاویر آزادی‌خواهان و آثار نادر چاپی می‌گردد که قدیم‌ترین فرمان متعلق به سلطان حسین بایقرا (قرن نهم هجری) و تازه‌ترین آن فرمان توزیع زمین متعلق به سال ۱۳۵۷ خورشیدی است؛ همچنان فرامین احمد شاه بابا، تیمورشاه و دیگر شاهان نیز در آرشیف ملی افغانستان نگهداری می‌گردد.

در آرشیف ملی نسخه‌یی از قرآن کریم وجود دارد که تعداد مجموعی صفحات آن به سی صفحه میرسد و در هر ورق آن یک پارهٔ کامل قرآن عظیم الشان با هنر خط هفت قلم، خطاطی و با آب طلا هر صفحهٔ آن تذهیب کاری شده است. دیدن این نسخه و توجهی که در خطاطی و گنج‌نیدن یک پارهٔ کامل در هر ورق آن به عمل آمده است، انسان را به حیرت وامیدارد.

از جمله نسخه‌های دیگر خطی قرآن کریم که در آرشیف ملی نگهداری می‌شوند، نسخه‌یی نیز وجود دارد که بر پوست آهو با خط میخی نوشته شده است. زمان نوشتن آن به دورهٔ حضرت عثمان رضی الله عنه خلیفهٔ سوم مسلمانان منسوب می‌شود؛ همچنان نسخه‌های خطی و لوحه‌های میناتوری دوران تیموری نیز در آرشیف ملی افغانستان موجود است.

از جمله عکس‌های قدیمی از عصر امیر شیرعلی خان تا این اواخر در آرشیف نگهداری می‌شود؛ همچنان اولین بانک‌نوت کاغذی که در دوران اعلیحضرت امان‌الله خان رایج گردید در آرشیف ملی محفوظ می‌باشد.

در این اواخر وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، دو اثر دست نوشتهٔ تاریخی دیگر را از یک کتاب‌فروش شهر کابل خریداری کرده و به آرشیف ملی سپرده است. اثر نخستین، جلد چهارم سراج التواریخ، دستنویس خود مؤلف (فیض محمد کاتب هزاره) بوده که تا حال چاپ نگردیده است و اثر دومی اسناد و مکاتیب رسمی تبادله شده بین امیر عبدالرحمان (خان) (پادشاه افغانستان) و حکومت انگلستان در نیم قارهٔ هند می‌باشد.

یونسکو: نهاد تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، یکی از دفاتر تخصصی است که در سال ۱۹۴۵ میلادی تشکیل شد. هدف این سازمان کمک به صلح و امنیت در جهان از راه همکاری بین‌المللی در زمینه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی می‌باشد و ۱۹۱ کشور عضو یونسکو هستند. مقر آن در پاریس پایتخت فرانسه است و دفترهایی در کشورهای مختلف دارد.



بخوانیم و بدانیم

۱. «آرشیف» کلمه‌یی است فرانسوی که معنای آن: ثبت و حفظ اطلاعات، اسناد و عملکردهای مربوط به گذشته، به منظور استفاده در حال و آینده است.
۲. «آرشیف ملی افغانستان» اداره‌یی است که در آن اسناد تاریخی از قبیل فرمان‌ها، وثایق، قباله‌ها، نکاحنامه‌ها، روزنامه‌ها، عکس‌ها، اسناد دولتی، حکمنامه‌ها، مصوبات تاریخی، اقرارنامه‌ها، معاهدات دولتین، تصاویر آزادی‌خواهان و آثار نادر خطی چاپی نگه‌داری می‌شود.
۳. «آرشیف ملی افغانستان» در سال ۱۳۵۶ هـ. ش. به طور رسمی گشایش یافت و با ثبت آن در سازمان یونسکو، شهرت جهانی را کسب نمود.
۴. آرشیف ملی دارای دو بخش عمده نسخ خطی و اسناد تاریخی است. سالون اسناد تاریخی آرشیف ملی، شامل یکصد و شصت هزار قطعه سند تاریخی و سالون نسخ خطی دربرگیرنده پانزده هزار جلد رساله، دیوان، کتب ادبی، تاریخی، فلسفی، و دست‌نویس است.
۵. قدیم‌ترین فرمان موجود در «آرشیف ملی» متعلق به سلطان حسین بایقرا (قرن نهم هجری) و تازه‌ترین آن فرمان توزیع زمین متعلق به سال ۱۳۵۷ خورشیدی است.
۶. در آرشیف ملی، نسخه‌یی از قرآن کریم وجود دارد که بر پوست آهو با خط میخی نوشته شده و زمان نوشتن آن به دوره حضرت عثمان رضی الله عنه خلیفه سوم مسلمانان منسوب می‌شود.
۷. اولین بانک‌نوت کاغذی که در دوران اعلیحضرت غازی امان الله خان رایج گردید، در آرشیف ملی محفوظ می‌باشد.



درست بنویسیم

- کلمه‌هایی که در عربی به صورت قراءه، دناءه، اساءه، براءه و... نوشته می‌شوند، در زبان دری باید به صورت قرائت، دنائت، اسائت براءت و... نوشته شوند.
- واژه‌های عربی هم‌وزن «تفعیل» باید با دو {ی} نوشته شوند؛ مانند: تعیین، تمیز، تغیر.



موزیم ملی

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده، گروه اولی در مورد «اهمیت آرشیف ملی» و گروه دوم در مورد این که «چگونه می توان از خراب شدن آثار آرشیف ملی جلوگیری نمود؟» باهم بحث و گفتگو کنند؛ سپس نتیجه را از هر گروه یک نفرشان به دیگران در برابر صنف بیان نمایند.
۲. چند تن از شاگردان در مورد «ارزش ملی و تاریخی» تصویر بالا در برابر صنف سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خویش بنویسید.
۲. در باره «اهمیت تاریخی آرشیف ملی» متنی بنویسید، که کمتر از هفت سطر نباشد.

خود آزمایی

۱. آرشیف چیست و چه معنایی را افاده می کند؟
۲. در «آرشیف ملی افغانستان» چه چیزهایی نگهداری می شود؟
۳. «آرشیف ملی افغانستان» در چه زمانی این نام را به خود گرفت و در کدام سال به طور رسمی گشایش یافت؟
۴. آرشیف ملی دارای چند بخش است؟ نام ببرید.
۵. آرشیف اسناد تاریخی، چه چیزهایی را در خویش جا داده است؟
۶. قدیم ترین و تازه ترین فرمان موجود در «آرشیف ملی» متعلق به کدام زمان است؟
۷. واژه های دناء، براءه، تعین را در زبان دری، باید چگونه بنویسیم؟

کار خانه گی

۱. در باره آرشیف ملی معلومات تان را در چند سطر بنگارید.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:
 حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد زمانه را سند و دفتری و دیوانیست
 هزار کاخ بلند اربنا کند صیاد بهای خار و خس آشیانه ویرانیست
 پروین اعتصامی
۳. متن کامل درس بیست و یکم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس بیست و یکم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. عروض را تعریف کنید.
۲. علم عروض چه چیزی را به ما می‌آموزاند؟
۳. مشهورترین بحرهایی را که در زبانان در آن بسیار شعر سروده اند، نام ببرید.

علم عروض

وزن در شعر کلاسیک دری، یکی از ارکان مهم و اساسی آن به شمار می‌رود، که تعیین و تثبیت آن به وسیله شمارش هجاها و حروف ساکن و متحرک و ازه‌ها صورت می‌گیرد؛ اما این کار جز به کمک و یاری «علم عروض» میسر نیست.

وجود وزن در شعر کلاسیک ما، این ویژه‌گی را به شعر بخشیده است که سخن از نوعی آهنگ برخوردار شود و نشانه وجود آهنگ موسیقی منظم در شعر هم از ترتیب و توالی منظم هجاها و قطع منظم صدا در مقاطع همگون آوایی است، که این نظم و ترتیب صداها به فاصله‌های معین زمانی نوعی موسیقی را به وجود آورده است.

برای دریافت وزن شعر، ناچاریم مصراع‌های شعر را تقطیع عروضی کنیم و یا به عبارت دیگر آن را به چند پارچه تقسیم کنیم؛ اما قبل از آغاز به آموختن روش تقطیع، باز هم ناگزیریم از چند نکته مهم آگاهی حاصل کنیم:

- علم عروض در مجموع از یک سلسله اوزان قانون‌مند و پذیرفته‌شده بحث می‌کند که هریک آن را به نام «بحر» می‌شناسند. تعداد مجموعی این بحرهای عروضی در زبان دری به نزده بحر می‌رسد که از جمله شانزده بحر آن را دانشمندان زبان عربی بنا نهاده اند و سه بحر دیگر را دری زبانان بدان افزوده اند. همه این بحرهای قالب‌های مخصوصی تشکیل شده اند که به نام «ارکان یا افاعیل و یا تفاعیل عروضی» یاد می‌شوند و تعداد این «تفاعیل» یا تفعله‌ها به هشت می‌رسد، که به شرح زیر است:

۱. فُعُولُنْ ۲. فاعِلُنْ ۳. مَفَاعِلُنْ ۴. فاعِلَاتُنْ ۵. مُسْتَفْعِلُنْ ۶. مُتَفَاعِلُنْ ۷. مُفَاعِلَتُنْ ۸. مَفْعُولَاتُنْ.

هریک از این تفعله‌ها از دو بخش تشکیل یافته‌اند: سبب و وتد. سبب: در لغت ریسمان را گویند و در اصطلاح عروضیان کلمه‌یی را می‌نامند که

از دو حرف تشکیل یافته باشد. حال اگر حرف دوم کلمه ساکن باشد، آن را «سبب خفیف» گویند؛ مانند: سر، گل، غم. و اگر حرف دوم کلمه نیز متحرک باشد، آن را به نام «سبب ثقیل» می‌شناسند؛ مانند: رمه، گله. (در علم عروض، «ه» غیر ملفوظ و «و» مجهول به شمارش نمی‌آیند).

وتد: در لغت میخ خیمه و در اصطلاح عروض کلمه‌یی را گویند که از سه حرف تشکیل شده باشد. اگر حرف سوم آن ساکن باشد، «وتد مجموع» نامیده می‌شود؛ مانند: دهن، شرف، سبد؛ اما اگر حرف دومی ساکن باشد، در آن صورت «وتد مفروق» نام دارد؛ مانند: ژاله و لاله.

باز در پوشید گیتی تازه و رنگین قبایی عالمی را کرد مشکین بوی زلف آشنایی
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

توضیحات
در زبان عربی عدد (۸) را ثمانیه و هر چیزی را که از هشت جزء یا رکن تشکیل شده باشد «مُثَمَّن» می‌گویند؛ همچنان اشعار چهاررکنی «مریع» و اشعار شش رکنی به نام «مسدس» خوانده می‌شوند.



بخوانیم و بدانیم

۱. وزن در شعر کلاسیک دری، یکی از ارکان مهم و اساسی آن به شمار می‌رود، که تعیین و تثبیت آن به وسیله شمارش هجاها و حروف ساکن و متحرک واژه‌ها صورت می‌گیرد.
۲. وجود وزن در شعر کلاسیک، این ویژگی را به شعر بخشیده است که سخن از نوعی آهنگ و موسیقی برخوردار شود.
۳. علم عروض از یک سلسله اوزان قانون‌مند پذیرفته شده بحث می‌کند که هریک آن اوزان به نام «بحر» یاد می‌شود.
۴. تعداد مجموعی بحرهای عروضی در زبان دری به نزده بحر می‌رسد که از جمله شانزده بحر آن را دانشمندان زبان عربی بنا نهاده‌اند و سه بحر دیگر را دری‌زبانان بدان افزوده‌اند.
۵. سبب در لغت ریسمان را گویند و در اصطلاح عروضیان کلمه‌یی را می‌نامند که از دو حرف تشکیل یافته باشد.

۶. وتد در لغت میخ خیمه و در اصطلاح عروض، کلمه‌یی است که از سه حرف تشکیل شده باشد.

درست بنویسیم



- ترکیبات عربی مستعمل در زبان دری جدا نوشته می‌شوند؛ مانند:
ان شاء الله، عن قریب، مع هذا، مع ذلك، من جمله، علی هذا، من بعد؛ اما اگر «الف ولام عربی» در میان آن‌ها قرار گرفته باشد، به همان شکل عربی نوشته می‌شوند؛ مانند:
عندالمطلبه، عندالطلب، مع الخیر، علی الدوام.
- هرگاه واژه «ابن» در آغاز و پیش از اسم خاص آید، چنین نوشته می‌شود: ابن سینا، ابن بطوطه، ابن رشد، ابن احمد، ابن زید. و اما اگر «ابن» در بین دو اسم خاص آید، {ا} آن در نوشته حذف می‌شود؛ مانند: محمد بن احمد دقیقی بلخی، عیسی بن مریم، یحیی بن خالد برمکی، حمزه بن حسن اصفهانی، حمزه بن علی.
- نوشتن واژه‌های عربی بلوی، تقوی، قوی، مبتلی، مصفی و مستثنی در زبان دری با {الف} مرجح دانسته می‌شود؛ مانند: بلوا، تقوا، قوا، مبتلا، مصفا، مستثنا.

کار گروهی و سخنرانی



۱. در مورد مفاهیم کلی درس باهم گفتگو نموده؛ سپس نتیجه را یک نفر در مقابل صنف قرار گرفته به دیگران انتقال دهد.
۲. چند شاگرد در برابر صنف قرار گرفته درباره این تصویر و پیوند آن با علم عروض دو - دو دقیقه سخنرانی کنند.



املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خویش بنویسید.
۲. بادر نظر داشت قواعد املائی که در بالا خواندید، در کتابچه های تان متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد و حد اقل پنج کلمه از آنچه خواندید، در آن به کار رفته باشد.

خود آزمایی

۱. تعیین و تثبیت وزن شعر در زبان دری چگونه صورت می گیرد؟
۲. در شعر کلاسیک ما، چه چیزی سبب شده که سخن از نوعی آهنگ و موسیقی برخوردار شود؟
۳. علم عروض را تعریف کنید.
۴. سبب و وتد از یکدیگر چه تفاوت دارند؟
۵. واژه « ابن » و ترکیبات عربی مستعمل در زبان دری چگونه نوشته می شوند؟ مثال دهید.

کارخانه گی

۱. بیت زیر را اساس قرار داده در رابطه چند سطری بنویسید.
شکوه تاج سلطانی که بیم جان در و درج است
کلاهی دلکش است اما به ترک سر نمی ارزد
۲. این بیت ها را به حافظه بسپارید:
ساحل افتاده گفت گرچه بسی زیستم
موج ز خود رفته یی تند خرامید و گفت
هیچ نه معلوم شد آه که من کیستم
هستم اگر می روم گر نروم نیستم
علامه اقبال
۳. متن کامل درس بیست و دوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس بیست و دوم

- شاگردان به پرسش‌های آتی پاسخ‌های مناسب دهند:
- ۱- در باره دانش و اهمیت آن چه می‌دانید؟ توضیح دهید.
 - ۲- سنایی غزنوی در باره دانش و هنر چه گفته است؟
 - ۳- سنایی غزنوی در کدام سال تولد و در کدام سال وفات کرد توضیح بدهید؟

دانش و هنر

جان بی علم تن بمیراند	شاخ بی بار دل بگيراند
علم باشد دلیل نعمت و ناز	خُنک آن را که علم شد دمساز
روزگارند اهل علم و هنر	سینه شان چرخ و نکته شان اختر
گوش سوی همه سخن‌ها دار	آنچه زو به درون جان بنگار
حجت ایزد است در گردن	خواندن علم و کار ناکردن
نیک نادان در اصل نیک منه	بد دانا ز نیک نادان به
کار بی علم بار و بر ندهد	تخم بی مغز بس ثمر ندهد
آن جوانی که گرد غفلت گشت	آن نه عمر آن فضول بود و گذشت
مرد عاقل ز لهُو پرهیزد	زین چنین عمر عقل بگریزد
جز به تدبیر پیر کار مکن	پیر دانش نه پیر چرخ کهن

بیخ اقبال که چون سرزند از باغ هنر	گر چه پژمرده شود بار قبول آرد بر
دولت با هنران را فلک مرد افکن	زند آسیب و لیکن نکند زیر و زبر
گوشمالی دهد ایام و لیکن نه به خشم	تا هنر با خرد آمیخته گردد ز عبر
کی ز دوران فلک طعمه تشویر شود	هر کرا بهر هنر بخت بی‌رورد ببر

از قفا خوردن ایام چه ننگ آید و عار که هم اسباب بزرگیست هم آیات خطر
 کار چون راست بود مرد کجا گیرد نام از چنین حادثه‌ها مردان گردند سمر
 شیر پر زور نه از پایه خوار نیست به بند
 سگ طماع نه از بهر عزیز نیست به در

توضیحات

حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی در مدینه‌الاولیای غزنی در یک خانواده علمی و عرفانی در سال ۴۷۳ هـ. ق. چشم به جهان گشود. تحصیلاتش را در مدارس عالی آن جا به اتمام رسانیده و بر تمام دانش‌های معمول و متداول زمان خود دست یافت و در سال ۵۴۵ هـ. ق. مطابق ۵۲۹ هـ. ش. وفات یافت.

۱- خُنک: - خوب و خوش، خجسته، خوشا.

۱- «علم کز بهر باغ و راغ بود همچو مر دزد را چراغ بود»
 هرگاه علم و دانش به خاطر زیبایی‌های ظاهری و زودگذر دنیا فرا گرفته شود مانند دزدی که چراغ بر دست گرفته پی مقصود خود رود.



بیاموزیم

۱- حکیم سنایی غزنوی در سال ۴۷۳ هـ. ق. در مدینه‌الاولیای غزنی دیده به جهان گشود.

۲- بیت سوم (روزگارند اهل علم و هنر...) یعنی مردمان دانشمند و با هنر سینه شان مانند آسمان بزرگ و مملو از دانایی است و سخنان ایشان مثل ستاره‌ها که در شب به آسمان زیبایی بخشیده‌اند روشنی بخش است.

۳- بیت پنجم (حجت ایزد است در گردن...) دلیل این که ما علم می‌آموزیم آن است

که در عمل کردن به آن بکوشیم و آن کاری را که پروردگار ما امر کرده است آن را انجام دهیم و چیزهای را که نهی کرده از آن پرهیز کنیم.

۴- بیت دوازدهم (بیخ اقبال که چون سر زند از باغ هنر... نهالی که از باغ هنر سر زند گرچه بر اثر حوادث روزگار پژمرده هم شود باز هم ثمر خوب می دهد یعنی اگر انسان هنرمند به اثر ناملايمات روزگار به مشکل دست تنگی هم دچار گردد و بالاخره به وسیله هنر و کمالش بار دیگر به خوشبختی می رسد.

۵- بیت پانزدهم (کی ز دوران فلک طعمه تشویر شود...) هر کسی که در باغ هنر تربیت یافت و به بخت و اقبال رسید هیچ گاه از دوران یا گردش روزگار روی شرمساری را نمی بیند.

درست بنویسیم

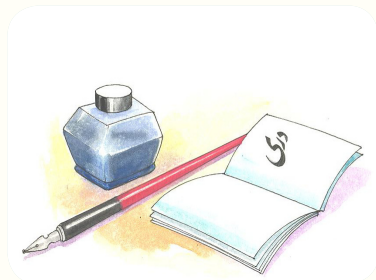


• هرگاه حرف پایانی واژه، «الف» باشد، در هم کناری با افعال اسنادی (استم، استیم، استی، استید، است، استند و اند)، الف از آغاز همه این ها به استثنای (اند) حذف می شود؛ مانند:

• استم: تنها ستم، • استیم: جدا ستیم، • استی، داناستی، • استید: بیناستید، • است: جویاست • استند: گویاستند.

اما الف آغازین (اند) به «ی» مبدل می شود؛ مانند: پیدایند، زیبایند، گیرایند.

کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و پیرامون مفهوم بیت های (چهارم و ششم) صحبت کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کند.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده مفهوم شعر دانش و هنر را به صورت مختصر شرح دهد.

املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های تان بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت و رعایت قواعد املائی که در بالا خواندید، در کتابچه های تان یک متن بنویسید.

خود آزمایی

- ۱- جان بی علم تن بمیراند شاخ بی بار دل بگیراند
منظور شاعر از بیت فوق چیست؟
- ۲- کلمه خُنک در بیت دوم چه معنا دارد؟
- ۳- در باره مفهوم شعر دانش و هنر چه می دانید؟
- ۴- یک بیت از شعر دانش و یک بیت از شعر هنر را با هم ارتباط داده معنا کنید.

کارخانه گی

- ۱- شاگردان در مورد علم و دانش یک مقاله بنویسند.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:
علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی
سعدی
- ۳- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرد.

درس بیست و سوم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد. در آخر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. ژانر چیست؟ مفهوم آن را در یک داستان بیان دارید.

۲. آثار ادبی را با چه معیارهایی ارزشیابی می‌کنند؟

۳. ژانرهای ادبی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟

۴. در ادبیات دری بر روی کدام ژانر کمتر کار شده است؟

۵. قدیم‌ترین اثر ژانرهای نمایشی در کشور ما چه نام دارد و موضوع آن چیست؟

ژانرها یا انواع ادبی

مفهوم ژانر، برگرفته از کلمه فرانسوی و اصل واژه لاتینی (Genus) به معنای نوع، دسته و گونه است. در بررسی‌های ادبی، اصطلاح ژانر به اشکال مختلف به کار می‌رود تا به تمایز میان انواع آثار ادبی و تعیین اقسام آن برحسب شکل، موضوع و ویژه‌گی‌های فنی اشاره کند: نوع نمایشی (حماسی، تغزلی و دراماتیک)، نوع رابطه با واقعیت (داستانی، غیرداستانی)، نوع پی‌رنگ (کمیدی، تراژیدی)، ماهیت و محتوا (رمان تاریخی، رمان ماجراجویی) و... تا پیش از قرن بیستم نام‌های ژانری به عنوان رده‌های عام برای دسته‌بندی شمار زیادی از متون، کاربرد گسترده‌یی داشت؛ به ویژه این مفهوم نقش مهمی در طبقه‌بندی و ارزش گذاری ادبیات ایفا کرده بود.

تقسیم بندی ادبیات به «ژانرهای ادبی» از دوران یونان باستان معمول بوده است. ژانرهای اصلی که در آن دوران برای شعر قایل بودند، عبارت از: حماسه، شعر غنایی، کمیدی، هجو و تراژیدی. امروز علاوه بر تقسیم بندی‌هایی که از دوران گذشته برای شعر در نظر گرفته شده بود، نثر نیز به انواع گوناگون؛ مانند: رمان، داستان کوتاه، نمایشنامه، مقاله، طنز، شرح حال و... تقسیم بندی شده است و به طور کلی هریک از انواع سنتی و شاخه‌های فرعی آن در شعر و انواع مختلف نثر، ژانر ادبی جداگانه‌یی به شمار می‌آیند.

در ادبیات قدیم دری، هیچ یک از تقسیم‌بندی‌های سنتی و جدید ژانرهای ادبی، معمول و رایج نبوده است. شعر تنها برحسب شکل ظاهری و طرز قرار گرفتن قافیه‌ها و اغلب بدون توجه به موضوع و محتوای آن تقسیم بندی شده است. این قالب‌ها

عبارتند از: قصیده، غزل، قطعه، مسمط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، رباعی، دوبیتی، مثنوی، مستزاد، بحرطویل و فرد. این تقسیم‌بندی علاوه بر آن که حوزهٔ نثر را دربر نمی‌گیرد، معمولاً براساس موضوع و محتوا نیست و بیشتر بر پایهٔ تعداد تقریبی بیتها و نیز طرز به کارگرفتن قافیه در آنها مشخص می‌گردد.

حال که کاستی‌های تقسیم‌بندی ادبیات دری آشکارشد، باید به دنبال الگوی دیگری باشیم تا بتوانیم تمامی آثار ادبی گذشتهٔ خود (اعم از نظم و نثر) را، با توجه به آن، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم. شاید تقسیم‌بندی آثار ادبی بر «ژانرهای ادبی» جامع‌ترین این روش‌ها باشد؛ زیرا «ژانرهای ادبی» حد و مرز خاصی نمی‌شناسد و آثار ادبی را تنها از دیدگاه محتوا و بار عاطفی تقسیم‌بندی می‌کند و از سوی دیگر این روش بر همه آثار ادبی جهان قابل تطبیق است. البته یادآوری این نکته نیز ضروری است که تعیین حد و مرز دقیق این ژانرها و قرار دادن آثار ادبی دری در آن، امری است نسبی و در این امر، تنها روح غالب اثر در نظر گرفته می‌شود؛ مانند: شاهنامهٔ فردوسی مایه‌هایی از شعر تعلیمی و غنایی و حتا نمایشی را با خود دارد و یا غزل‌های «بیدل» که در نوع غنایی دسته‌بندی می‌شود، با رگه‌هایی از تعلیم آمیخته است و شعرهای تعلیمی نظیر بوستان سعدی نیز با جلوه‌هایی از نوع غنایی همراه است. از این رو در تقسیم‌بندی این آثار فقط روح کلی حاکم بر یک اثر ادبی در نظر گرفته می‌شود.

۱. ژانر حماسی: حماسه در لغت به معنای دلاوری، شجاعت و رجز است و در اصطلاح، اثری است که در آن از جنگ‌ها و دلاوری‌های قهرمانان سخن گفته می‌شود. مضامین حماسی به صورت داستان‌های توأم با اعمال پهلوانی و خوارق عادات و کارهای شگفت‌انگیز روایت می‌شود. قهرمانان رویدادهای حماسی، بیشتر ابرمردان نامجویی هستند که برای کسب افتخارات و حفظ استقلال یک ملت می‌کوشند و نبرد می‌کنند و جنگ‌های آنان نوعی نبرد میان خیر و شر است که به صورت جریان دایمی در بستر حوادثی جالب و عبرت‌آموز به سوی سرنوشت‌های حتمی به پیش می‌رود. حماسه‌ها به طور کلی به صورت منظومهٔ (شعر) است. با این همه، حماسه‌هایی نیز به نثر به وجود آمده است. برای مثال می‌توان به شاهنامهٔ ابومنصوری اشاره کرد که به نثر نوشته شده است. به جز شاهنامهٔ فردوسی، منظومه‌های حماسی دیگری نیز در قلمرو ادبیات پدید آمده که هرچند به لحاظ ارزش حماسی و پرداخت هنری به پایهٔ شاهنامهٔ

فردوسی نمی‌رسند؛ اما ذکر نام برخی از آنان خالی از لطف نیست که از جمله می‌توان به منظومه‌های حماسی «گرشاسب‌نامه اسدی طوسی»، «بهمن‌نامه»، «فرامرزنامه» و «برزو نامه» اشاره کرد.

۲. ژانر غنایی: غنا در لغت به معنای سرود، نغمه و آواز خوش و طرب انگیز است و اثر غنایی به شعر و نثری گفته می‌شود که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر از عشق، دوستی، رنج، نامرادی و هر آنچه روح آدمی را متأثر می‌کند، باشد. این احساسات و اندیشه‌ها می‌توانند عاشقانه، دینی، فلسفی یا اجتماعی باشند. غزل‌های عاشقانه، آثار عرفانی، آثار هجو آمیز یا طنز گونه، مدیحه، نعتیه، مرثیه و توصیف طبیعت همه ژانر غنایی محسوب می‌شوند. در ادب دری، از نخستین دوران پیدایش آن تا به امروز، ژانرهای غنایی چه در قالب‌های شعر و نثر و چه در انواع شعر نو به وجود آمده است.

اصطلاح «غنایی» به منظومه‌های داستانی عاشقانه که جنبه روایتی دارند و شاعر در آن‌ها از احساسات و اندیشه‌های قهرمانان داستان سخن می‌گوید، نیز اطلاق می‌شود. منظومه‌های داستانی از قبیل «ویس و رامین» اثر فخرالدین اسعد گرگانی، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون نظامی گنجوی و... در شمار شعر غنایی محسوب می‌شوند. از معروف‌ترین شاعران و نویسندگان که به خلق آثار غنایی پرداخته‌اند می‌توان از حافظ، سعدی، جامی، سنایی، مولانا، نظامی و غیره نام برد، که معاصران نیز چنین آثاری ایجاد کرده‌اند.

۳. ژانر تعلیمی: آن است که هدف آفریننده آن، آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، اجتماعی، دینی یا علوم و فنون باشد. در زبان دری نمونه‌های فراوانی از انواع مختلف ژانر تعلیمی وجود دارد که بیش‌ترین سهم در این زمینه ویژه شعرهایی است که محتوای اخلاقی و فلسفی دارند.

آثار اغلب شعرای غیردرباری، سرشار از زمینه‌های تعلیمی است. کسانی مروزی، ناصر خسرو بلخی، ابوالفضل بیهقی، شیخ فریدالدین عطار، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، ملک الشعرا قاری عبدالله، استاد بیتاب، حیدری و جودی، عبدالرازق فانی و... آثار فراوانی در این زمینه آفریده‌اند. بخش عمده‌یی از آثار متصوفه و اشعار عرفانی، با تعلیم همراه است و در شمار آثار تعلیمی به حساب می‌آید؛ اما بزرگ‌ترین اثر تعلیمی، «بوستان» سعدی است که از طرف شاعران متعدد مورد تقلید قرار گرفته است.

۴. **ژانر نمایشی:** هنرنمایش را «مادر همه هنرها» نامیده اند؛ زیرا در آن همه هنرها حضور دارند و تشریک مساعی می کنند. شعر، موسیقی، نقاشی، حرکات موزون، معماری و... هر کدام به تنهایی یک هنر کامل به شمار می روند؛ اما هنگامی که به عرصه هنرنمایش وارد می شوند، به عنوان یک عنصر تشکیل دهنده این هنر انجام وظیفه می کنند.

محققان سابقه نمایش در سرزمین ما را تا سه قرن قبل از میلاد ریشه یابی کرده و شواهدی بر حضور این هنر به شکل ابتدایی آن ارائه کرده اند. از جمله به تعزیه نامه و نمایشنامه یی به نام «ایاتگار زیران» اشاره می کنند. ایاتگار زیران (یادگار زیریر) اثری بوده است منظوم با موضوع جنگ های «زیریر» و برادرش گشتاسپ (پادشاه کاوی بلخی) با ارجاسپ تورانی خیونی، که می خواستند دودمان سلطنت بلخی را از قبول آیین اوستایی منصرف سازند. در نتیجه جنگی سخت میان طرفین در گرفت و گشتاسپ و طرف دارانش بر دشمن غلبه حاصل نمودند.

این اثر در قرن ششم میلادی از صبغه اصلی خویش برگردانده شده و صورت پهلوی ساسانی به آن داده شده است. از همین جهت تا همین اواخر تصور می رفت، که این اثر یک رساله منثور است؛ اما پس از تحقیقات و پژوهش ها و کاوش های ژرف و دامنه دار، در فرجام «بن و نیست» - زبان شناس فرانسوی - به اثبات رسانید که این اثر در اصل منثور نه؛ بلکه منظوم بوده و قدامت تاریخی آن به سه قرن قبل از میلاد می رسد، که بعدها - در قرن ششم مسیحی - آن را به پهلوی ساسانی برگردان نموده اند، که با پیرایه ساسانی شکل نخستین خود را از دست داده و در اثر تداخل و تناقص واژه ها، ابیات هفت هجایی آن، شکل نثر را به خود اختیار نموده است.

نخستین وجه مشخصه ژانر نمایشی، ساده گی و بی پیرایه گی در بیان و زبان است. سروده های مربوط به این ژانر که بیشتر از زبان مداحان، روضه خوانان و تعزیه خوانان شنیده می شود، اغلب به زبان ساده و نزدیک به زبان عامیانه است. این نوع سروده ها به گونه همگانی در وزن های عروضی بوده و بحر هایی که برای آن ها انتخاب شده، بحر های کوتاه است. در متن های قدیم تر گفتگو ها و هم چنین روایت داستان به صورت قطعه های چند بیتی تنظیم شده که طول آن ها متفاوت و بیشتر در قالب مسمط، مثنوی، مستزاد و گاه بحر طویل است.



۱. مفهوم ژانر، برگرفته از کلمهٔ فرانسوی و اصل واژهٔ لاتینی (Genus) به معنای نوع، دسته و گونه است. در بررسی‌های ادبی، اصطلاح ژانر به اشکال مختلف به کار می‌رود تا به تمایز میان انواع آثار ادبی و تعیین اقسام آن برحسب شکل، ویژه‌گی‌های فنی و موضوع اشاره کند.
۲. حماسه در لغت به معنای دلاوری، شجاعت و رجز است و در اصطلاح، اثری است که در آن از جنگ‌ها و دلاوری‌های قهرمانان سخن گفته می‌شود.
۳. غنا در لغت به معنای سرود، نغمه و آواز خوش و طرب انگیز است و اثر غنایی به شعر و نثری گفته می‌شود که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر از عشق، دوستی، رنج، نامرادی و هر آنچه روح آدمی را متأثر می‌کند، باشد.
۴. ژانر تعلیمی آن است که هدف آفرینندهٔ آن، آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، اجتماعی، مذهبی یا علوم و فنون باشد.
۵. نخستین وجه مشخصهٔ ژانر نمایشی، ساده‌گی و بی‌پیرایه‌گی در بیان و زبان است. سروده‌های مربوط به این ژانر که بیشتر از زبان مداحان، روضه‌خوانان و تعزیه‌خوانان شنیده می‌شود، اغلب به زبانی ساده و نزدیک به زبان عامیانه است.



درست بنویسیم

- اعداد ترکیبی، تاحد ممکن یکجا نوشته می‌شوند؛ مانند: هفتصد، شش هزار، پنجصد؛ اما در جایی که امکان پیوستن آن نباشد، در آن صورت جدا نوشته می‌شوند؛ مانند: بیست و چهار، هشتصد و یک، دو هزار و یازده؛ همچنان اگر پیش از عدد دومی، «ه» غیرملفوظ قرار داشت در آن صورت نیز جدا نوشته می‌شود؛ مانند: سه صد.
- واحدهای شمارش، توزین و مقیاس جدا نوشته می‌شوند؛ مانند: هفت سیرگندم، سه چارک کشمش، هشت پاو زعفران، یک دانه قلم، شش دست دریشی، ملی گرام، ملی لیتر، کیلو گرام، سانتی متر و....

کار گروهی و سخنرانی



۱. شاگردان در مورد ژانر حماسی در گروه‌ها با هم مباحثه نموده، نتیجه را یک نفر به دیگران بیان نمایند.
- ۲- چند شاگرد به نوبت در باره ژانر نمایشی سخنرانی نمایند.

املا و نگارش



- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲. در مورد «نظافت کوچه‌ها و سرک‌ها» متنی بنویسید که در آن اعداد ترکیبی و واحدهای شمارش حد اقل پنج - پنج بار آمده و از هفت سطر کم نباشد.

خود آزمایی



۱. ژانر را تعریف نموده و موارد کاربرد آن را نام ببرید.
۲. حماسه چیست و در ادبیات به کدام گونه آثار، حماسی می‌گویند؟
۳. آثار غنایی چگونه آثاری را می‌گویند؟
۴. در مورد ژانر تعلیمی و ژانر نمایشی چه می‌دانید؟
۵. اعداد ترکیبی، واحدهای شمارش، توزین و مقیاس چگونه نوشته می‌شوند؟ مثال دهید.

کارخانه‌گی



۱. نمونه کلام «بیدل» (درس چهارم همین کتاب) را مطالعه نموده نظرات خویش را در ده سطر بنویسید که آن شعر مربوط به کدام ژانر ادبی می‌شود.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
دم تیغ است «بیدل» راه باریک سخن سنجی زبان خامه هم شق داد از حرف آفرینی‌ها
بیدل
۳. متن کامل درس بیست و چهارم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس بیست و چهارم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین
سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱. نقد چیست؟ ۲. فرق بین نقد و انتقاد چیست؟
۳. نقد ادبی چه فایده دارد؟ ۴. انواع نقد را نام ببرید.

نقد ادبی

نقد در لغت جدا کردن دینار و درهم، سره از ناسره و تمیز کردن خوب از بد و برگزیدن
بهترین چیز را گویند. توضیح این که در ایام باستان پول در مجموع دو نوع بود. پول نقره
(درهم) و پول طلا (دینار). گاهی در دینار تقلب می‌کردند و به آن مس می‌آمیختند،
که در این صورت عیار طلا پایین می‌آمد. ازین رو جدا کردن سره از ناسره را نقد
نامیده‌اند؛ اما در اصطلاح ادب، نقد عبارت است از تشخیص محاسن و معایب سخن
و نشان دادن بد و خوب یک اثر ادبی.

در گذشته‌ها مراد از نقد به طور معمول این بوده است که معایب اثری را بیان کنند؛
اما در دوران جدید مراد از نقد ادبی نشان دادن معایب اثر نیست (هر چند ممکن است
به این امر هم اشاراتی داشته باشد)؛ زیرا نقد ادبی به بررسی آثار درجه یک و مهم
ادبی می‌پردازد و در این گونه آثار بیش از این که نقاط ضعف مهم باشد نقاط قوت
مطرح است. لذا نقاد ادبی می‌کوشد با تجزیه و تحلیل آن اثر ادبی، نخست ساختار و
معنای آن را برای خواننده گان روشن کند و در قدم دوم قوانینی را که باعث اعتلای
آن اثر ادبی شده است توضیح دهد؛ لذا نقد ادبی از یک سو به کار گرفتن قوانین ادبی
در توضیح اثر ادبی است و از سوی دیگر کشف روش‌های تازه و ممتازی است که
در آن اثر وجود دارد.

در مورد نقد ادبی آن قدر سخن گفته‌اند که امروز یکی از شاخه‌های مطالعات ادبی،
نقدشناسی و بحث در مورد خود نقد است. عیب اثری را گفتن، اثری را وصف کردن،
تجزیه و تحلیل اثر ادبی، دیگر گونه خواندن اثری، تأثر خود را از اثری بیان کردن و...
اما همه این‌ها از یک سو در هر دوره‌یی فرق می‌کند و از سوی دیگر بسته گی به فلسفه
یا سلیقه منتقد دارد؛ طور مثال: (میشل فوکو) نقد را چنین تعریف کرده است: «کار
نقد، آشکار ساختن مناسبات اثر با مؤلف نیست و نیز قصد ندارد تا از راه متون، اندیشه
یا تجربه‌یی را بازسازی کند؛ بلکه می‌خواهد اثر را در ساختار، شکل ذاتی و بازی

مناسبات درونیش تحلیل کند.»

خواننده گان به کمک منتقدان ادبی معیارهایی را به دست می آورند که آثار والا را بشناسند و بدین ترتیب به آثار سطحی توجهی نکنند و این باعث می شود که جریان های فرهنگی و ادبی درمسیر درست خود حرکت کنند و صاحبان ذوق، اندیشه، رأی و نبوغ مقام شایسته خود را باز یابند.

منتقد درتجزیه و تحلیل های خود علل برجسته گی آثار را برای مردم توضیح می دهد و در این صورت گویی غیرمستقیم به مردم می فهماند که چه آثاری فاقد ارزش است. درنتیجه در کشورهایی که نقد ادبی رواج و اهمیت بیشتری دارد وضع نویسنده و شاعر نشر مطبوعات و جریان های فرهنگی معمولاً به درستی پیش می روند.

منتقد ادبی باید دقیق به علوم ادبی آشنا باشد تا از آن ها به عنوان ابزاری در تجزیه و تحلیل عوامل علو اثر ادبی بهره گیرد. منتقد ادبی علاوه بر آشنایی با بخش های مختلف نقد ادبی و علوم ادبی، باید فرد کتاب خوانده یی باشد و با بسیاری از دانش های دیگر چون سیاست، دین، مذهب، جامعه شناسی، فلسفه، روان شناسی و تاریخ آشنا باشد؛ زیرا آثار بزرگ ادبی برخلاف آنچه امروز می گویند فقط به لحاظ ادبی بودن آن ها نیست که شهرت و قبول می یابند؛ بلکه بسیار نکات باریک دیگری نیز وجود دارد، که در تعیین ارزش یک اثر نقش بازی می کند. به قول الیوت: «معیارهای ادبی فقط مشخص می کند که اثری ادبی است؛ ولی عظمت یک اثر تنها با معیارهای ادبی مشخص نمی شود. آیا اهمیت شاهنامه فقط به لحاظ مسایل ادبی است؟

اهمیت و فایده نقد ادبی

۱. نقد ادبی امکان درک نکته های بدیع و لطیف آثار را فراهم می کند. در نتیجه خواننده می تواند از مطالعه آثار ادبی بهره گیرد و لذت ببرد.
۲. ارزش واقعی آثار ادبی را آشکار می کند و مشخص می سازد که رعایت چه قواعد و اصولی سبب شده تا اثری مورد قبول واقع شود و یا وجود چه عواملی سبب شده تا اثری مورد بی اعتنایی قرار گیرد.
۳. نقد ادبی، وقتی مفید و دارای ارزش و اهمیت خواهد بود که بی طرفانه و دور از اغراض باشد.
۴. نقد ادبی، گذشته از این که سازنده و دارای اهمیت فراوان است، گاهی خود، نوعی آفرینش هنری نیز به شمار می رود.

انواع نقد یا مکتب‌های نقادی

• نقد ساختاری

نقد ساختاری به نقدی گفته می‌شود، که مربوط به شکل ظاهر و صورت‌های عینی یک اثر ادبی باشد و آن خود نیز دارای گونه‌هایی است به شرح زیر:

۱. نقد لغوی: بررسی و ارزیابی کاربرد زبان و اصول و قواعد آن در یک اثر ادبی است و همه انواع آثار ادبی (نظم و نثر) را شامل می‌شود.

۲. نقد فنی: بررسی چگونگی کاربرد فنون بلاغی در شعر، نثر که میزان ارزش و اعتبار آن‌ها است.

۳. نقد زیباشناسی: بررسی جوهر هنر، به دور از محتوای خاص آن است. ریشه و اساس این شیوه نقادی را می‌توان در نظریه‌های «کالریج» انگلیسی و «ادگار آلن پوی» آمریکایی دریافت.

• نقد معنایی

نقد معنایی به نقدی گفته می‌شود که با محتوا و درون‌مایه اثر ادبی ارتباط دارد و آن نیز دارای گونه‌های زیرین است:

۱. **نقد اخلاقی:** از قدیمی‌ترین شیوه‌های نقد ادبی است. درین نوع نقد ارزش‌های اخلاقی، اصل و ملاک نقادی شمرده می‌شود. افلاطون در شعر و درامه به تأثیر اخلاقی و اجتماعی اثر توجه می‌کند و ارسطو نیز معتقد است که هدف شعر باید تصفیه و تزکیه نفس باشد. در اروپا، اهل کلیسا در قرون وسطی شعر را به سببی که در خدمت اخلاق نبوده، غذای شیطان و مایه فساد و ضلالت می‌دانند.

۲. **نقد اجتماعی:** عبارت است از نشان دادن ارتباط ادبیات با جامعه و تأثیر جامعه در ادبیات و هم‌چنین تأثیر ادبیات بر جامعه. (میپولیت تِن) از منتقدان مشهور نقد اجتماعی است و ادبیات را محصول سه عامل (زمان، محیط اجتماعی و نژاد) می‌داند.

۳. **نقد تاریخی:** اگر منتقدی برای تحلیل اثر ادبی، حوادث یا امور مربوط به تاریخ را مورد بررسی قرار دهد و به بحث در باب حیات شاعر و نویسنده و معاصران او و روابط او با هم‌عصران و یا احیاناً به تحقیق در باب اسناد و مدارک و چند و چون صحت و سقم نسخه یا نسخ کتاب و چگونگی وجود تحریف و تصحیف و تصحیح اثر و جستجوی اشارات و حوادث تاریخی و به بحث‌هایی ازین قبیل پردازد، به نقد تاریخی پرداخته است.

۴. **نقد روانشناسی:** درین شیوه، نقاد سعی می‌کند جریان باطنی واحوال درونی شاعر ونویسنده را درک و بیان نماید و قدرت و استعداد هنری و ذوق و قریحه او را سنجیده، نیروی عواطف و تخیلاتش را تعیین نماید و ازین راه تأثیری را که محیط و جامعه و سنت‌ها وموارث درتکوین این جریان‌ها دارند مطالعه کند.

توضیحات

در دوره‌های ما قبل اسلامی، شعرا و ادبای عرب عادت داشتند، که درسوق عکاظ گردهم می‌آمدند و به خوانش اشعار، قصاید و سروده‌های خویش می‌پرداختند. آنگاه برگزیده‌ترین اشعارشان از زیر ذره‌بین منتقدان ادبی که خود بزرگترین استادان عرصه شعر وادب آن روزگار به شمار می‌رفتند می‌گذشت و اگر داوران بر قوت و پخته‌گی آن شعر نظر می‌داشتند، پس آن شعر را با آب طلا نوشته و بر دیوار کعبه می‌آویختند، که این خود نشانه عظمت و بزرگی شاعر و مایه مباهات و افتخار قبیله وی بود. البته درطول تاریخ، صرف هفت پارچه شعر توانسته که خود را به دیوار کعبه بیاویزد، که مجموعه آن اشعار را به نام «سبعه معلقه» یاد می‌کنند و این هفت پارچه شعر، قویترین و نخبه‌ترین آثار درعرصه شعر کلاسیک عرب به شمار می‌روند، که تاکنون صدها رساله و کتاب و مجلدات در شرح و تفسیر و توصیف و بیان ظرایف و قوت ادبی آن‌ها به رشته تحریر در آمده است.



بخوانیم و بدانیم

۱. نقد در لغت جداکردن دینار و درهم و سره از ناسره و تمیز کردن خوب از بد و برگزیدن بهترین چیز را گویند.
۲. در گذشته‌ها مراد از نقد این بوده است که معایب اثری را بیان کنند؛ اما در دوران جدید نقد ادبی به بررسی آثار درجه یک ومهم ادبی می‌پردازد و بیش از این که متوجه نقاط ضعف باشد، متوجه نقاط قوت است.
۳. خواننده گان به کمک منتقدان ادبی معیارهایی به دست می‌آورند که آثار والا را بشناسند و به آثار سطحی توجهی نکنند و این باعث می‌شود که جریان‌های فرهنگی و ادبی در مسیر درست خود حرکت کنند.
۴. منتقد ادبی باید دقیقاً به علوم ادبی آشنا باشد تا از آن‌ها به عنوان ابزاری در تجزیه و تحلیل عوامل علو آن اثر ادبی بهره گیرد.

۵. نقد ادبی، مانع از آن می‌شود که گزافه‌گویان و مدعیان دروغین بتوانند آثار بی‌ارزش خود را به جوینده‌گان آثار برجسته ادبی عرضه کنند.
۶. نقد ادبی، وقتی مفید و دارای ارزش و اهمیت خواهد بود که بی‌طرفانه و دور از اغراض باشد.

درست بنویسیم



- نوشتن اعداد ترتیبی (۱۱ - ۱۹) به گونه‌های زیر نادرست است:

 ۱. یازده هم، دوازده هم، سیزده هم، چهارده هم، پانزده هم، شانزده هم، هفده هم، هژده هم، نزده هم.
 ۲. یازده ام، دوازده ام، سیزده ام، چهارده ام، پانزده ام، شانزده ام، هفده ام، هژده ام، نزده ام.

زیرا آن که به «-م» پسوندی باید پیوندد، همان «ه» آخری عدد است، و علاوه نمودن یک «ه» یا «الف» دیگر نه موردی دارد و نه ضرورتی؛ پس باید این گونه اعداد را همیشه با صورت درست آن؛ یعنی: به شکل یازدهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم و... نوشت.

کار گروهی و سخنرانی



۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده، درمقابل هم قرار گیرند و در مورد پرسش‌های زیر باهم بحث و گفتگو کنند؛ سپس از هر گروه یک نفر، موارد اتفاق نظرها و نفر دیگر موارد اختلاف نظرهای شان را به دیگران انتقال دهند.



- وظیفه منتقد در بررسی یک اثر ادبی چیست؟
- چرا نقد تاریخی به تنهایی قادر به درک و تحلیل واقعی یک شاهکار ادبی نیست؟ با ذکر دلایل واضح سازید.
- ۲. تصویر مقابل را با موضوع «تراکم

نفوس» ارتباط داده، در مورد آن سخنرانی کنید.

املا و نگارش



۱. متنی را که در کتاب رهنمای معلم آمده است، باخوانش معلم گرامی، به صورت املا بنویسید.
۲. در مورد «وظایف منتقد ادبی» متنی در هفت سطر بنویسید، که حد اقل سه بار اعداد ترتیبی در آن به کار رفته باشد.

خود آزمایی



۱. به نظر شخصی شما نقد ادبی چگونه باید باشد؟
۲. تفاوت‌های عمده میان نقد ساختاری و نقد معنایی را شرح دهید؟
۳. از انواع نقد ادبی کدام یک مربوط به شکل ظاهر اثر است و کدام یک با محتوا یا درون‌مایه اثر ارتباط دارد؟

کارخانه‌گی



۱. یک داستان کوتاه از یک نویسنده افغان را زیر نقد اخلاقی قراردادده و نتیجه آن را در حد اقل یک صفحه بنویسید.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:
دانشا چون دریغم آیی از آنک
بی‌بهای و لیک از تو بهاست
بادب را ادب سپاه بس است
بی‌ادب با هزار کس تنهاست
شهادت بلخی
۳. متن کامل درس بیست و پنجم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین
سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
۱. ادبیات قرن سیزدهم و چهاردهم از یکدیگر چه تفاوت دارد؟
 ۲. در قرن چهاردهم کدام انواع ادبی در ادبیات ما راه یافت؟
 ۳. نخستین داستان کوتاه توسط چه نوشته شد و چه عنوان داشت؟

ادبیات دری در قرون ۱۳ و ۱۴

سده سیزدهم هجری قمری از روزگاران پر آشوب و بی سامان تاریخ کشور ما دانسته می‌شود. در میان دو انجام این سده، یعنی در درازای سال‌های (۱۲۰۱ - ۱۳۰۰) سرزمین ادب خیز و هنر پرور ما به قدرت‌ها تبدیل شده بود و در سده سیزدهم با همه آشفته حالی و فرو ریخته گی نظام اجتماعی و بی تفاوتی اختیارمندان جامعه، به مسئله فرهنگ و ادب، کسانی وجود داشتند که راجع به این امر سترگ می‌اندیشیدند و از هر امکان و مجالی برای آفرینش آثار ادبی، سود می‌گرفتند و نگهداری میراث گرانبهای گذشته گان را وجیه خود می‌دانستند.

با یک بررسی ابتدایی می‌توان ملتفت شد که در امتداد سده سیزدهم، بیش از سه صد تن افراد متفکر و صاحب نظر و با فضیلت به سر می‌برده اند که همه دارای قریحت و طبیعت و اهل سخن و ادب بوده و آثاری از خویش برجای نهاده اند؛ البته می‌توان یادآور شد که نسبت نابه سامانی وضع اجتماعی و عدم شرایط لازم برای رشد و پرورش اهل فضل و ادب، آثار بیشتر این افراد از توانایی بیان و هنر زبانی بهره چندان نداشتند؛ اما هر کدام ادبیات ما را غنا می‌بخشد و در بررسی ادب این عصر، نمی‌توان آن‌ها را نادیده انگاشت.

ازین سخن سرایان آثار زیادی برجای نمانده و مقداری از آن‌ها که مورد اعتنا تواند بود، بر اثر حوادث متوالی و دردناک سده سیزدهم از میان رفته و نابود شده اند و بخشی دیگر از آن، شاید به صورت شخصی در تصرف کسان و در میان صندوق‌ها و جاهای امن محفوظ باشد که شناسایی آن‌ها نیز به ساده گی میسر و مقدور بوده نتواند و بی گمان به علت این از میان روی و نابودی آثار، هویت و نشان شماری از پدید آورنده گان آن‌ها نیز در حجاب نیستی پوشیده مانده است و آنچه امروز از آن همه نوشته‌ها در دسترس است، بخشی و برشی از یک میراث عظیم و پر بها است.

در میان آنانی که تمامی یا بیشتر آثارشان از گزند رویدادهای نیستی آور در امان مانده است، چهره‌های درخشان و نام‌های ماندگاری هم دیده می‌شوند که نام و کارشان ادب زمان را رنگینی می‌دهد و آبرو می‌بخشد.

از شایسته گی به دور نمی‌نماید که این چهره‌ها و نام‌ها به حیث نمایانگران سزاوار ادب دری در سده سیزدهم به شمار آورده شوند: میرزا محمد نبی دبیر متخلص به واصل، میر مجتبی الفت، محمد محسن دبیر، ادیب پیشاوری، جنیدالله حاذق، عبدالواحد صدرصریر، لعل محمد عاجز، محمد نبی احقر، حبیب الله آخندزاده یا محقق قندهاری، مهردل مشرقی، عبدالواسع طیب، ولی طواف کابلی، گل محمد افغان، میر هوتک افغان، حمید کشمیری، کلب علی شرر جغتویی، غلام محمد طرزی، میر ظهورالدین ظهورانصاری و امثال این‌ها.

اما ادبیات سده چهاردهم در مقایسه با ادبیات سده سیزدهم شگوفا و پربار بوده است. در دهه‌های وسطی این سده، تکلفات مصنوع و منشیانه سده گذشته در شعر و نثر کنار گذاشته شده و ساده‌نویسی آغاز می‌یابد، انواع دیگر ادبی؛ مانند: داستان کوتاه، طنز، شعر نو و اندکی بعدتر رمان‌نویسی در ادبیات راه بازمی‌کند و معانی و مفاهیم نو در شعر گنجانیده می‌شود. هرچند تعدادی از شعرا باز هم به تقلید از گذشته‌گان، شعرهایی با همان ساخت و ریخت قدیم می‌سرایند.

در این دوره شاعران دیگری داریم که البته تمام توجه خود را معطوف به غزل‌سرایی و قصیده‌سرایی و مثنوی‌سرایی نکرده‌اند؛ اما بخش قابل توجه آثارشان در همان قالب‌ها سروده شده است؛ اما وقتی که شعر این دسته شاعران را می‌خوانیم زبان و تعبیرها و بافت‌های زبانی، اقلیم فکری، تصویرها در بسا موارد شیوه نگرش در غزل و قصیده طرف جامعه و طرف طبیعت طرف فرد انسان‌ها تفاوت دارد. با رعایت تمام موازینی که فرزانه‌گان گذشته ما برای غزل یا برای قصیده تعیین کرده بودند و حدود و ثغور خاصی به وجود آورده بودند. اسناد دست داشته نشان می‌دهند در افغانستان سه شاعر، اولین مردمانی استند که نخستین شعرهای نو را در افغانستان سرودند. نخستین شاعر استاد خلیل الله خلیلی است، با این شعر معروفش:

شب اندر دامن کوه - درختان سبز و انبوه

ستاره روشن و مهتاب

در پرتو فشانی

شب عشق و جوانی

شاعر دومی استاد محمد یوسف «آینه» است که او نیز دو شعر دارد: یکی «بهار کابل» و شعر دیگرش در باره استقلال است، و شاعر سومی هم فتح محمد منتظر. در مورد طنز باید گفت تا هنگامی که هنوز ماشین چاپ در افغانستان وجود نداشت و حتی خواندن روزنامه و تحصیل در مکاتب امری عام نشده بود، از طنز به گونه پذیرفته شده امروزی آن خبری نبود. در شهرها و روستاهای افغانستان هزاران کتاب خطی چاشنی زنده گی فرهنگی مردم بود. در مدارس دینی و مساجد در کنار علوم دینی، بوستان و گلستان سعدی، دیوان حافظ و بهارستان جامی تدریس می شد؛ همین سان شهنامه خوانی و مثنوی خوانی در شب های زمستان یکی از عادات مردم بود. بعدها حاجی اسماعیل سیاه هراتی و شایق جمال، با وصف حاکمیت سانسور، توانستند طنز منظوم را رواج بدهند. سپس ضیاء قاریزاده، عبدالصبور غفوری، مینه ور، غلام علی امید، شایق جمال، شیرعلی قانون، طالب قندهاری، ناصر نصیب، و ده ها شاعر دیگر تلاش کردند، تا با انعکاس دادن مشکلات زنده گی و ناهنجاری های اجتماعی طنز منظوم بیافرینند.

و اما سرگذشت داستان کوتاه غیر ازین است. در نخستین اثر داستانی «جهاد اکبر» از مولوی محمد حسین که در چندین شماره پیهام مجله «معرف معارف» به نشر می رسید، با وجود پیشرفت نسبی، نشانه هایی از روایات و قصص قدیم و آثار کهن و باستانی و استفاده از امثله و حدیث و شعر و واژه های عربی و استشهاد و صنعت مرسل دیده می شود. در دومین داستان دری «تصویر عبرت» پیشرفت زبانی چشمگیر است. در این اثر توصیف و گفتگوها ساده، زنده و جاندار است. از نثر ساده و موجز استفاده شده و از اصطلاحات و تعبیرهای عامیانه بهره ها جسته است. «جشن استقلال بولیویا» اثر مرتضی احمد محمدزایی و «ندای طلبه معارف» از محیی الدین انیس گرچه از نظر شکل و محتوا سنت شکن استند و با زبان و سبکی تازه نگارش یافته و پدیده نوینی به شمار می آیند؛ ولی با ادبیات کهن پیوند شان را حفظ کرده اند و به خوبی از یک مرحله گذرای ادبی اجتماعی نماینده گی می کنند.

در این دوره نثر ساده و فصیح در ادبیات داستانی رواج می گیرد زبان داستانی از پیشرفت لازم بشارت می دهد و روحیات و آمال گروه های مختلف اجتماعی را صریح و هنری ترسیم می کند. نمونه آن، آثار سلمان علی جاغوری، عزیز الرحمن فتحی، نجیب الله توروایانا، محمد شفیع رهگذر، محمد عثمان صدقی، محمد حیدر ژوبل، محمد حسین غمین، عبدالغفور برشنا، علی احمد نعیمی، میر محمد صدیق فرهنگ، ماگه رحمانی و آثار نویسنده گان دیگر این دوره است.

به هر صورت نثر داستانی در این دوره دارای خصایص زیر می باشد:

۱. کلمات و واژه‌های فارسی دری آن بر عربی غلبه کلی دارد.
۲. فیصدی ناچیز لغات عربی و بقیه دری خالص است.
۳. لغات دری آن بیشتر ساده و روان است و واژه‌هایی به کار برده شده که در گفتگوهای روزانه رواج کامل داشته است.
۴. از موازنه، مترادفات، سجع و دیگر صنایع ادبی خالی است.

توضیحات

تعریف طنز: ادبیاتی که در آن عیوب فردی و اجتماعی در پوشش ظرافت و خنده هنرمندانه به تصویر کشیده شده و گوینده، اصلاح این عیوب و دگرگون سازی اعمال و افکار انسان‌ها را هدف خویش قرار داده باشد، ادبیات طنز گونه است.



بخوانیم و بدانیم

۱. حالت ادبی افغانستان چه نظم و چه نثر در این دوره فترت ادبی یا سده سیزدهم رو به ضعف و سقوط می‌رفت. غزل‌ها به تقلید متأخرین اکثر بسیار سست و قصاید کم‌پایه و کم‌مایه سروده می‌شد.
۲. اما ادبیات سده چهاردهم شگوفا و پربار بوده است. در این سده، تکلفات مصنوع و منشیانه سده گذشته در شعر و نثر کنار گذاشته شده و ساده‌نویسی آغاز می‌یابد، انواع دیگر ادبی؛ مانند: داستان کوتاه، طنز، شعر نو و رمان‌نویسی در ادبیات راه باز می‌کند و مفاهیم نو در شعر گنجانیده می‌شود.
۳. در افغانستان سه شاعر، اولین کسانی هستند که نخستین شعرهای نو را سرودند. نخستین شاعر استاد خلیل الله خلیلی، دومی محمد یوسف «آینه» و شاعر سومی فتح محمد منتظر است.
۴. نثر داستانی در این دوره دارای خصایص زیر می‌باشد: کلمات و واژه‌های دری آن بر عربی غلبه کلی دارد؛ فیصدی ناچیز لغات عربی و بقیه دری خالص است؛ لغات دری آن غالباً ساده و روان بوده و واژه‌هایی به کار برده شده که در گفتگوهای روزانه رواج کامل داشته است؛ از موازنه و مترادفات و سجع و دیگر صنایع ادبی خالی است.

درست بنویسیم



- پسوند تنکیر (نکره) در پیوستن با واژه‌های پایان یافته با الف ممدوده، الف مقصوره، واو، «ی» و‌های غیرملفوظ، با دو «ی» و به شکل «یی» نوشته می‌شود؛ مانند:
- با الف ممدوده: آشنا + ی (میانوند واسطه) + ی «پسوند تنکیر» = آشنایی؛ مانند: من این کتاب را از آشنایی به عاریت گرفته‌ام.
- با الف مقصوره: در این گونه واژه‌ها، یای آخر واژه به الف ممدوده مبدل گردیده و قاعده الف ممدوده بران تطبیق می‌شود؛ مانند: شوری - ی + ا (= شورا) + ی (میانوند واسطه) + ی «پسوند تنکیر» = شورایی؛ مانند: درتصویب این قطعنامه، شورایی دست داشته است.
- با واو: اگر پیش از «و» حرفی مضموم قرار گرفته باشد، در آن صورت پسوند تنکیر را باید به شکل «یی» نوشت؛ مانند: هندو + ی (میانوند واسطه) + ی «پسوند تنکیر» = هندویی؛ مانند: هندویی به معبد خویش رفت.
- اما اگر پیش از «و» حرفی مفتوح قرار گرفته باشد، در آن صورت تنها پسوند تنکیر به پایان واژه علاوه می‌شود و برای نوشتن یای میانوند واسطه ضرورتی نمی‌افتد؛ مانند: رهرو + ی (پسوند صفت نسبتی) = رهروی؛ مانند: رهروی از سقوط درخت کنارجاده مرا آگاه ساخت.

- باهای غیرملفوظ: خاطره + ی (میانوند واسطه) + ی «پسوند تنکیر» = خاطره‌یی؛ مانند: من از آن روزگار، خاطره‌یی به یاد دارم.
- با ی: حاجی + ی (میانوند واسطه) + ی «پسوند تنکیر» = حاجی‌یی؛ مانند: این تسبیح را حاجی‌یی به من بخشیده است.

کار گروهی و سخنرانی



۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده باهم بحث و گفتگو کنند. گروه اول ادبیات قرن سیزدهم و گروه دوم ادبیات قرن چهاردهم را با ادبیات معاصر مقایسه کنند؛ سپس از هر گروه یک نفرشان نتیجه را به دیگران انتقال دهد.



۲. شاگردان این تصویر را با موضوع «افغانستان در مسیر تاریخ» ارتباط داده، چند تن شان در برابر صنف سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خویش بنویسید.
۲. در مورد «تحولات ادبی قرن چهاردهم» متنی در حد اقل هفت سطر بنویسید.

خود آزمایی

۱. حالت ادبی افغانستان در سده سیزدهم چگونه بود؟
۲. در ادبیات سده چهاردهم چه تحولاتی رونما گردید؟
۳. نخستین کسانی که در افغانستان شعر نو سرودند، چه کسانی بودند؟ نام ببرید.
۴. پسوند تنکیر در پیوستن با واژه های پایان یافته با های غیر ملفوظ، چگونه نوشته می شود؟

کارخانه گی

۱. این بیت را اساس قرار داده در مورد چند سطر بنویسید:
خنک نیک بختی که در گوشه یی به دست آرد از معرفت توشه یی
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
خمی به دوش ادب بند و سیر عزت کن ز آسمان به همین نردبان هلال گذشت
۳. متن کامل درس بیست و ششم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیری.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گویی پرسش‌های زیر باشد و در آخر همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:
- ۱- چگونه می‌توان کشور را توسعه و ترقی داد؟ ۲- نقش جوانان را در انکشاف و پیشرفت کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟
 - ۳- جوانان چگونه خود را آمادهٔ بازسازی کشور کنند؟
 - ۴- جوانان از چه ظرفیتهایی برخوردار اند؟
 - ۵- بر ضد جهل و فقر چه باید کرد؟
 - ۶- باید روی کدام قشر اجتماعی سرمایه‌گذاری صورت گیرد؟

نقش جوانان در انکشاف و ترقی کشور

با توجه به این که جوانان از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل فراوانی، همانند تربیت و مسئولیت‌پذیری، انرژی و توانایی، وجدان کاری، سازگاری اجتماعی و مشارکت‌پذیری فعال برخوردارند و جامعه سرمایه‌های انسانی و علمی دارند. سرشت جوانان چون زمینی غنی و پاک می‌باشد که امکان رشد هرگونه بذری در آن وجود دارد. امروز نبض کشور و پیشرفت و توسعهٔ جامعه به دست جوانان آگاه و سخت‌کوش رقم خواهد خورد که با جدیت و درایت، زمینه‌های سربلندی و ترقی و پیشرفت کشور را فراهم می‌سازند و به توفیق و تأیید الهی در صنوف درسی و محافل علمی، فرهنگی، اجتماعی و... با تعامل و نشاط فراوان حضور فعال و مستمر داشته و در افق آیندهٔ کشور، یک افغانستان آباد و پر نعمت را ترسیم خواهند کرد.

یکی از راه‌های پیشرفت و ترقی کشورها سرمایه‌گذاری به خاطر تربیت و آموزش جوانان و نسل آیندهٔ شان می‌باشد. نسل جوان به عنوان نیروی فعال و متحرک، پرتلاش و با احساس می‌تواند نقش خوبی در توسعه و پیشرفت یک جامعه داشته باشد. با پایان یافتن سه دهه ناامنی در افغانستان و به وجود آمدن زمینهٔ تحصیل، جوانان کشور روز به روز به رشد و انکشاف کشور، علاقه‌مند به تأسیس مراکز فرهنگی و یا اقدام به ایجاد انجمن‌ها و اتحادیه‌های جوانان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور بیشتر فعال گردیده اند.

افغانستان به جوانان نیاز دارد. جوانان متقابلاً در عرصه‌های یاد شده با همت اند و پشت کار دارند. جوانان اند که صلح در کشور تأمین خواهد شد و کشور به پیشرفت

و سعادت خواهد رسید. جوانان باید در تنظیم، انسجام، وحدت و هماهنگی خویش و سایر اقشار و طبقات جامعه بکوشند. ملی بیندیشند، باتفاهم و احترام به نظرات یکدیگر با تبادل افکار و اندیشه‌های شان به منظور هم‌آهنگی میان شان تلاش ورزند تا افغانستان را آباد سازند. جوانان و نوجوانان چشمه جوشان نیرو و استعداد استند، جوان یعنی آینده. جوان خوب برای یک کشور پیشرفته؛ یعنی آینده خوب. جوانان و نوجوانان ما اهل فکر کردن، دریافتن و تحلیل کردن باید باشند این هم امتیاز دیگری است. جامعه ما بحمدالله از میلیون‌ها جوان دختر و پسر برخوردار است، این مایه افتخار برای مردم ما است باید به وجود این همه جوان اعم از دختر و پسر، ببالیم و افتخار کنیم و جوانان هم باید به کشور شان و به مردم شان ببالند و آینده را بسازند. آینده با حرف ساخته نمی‌شود؛ بلکه با کار هوشمندانه و مؤمنانه ساخته می‌شود. جوانان باید کار کنند، آن‌هم کار هوشمندانه و برخوردار از نیروی ایمان، عمل صالح، عشق و علاقه به میهن و تأمین وحدت ملی و هماهنگی و پشت کار و مساعی و تلاش‌های خسته‌گی ناپذیر شباروزی برای عبور از دشواری‌ها.

جوانان باید در توسعه و پیشرفت و بازسازی کشور نقش مهم و سازنده شان را ایفا نمایند، صلح و امنیت دایمی و سرتاسری را در کشور تأمین کنند، بر ضد جهل و فقر و سایر مفساد اجتماعی و اخلاقی دست به مبارزه مستمر و بی‌امان بزنند. این نیروها در سال‌های طلایی عمر خود قرار دارند و خدای متعال هم با جوانان مسلمان و متعهد کمک خواهد کرد و این فرصت مهم و ارزشمند را نباید از دست بدهیم. جوانان همیشه در جامعه خود صادق بوده اند و صداقت را دوست داشته اند.

وظیفه جوانان است که علی‌رغم موانع و توفان‌ها و حوادث و مشکلات به مسؤولیت‌های خود عمل کنند و از زیر بار مسؤولیت و امانت‌داری شانه خالی نکنند و در راه اعمار و بازسازی کشور گام بردارند.

- تَوْضیحات**
- ۱- بالقوه: به قوت، به حالت قوت، اثری که در چیزی که پنهان باشد و هنوز بروز نکرده باشد، مقابل بالفعل.
 - ۲- بالفعل: فعلاً، اکنون و در حال حاضر، مقابل بالقوه.



بیاموزیم

- ۱- جوانان از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل فراوانی مانند: تربیت و مسؤولیت‌پذیری، وجدان کاری، سازگاری اجتماعی و مشارکت‌پذیری فعال برخوردار اند؛ بنابراین

- سهم بالایی در شکل‌دهی سرمایه‌های انسانی و علمی داشته باشند.
- ۲- سرشت جوانان چون زمینی، غنی و پاک می‌باشد که امکان رشد هر گونه بذری از آن وجود دارد.
- ۳- پیشرفت و توسعهٔ جامعه به دست جوانان آگاه و سخت‌کوش رقم خواهد خورد که با جدیت و درایت زمینهٔ رشد و انکشاف کشور را فراهم می‌سازند.
- ۴- جوانان در تمام عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اعمار و بازسازی کشور نقش سازنده ایفا می‌نمایند.

درست بنویسیم



- پسوند اسم معنا «ی» در پیوستن با مصوت‌ها و «های» غیر ملفوظ سه شکل زیرین را به خود می‌گیرد:
- ۱- در پیوستن با واژه‌های پایان یافته با الف ممدوده، الف مقصوره و «واو» با دو «ی» و به شکل «یی» نوشته می‌شود؛ مانند:
- بینا + ی (میانوند واسط) + ی (پسوند اسم معنا) = بینایی؛ مانند: او بینایی خویش را دوباره یافت.
- با الف مقصوره: در این گونه واژه‌ها، یای پایانی واژه به الف ممدوده مبدل گردیده و قاعدهٔ الف ممدوده بر آن تطبیق می‌شود، مانند:
- لیلی ی = ا (لیلا) + ی (میانوند واسط) + ی (پسوند اسم معنا) = لیلایی؛ مانند: لیلایی از هر خوبرویی بر نمی‌آید.
- با واو: اگر پیش از «و» حرفی مضموم قرار گرفته باشد، در آن صورت پسوند اسم معنی را باید به شکل «یی» نوشت؛ مانند:
- خوشبو + ی (میانوند واسط) + ی (پسوند اسم معنی) = خوشبویی؛ مانند: خوشبویی گلاب مرا به یاد سرزمین کودکی‌هایم می‌اندازد.
- اما اگر پیش از «و» حرفی مفتوح قرار گرفته باشد، در آن صورت تنها پسوند اسم معنی به پایان واژه علاوه می‌شود و برای نوشتن «ی» میان‌وند واسط ضرورتی نمی‌افتد؛ مانند: خسرو + ی (پسوند صفت نسبی) = خسروی؛ مانند: خسروی از هر شهنشاهی نمی‌آید پدید.
- ۲- هنگام پیوستن پسوند اسم معنا «ی» با واژه‌های مختوم با «های» غیر ملفوظ «های» پایانی واژه به «گ» تبدیل نمی‌شود؛ مانند:
- زنده + گ + ی (پسوند اسم معنا) = زنده‌گی؛ مانند: زنده‌گی بدون عشق هیچ مفهومی ندارد.
- ۳- هنگام پیوستن پسوند اسم معنا «ی» با واژه‌های مختوم به «ی» میان واژه و پسوند

حرف دیگری علاوه نگردیده، به صورت پیوسته با واژه نوشته می‌شود؛ اما هنگام خواندن، با فشار بیشتری تلفظ می‌شود؛ مانند:
حاجی + ی (پسوند اسم معنی) = حاجیی؛ مانند: حاجیی تنها با طواف کعبه حاصل نشود.

کار گروهی و سخنرانی

- ۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون نقش جوانان در جامعه و کشور به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بیان کنند.
- ۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده پیرامون صلح و امنیت و تأمین کننده گان آن معلومات مناسب ارائه کنند.
- ۳- چند تن از شاگردان در مورد تصویر بالا سخنرانی کنند.



املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
- ۲- با در نظر داشت قواعد املایی که خواندید، متنی را که در آن نگارش «یی» مصدری آمده باشد، بنویسید.

خود آزمایی

- ۱- نقش جوانان را در جامعه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ توضیح دهید.
- ۲- بیشترین انقلاب و دگرگونی را کدام نسل در جامعه به وجود می‌آورند؟
- ۳- در مورد کاربرد درست «ی» مصدری با ارائه مثال‌ها معلومات دهید.
- ۴- جوانان چگونه در جامعه و کشورشان افتخار می‌آفرینند؟

کار خانگی

- ۱- در باره نقش جوانان در کشور معلومات مفصلی بنگارید.
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:
خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای فردوسی
- ۴- متن کامل درس بعدی را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. دکتور جاوید کی بود؟
۲. کارکردهای او در کدام عرصه‌ها قابل اهمیت است؟
۳. او در کجا درس خواند و در کجا وفات یافت؟
۴. او چه کارهایی را انجام داد؟
۵. او به کدام درجات علمی دست یافت؟
۶. نظریه شخصی شما در مورد او چیست؟

دکتور عبدالاحمد جاوید



دکتور عبدالاحمد جاوید، فرزند میرزا عبدالصمد خان، درنهم جدی سال ۱۳۰۵ هـ. ش. در محله «پایان چوک» کابل زاده شد؛ اما بیشتر ایام کودکی و نوجوانی را در محله «ریکاخانه» کابل گذرانید و به این سبب، بهترین خاطرات دوره زنده گی خود را از همین محله داشت.

جاوید دوران آموزش‌های ابتدایی را در مکتب شماره ۲ و متوسطه و لیسه را در مکتب حبیبیه به پایان رسانید. او در شانزده ساله گی به سرودن شعر آغاز کرد؛ اما در آن زمان اثری منتشر نکرد. مدتی بعد این وادی را رها کرد و به تحقیق و پژوهش روی آورد.

در سال ۱۳۲۲ هـ. ش. شامل پوهنخی ادبیات پوهنتون کابل شد و پس از یک سال تحصیل با استفاده از یک بورس تحصیلی به ایران رفت و در رشته حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. علاقه فراوان او به ادبیات، سبب شد که همزمان در دو رشته حقوق و ادبیات به تحصیلات خود در تهران ادامه دهد.

وی در سال ۱۳۲۹ هـ. ش. پس از به دست آوردن لیسانس از دانشگاه تهران، به همراهی شادروان «استاد سعید نفیسی» به افغانستان بازگشت و به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۳۱ هـ. ش. دوباره به تهران برگشت و موفق شد که دکتورای ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران به دست آورد.

در سال ۱۳۴۵ هـ. ش. به حیث استاد زبان دری، به دانشگاه تاشکند رفت که تا سال ۱۳۴۸ هـ. ش. تدریس زبان را در تاشکند ادامه داد.

استاد جاوید، عمر گرانبایه اش را بی دریغ در راه تتبع و پژوهش جهت روشن ساختن هویت ملی و فرهنگی کشور صرف کرد. پیوسته تلاش می‌ورزید که از لابه‌لای متون و نصوص تاریخی و با اعتبار حقایق انکارناپذیر علمی را به دست آورد. در راه رسیدن به این هدف والا و انسانی از دشواری‌ها نهراسید؛ زیرا باور داشت که پاسداری از هویت فرهنگی ملت‌ها، ضامن استقلال و آزادی آن‌ها است.

استاد جاوید افزون بر زبان مادری، (فارسی دری) به زبان‌های پشتو، انگلیسی، عربی، فرانسوی و تا حدودی به زبان روسی آشنا بود و ترجمه‌هایی از انگلیسی و پشتو به دری دارد.

وظایف رسمی

دکتر عبدالاحمد جاوید در افغانستان مقام و مدارج علمی را یکی پی دیگر به دست آورد. در سال ۱۳۴۰ هـ.ش. موفق به کسب رتبه علمی پوهاند گردید. در سال ۱۳۶۵ هـ.ش. از سوی اکادمی علوم افغانستان به عنوان اکادمیسین و در سال ۱۳۶۶ هـ.ش. از سوی وزارت اطلاعات و کلتور، لقب «کارمند شایسته فرهنگ» را حاصل کرد.

از دیگر فعالیت‌های رسمی و علمی دکتر عبدالاحمد جاوید، می‌توان از عضویت وی در شورای بررسی کتب درسی وزارت معارف، عضویت در انجمن دوستی افغانستان و سازمان ملل متحد، عضو لویه جرگه، عضو افتخاری انجمن نویسنده‌گان افغانستان، عضو انجمن دوستی افغانستان و فلسطین نام برد. ریاست پوهنتون کابل نیز از فعالیت‌های دیگر استاد جاوید است. در زمان ریاست او، نوآوری‌های چشمگیری در فضای پوهنتون کابل به وجود آمد. انتشار مجلات پوهنتونی یا دانشگاهی، چاپ کتاب‌های علمی، تاسیس پوهنخی هنرهای زیبا و توسعه کتابخانه پوهنتون یا دانشگاه از مهمترین دستاوردهای دکتر جاوید حساب می‌گردد.

استاد جاوید در سال ۱۳۶۷ هـ.ش. از افغانستان به پاکستان رفت و بعد در لندن، اقامت اختیار نمود. در سال‌های حضور در خارج از افغانستان هم دست از فعالیت‌های فرهنگی برنداشت. حضور و سخنرانی وی در ده‌ها سیمینار که در کشورهای مختلف در زمینه‌های گوناگون برگزار شد، از مهمترین کارهای این استاد بود.

سرانجام استاد عبدالاحمد جاوید، در شامگاه چهارشنبه ۹ اسد سال ۱۳۸۱ هـ.ش. بر اثر بیماری سرطان در سن هفتاد و پنج سالگی در شهر لندن وفات یافت. پیکر استاد را به کابل منتقل کردند و در روز ۱۳ اسد همان سال در شهدای صالحین شهر کابل به خاک سپرده شد.

آثار و نوشته‌های استاد جاوید

از پروفیسور دکتور عبدالاحمد جاوید، آثار فراوانی به گونه کتاب و رساله، مقالات، و سخنرانی‌ها در داخل و خارج کشور برجا مانده است. نگرشی بر کارکردهای استاد نشان می‌دهد که بیشترین آثار برجا مانده از او به گونه سخنرانی و بیانیه‌هایی است که به مناسبت‌های مختلف در سیمینارها و سمپوزیم‌های ملی و بین‌المللی ارائه کرده است. به ویژه در سال‌های اخیر عمر که در هجرت بود، طی ده سال از ۱۳۶۷ ه. ش. تا ۱۳۷۷ ه. ش. بیش از ۸۰ سخنرانی در محافل و مجالس مختلف داشته است که گردآوری و چاپ آن، مجموعه گران‌ار جی را فرادست می‌آورد.

از دکتور جاوید ده‌ها کتاب و رساله به جا مانده و صدها مقاله از وی در داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده است که عناوین زیر شامل آن‌ها می‌شود:

نوروز خوش آیین، اوستا، رایحه صلح در فرهنگ ما، مدارا و مروت در ادبیات فارسی، آثار برگزیده دری، افسانه‌های قدیم شهر کابل، نگاهی به اشعار دری خوشحال خان ختک، قرائت دری صنوف هفتم، هشتم و نهم، جغرافیای افغانستان، تاریخ ادبیات دری، تحقیق در املا و انشای فارسی و چندین کتاب درسی دیگر برای فاکولته ادبیات پوهنتون کابل.

هم‌چنین از استاد مقالات فراوانی در داخل و خارج کشور به نشر رسیده، که به گونه نمونه چندی از آنها را نام می‌بریم: آریانا، خراسان و افغانستان، آشنایی با بیدل، افسانه بابۀ نوروز، افغانستان مهد پیدایش زبان دری، درود بر زن درود بر مادر، سرگذشت تاج‌التواریخ و گستره ادب دری در جامعه ترکی‌زبانان.

نمونه نثر دکتور عبدالاحمد جاوید

در کابل از قدیم یک ماه پیشتر از فرارسیدن نوروز مردم به پیشواز بهار و پذیرایی از سال نو هر جمعه بیرون شهر می‌روند و با جمع شدن در محل خاص به سیر و گردش و شور و سرور می‌پردازند و با پختن غذاهایی مانند سبزی، ماهی و جلبی و تهیه انواع سرگرمی‌ها از نوروز خوش آیین استقبال می‌کنند...

نام قدیم باغ بابر هم «باغ نوروزی» بود. از زمانی که بابر وصیت بابر جنازه او را از آگره به کابل آوردند و درین باغ دفن کردند معروف به باغ بابر شد. از دیگر جاهایی که مردم در روز نوروز جمع می‌شوند دامنه کوه خواجه صفاست، با درخت‌های خوش‌رنگ ارغوانش، و هم باغ معروف چهلستون با شگوفه‌های عطرآگین بادامش. مردم در ایام بهار دسته دسته در این باغ به خصوص موسم شکوفه بادام و گل ارغوان می‌آیند و در سایه فرحبخش درختان می‌نشینند. کباب دashi می‌پزند و قیماق‌چای را

با کلمه‌های نمکین و یا شیرین نوش جان می‌کنند. از قدیم در شهر کابل به پیشواز بهار کوچه‌ها، خیابان‌ها و جاده‌ها را از فراز تا فرود پاک می‌کردند؛ خانواده‌ها خانه‌تکانی می‌کردند. به خصوص اجاق و دیگدان آشپزخانه را رنگ می‌کردند، تا برکت آورد... اهالی شهر، پیش از تاریکی، چراغ روشن می‌کردند و دوکانداران دکان‌های خود را چراغان می‌کردند؛ آذین می‌بستند و به انواع آئینه و قالینچه می‌آراستند. خوب به یاد دارم، رسته‌های دکان‌های چارچته، شوربازار و بازار ارگ، چارسو، و یا چارسوق، را که با انواع آئینه‌های بلور، منظره‌ها، تصویرها، قالینچه‌ها، سوزنی‌ها، چلچراغ‌ها و حتی کشکول و تبرزین و پوست پلنگ آراسته می‌گردید، و قناری‌های خوش‌آواز پشت میله‌های قفس چهچه می‌زدند. دکان‌داران با شربت‌های خوشمزه و شیرینی‌های گوناگون و کلمه‌های نوروزی و حتی هفت میوه و ایراد مطایبه‌ها و شوخی‌ها از آشنایان و دوستان پذیرایی می‌کردند. شب‌ها با شمع و مشعل، فانوس و مهتابی همه جا روشن می‌بود. از مدت‌ها پیش، شیرینی‌پزها، کلمه‌پزها، نخود پزها، نقل و بادام، حلوی مغزی، سوهانک، حلوی پشمک و شیرپیره درست می‌کردند. سبزی فروش‌ها انواع سبزی ترکاری، به خصوص سبزی‌پالک را که نشانهٔ سرسبزی و خرمی بود به مشتریان عرضه می‌کردند.

«نوروز خوش آیین» نوشتهٔ دکتر جاوید



بخوانیم و بدانیم

۱. دکتر احمد جاوید، فرزند میرزا عبد الصمد خان، در نهم جدی سال ۱۳۰۵ هـ. ش. در محلهٔ «پایان چوک» کابل زاده شد.
۲. آموزش‌های ابتدایی را در مکتب شماره ۲، متوسطه و لیسه را در مکتب حبیبیه به پایان رسانیده دکتورای ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران به دست آورد.
۳. استاد جاوید افزون بر زبان مادری (فارسی دری) به زبان‌های پشتو، انگلیسی، عربی، فرانسوی و تا حدودی به زبان روسی آشنا بود و ترجمه‌هایی از انگلیسی و پشتو به دری دارد.
۴. در سال ۱۳۴۰ هـ. ش. رتبهٔ علمی پوهاند یا پروفیسوری را حاصل کرد. در سال ۱۳۶۵ از سوی اکادمی علوم افغانستان به عنوان اکادمیسین و در سال ۱۳۶۶ هـ. ش. از سوی وزارت اطلاعات و کلتور، لقب «کارمند شایستهٔ فرهنگ» را به دست آورد.
۵. استاد جاوید در سال ۱۳۶۷ هـ. ش. افغانستان را ترک کرد. مدتی در پاکستان و بعد در لندن مقیم شد.
۶. از دکتر جاوید ده‌ها کتاب و رساله؛ مانند: نوروز خوش آیین، اوستا، رایحهٔ صلح در

فرهنگ ما و... به جا مانده و صدها مقاله از وی در داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده است.

درست بنویسیم

- در مورد نوشتن پسوند صفت نسبتی «-ی» در پیوستن با واژه‌های پایان یافته به الف ممدوده، الف مقصوره، واو، وهای غیرملفوظ، نیز قاعده کلی آن است که به شکل (یی) نوشته شود؛ مانند:

- با الف ممدوده

کانادا + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = کانادایی؛ مانند: این مرد کانادایی در اصل زاده کشور لهستان است.

- با الف مقصوره

درین گونه واژه‌ها، یای پایانی واژه به الف ممدوده مبدل گردیده و قاعده الف ممدوده بران تطبیق می‌شود؛ مانند: لیلی - ی + ا (= لیلای) + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = لیلایی؛ مانند: ماهرو جلوه لیلایی داشت.

- با واو

اگر پیش از «و» حرفی مضموم قرار گرفته باشد، در آن صورت یای پسوندی را باید به شکل «یی» نوشت؛ مانند: جادو + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = جادویی؛ مانند: جادوه، جادو + یی.

اما اگر پیش از «و» حرفی مفتوح قرار گرفته باشد، در آن صورت تنها پسوند صفت نسبتی به پایان واژه علاوه می‌شود و برای نوشتن یای میانوند واسطه ضرورتی نمی‌افتد؛ مانند: خسرو + ی (پسوند صفت نسبتی) = خسروی؛ مانند: ما در جاده خسروی باهم ملاقات کردیم.

- باهای غیرملفوظ

قهوه + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = قهوه‌یی؛ مانند: من بالاپوش قهوه‌یی خود را گم کرده‌ام.

- با «ی»

پلخمری + ی (میانوند واسطه) + ی (پسوند صفت نسبتی) = پلخمری‌یی؛ مانند: در مسابقات پهلوانی امسال، یک پهلوان پلخمری‌یی به مقام اول دست یافت.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد شخصیت دکتر جاوید باهم گفتگو نموده و واضح سازند که



وجود این چنین اشخاص در جامعه باعث چه چیزی می شود؟ سپس نتیجه را یک نفرشان به دیگران انتقال دهد.

۲. شاگردان تصویر مقابل را با موضوع «بهار» ارتباط داده، چند تن شان در مورد آن سخنرانی کنند.

املا و نگارش

- ۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خویش بنویسید.
۲. با در نظر داشت قواعدی که در مورد نوشتن خواندید، در کتابچه های تان متنی بنویسید که حد اقل دو نوع از آن قواعد در آن به کار رفته باشد.

خود آزمایی

۱. داکتر عبدالاحمد جاوید کی بود، در کجا درس خواند و کدام رتبه های علمی را از کجا به دست آورد؟
۲. او به جز از افغانستان، دیگر در کدام کشور به چه کاری مشغول شد؟
۳. استاد جاوید افزون بر دری و پشتو بر کدام زبان های دیگر تسلط داشت؟
۵. پنج اثر چاپ شده و پنج مقاله او را نام ببرید.
۶. پسوند صفت نسبتی «-ی» در پیوستن با واژه های پایان یافته به الف ممدوده و های غیرملفوظ به چه شکل نوشته می شود؟ با مثال واضح سازید.

کارخانه گی

۱. در باره شخصیت علمی داکتر عبدالاحمد جاوید یک مقاله بنویسید.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:
 اصل وقت از گردش خورشید نیست وقت جاوید است و خور جاوید نیست
 در جهان روشن تر از خورشید شو صاحب تابانی جاوید شو
 علامه اقبال
۳. متن کامل درس بیست و هشتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس بیست هشتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد و در اخیر همین سؤال‌های از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱- فرخی کی بود؟ ۲- قصیده معروف «سومنا» از کدام شاعر نام آور است؟ ۳- فرخی قصیده سرای کدام دربار بود؟

۴- پیرامون سبک و ذوق فرخی چه می‌دانید؟ به گونه مختصر توضیح دهید.

۵- دیوان فرخی شامل چند هزار بیت بوده و در کدام یک از قالب‌های شعری آن را سروده است؟ ۶- فرخی گذشته از شاعری دیگر در کدام فن استاد بوده است؟

فرخی

از شعرای بزرگ دربار سلطان محمود و سلطان محمد غزنوی فرزند ابوالحسن علی بن جلولغ متخلص به فرخی است. او ذوق لطیف و قریحه خوب و آواز خوش داشت و چنگ نیکو می‌زد. در شعر به ویژه قصیده را خوب ساخته و از آن فن طرز خاصی به وجود آورده است. فرخی، از صله و انعام ابوالمظفر احمد بن محمد امیر چغانیان آگاه گشت، قصد دربار او کرده همراه کاروانی شد و قصیده‌یی در وصف شعر خود و مدح امیر گفت چون به چغانیان رسید امیر برای داغ کردن کره گان به داغگاه رفته بود. پس فرخی قصیده خود را به خواجه عمید اسعد که پیشکار ابوالمظفر بود عرضه داشت و او فرخی را با خود به داغگاه برد و در ضمن از او درخواست نمود تا شعری در وصف داغگاه بسراید و او همان شب قصیده معروف داغگاه را نظم کرد که مطلع آن این است:

چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار پرریان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار
روز دیگر قصیده را پیش امیر خواند. امیر شعر شناس بود و از این قصیده حیرت کرد و شاعر را بناخت و صله فراوان بخشید.

بعد فرخی به دربار سلطان محمود غزنوی روی نهاد و سلطان محمود نیز او را همچنان گرامی داشت و او به دربار پادشاه مقام بلند یافت و دارای ثروت شد و جاه و جلال پیدا کرد؛ چنانکه خود در قصیده‌یی گوید:

با ضیعت آبادم و با خانه آباد با نعمت بسیارم و با آلت بسیار
هم با رمه اسپم و هم با گله میش هم با صنم چینم و هم بابت فرخار
ساز سفرم هست و نوای حضم هست اسپان سبکبار و ستوران گرانبار
از ساز مرا خیمه چو کاشانه مانی وز فرش مرا خانه چو بتخانه فرخار

فرخی قسمت عمده قصاید خود را در باره شاهان غزنوی سروده، سلطان محمد و پسرانش ابو احمد محمود و مسعود و برادرش امیر یوسف و وزراء و ندمای آنان را مدح کرده و از آن جمله در ستایش ابو احمد محمد گفته است:

چهار چیز گزین بود خسروان را کار نشاط کردن چو گان وزم و وزم و شکار
ملک محمد محمود آمد و بفزود بر آن چهار بتوفیق کرد گار، چهار
نگاه داشتن عهد و بر کشیدن حق بزرگ داشتن دین و راستی گفتار

دیوان فرخی بیشتر از نه هزار بیت دارد و گذشته از قصاید حاوی، غزل‌ها و قطعه‌ها و ترجیع‌بند و رباعی‌ها است. معاصران و اخلاف فرخی مانند: عنصری و رشیدالدین و طواط و دیگران او را ستوده اند. فرخی گذشته از شاعری در عروض و نقد الشعر استاد بوده و کتابی در این علم با اسم ترجمان البلاغه تألیف نموده و آن به مرور زمان از میان رفته است؛ و لی رشیدالدین و طواط آن را دیده و در تألیف کتاب حدائق السحر خود از آن استفاده کرده است. فرخی در سال ۴۲۹ هـ ق. وفات یافته است.

سبک و ذوق فرخی: فرخی نیز مانند عنصری غالب قصاید و مدایح خود را با وصف بدایع طبیعت شروع کرده و در تغزل قدرت نشان داده است. به طور کلی این شاعر در لفظ و معنی مهارت به سزا داشته و تشبیهات لطیف و طبیعی به کار برده و از تعقید و تکلف اجتناب ورزیده و بیشتر اشعار را ساده و شیرین سروده است. برای نمونه می‌توان قصیده‌یی را که با وصف ابر شروع می‌کند متذکر شد که در عبارات و تشبیهات آن صفت سخن پردازی شاعر هویدا است و مطلع آن قصیده این است:

برآمد نیلگون ابری ز روی نیلگون دریا
چو رای عاشقان گردان چو طبع بی‌دلان شیدا

چو گردان گشته سیلابی میان آب آسوده
 چو گردان گردبادی تند گردی تیره اندورا
 بیارید و ز هم بگسست و گردان کشت بر گردون
 چو پیلان پراگنده میان آبگون صحرا
 تو گفתי گرد زنگار است بر آیینۀ چینی
 تو گویی موی سنجابست بر پیروزه گون دیا
 به سان مرغزار سبزرنگ اندر شده گردش
 بیک ساعت ملون کرده روی گنبد خضرا
 تو گفתי آسمان دریاست از سبزی و بر رویش
 به پرواز اندر آورده است ناگه بچه گان عنقا
 می بینیم که استاد در این چند بیت طبیعت را سخن می نگارد: توده های ابر را مانند رأی
 عاشقان و طبع دل‌باخته گان گردان و شیدا می بیند و آن‌ها را به سیلابی که میان آب
 ساکن آید به گردبادی که به هوا بر خیزد یا به مرغزار گردنده و بچه گان عنقا که بر
 روی دریا به پرواز در آیند تحشیه می نماید.
 برخی از اشعار فرخی معانی تاریخی دارد، زیرا وی ندیم سلطان محمود و در بسی از
 سفرهای هند با وی بود. ازین رو از جنگ‌ها و فتوحات سلطان، در قصاید خود سخن
 به میان آورده است:
 فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن نو آَرَ که نوراً حلاوتیست دگر
 فرخی از قصیده گویان درجه اول دری است، در سخن تواناست، طبعش روان و قصایدش
 صریح و آسان است و پیچیده گی و معانی پیچیده فلسفی ندارد؛ بلکه شعرش نماینده ذوق و
 قریحه است. لحن وزن و موسیقی شناسی او در آهنگ و پیوند نظم او مؤثر بوده و سخنش را از
 هر گونه تعقید بر کنار داشته است.
 تاریخ وفات فرخی را سال ۴۲۹ هجری نوشته اند.

توضیحات
 علم عروض: میزان سخن منظوم است و آن علمی است که از وزن اشعار
 بحث می کند.

از این رو آن را «علم عروض» نامیده اند که اشعار را بدان عرضه دارند
 تا وزن سالم از غیر سالم و درست از نادرست متمایز گردد. بنای اوزان عروضی، مانند
 وزن‌های صرفی به حروف فا، عین و لام (فعل) نهاده شده است.

درست بنویسیم



پسوندهای فاعلی در پیوند با واژه‌های پیشین شان به صورت زیر نوشته می‌شوند:

پسوند	با حروف پیوند پذیر	با حروف پیوند نا پذیر و (های) نا ملفوظ
ار	خواستار	خریدار، پدیدار، برخوردار
الف	گویا، بینا، دانا	شنوا، گیرا، پذیرا
ان	خواهان، جوشان، خروشان	دوان، سوزان، خندان
باز	نیرنگ‌باز، ریسمن‌باز	حقه‌باز، سرباز، چترباز
بان	پاسبان، باغبان، کشتیان	مرزبان، بادبان، آسیابان
بر	رهبر، رنجبر	بادبر، نمابر، نامه‌بر
چی	فرشچی، پستچی، قابچی	شکارچی، جارچی
گار	ستمگار، خدمتگار، کامگار	آموزگار
گر	ستمگر، آهنگر، سیمگر	دادگر، زرگر، کارگر
گیر	پیام‌گیر، راهگیر، کفگیر	دزدگیر، مارگیر، بهانه‌گیر
نده	گوینده، بخشنده، جهنده	دارنده، گزنده
کار	ستمکار، فراموشکار، گناهکار	مزدور کار، بسته کار

کار گروهی و سخنرانی



۱- شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و پیرامون شعر و شاعری فرخی به بحث و گفتگو بپردازند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهند.

۲- یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده دربارهٔ ممدوح فرخی (سلطان محمود غزنوی) و فتوحات وی معلومات دهند.

۳- چند شاگرد در مورد تصویر صفحهٔ بعدی سخنرانی کنند.



املا و نگارش

۱- متنی را که معلم گرامی به خوانش می گیرد به صورت املا در کتابچه های خود بنویسید.

۲- در باره شخصیت ادبی فرخی چند سطر بنویسید.



بیاموزیم

۱- دیوان فرخی بیشتر از نه هزار بیت دارد و گذشته از قصاید حاوی غزلیات، قطعات، ترجیع بند و رباعیات است.

۲- فرخی گذشته از شاعری در عروض و نقد الشعر استاد بوده و کتابی در این علم به اسم «ترجمان البلاغه» تألیف نموده است.

خود آزمایی

- ۱- سلطان محمود غزنوی را چرا بت شکن می گویند؟
- ۲- در مورد قصیده مشهور سومنات فرخی چه می دانید؟
- ۳- دیوان فرخی حاوی چند هزار بیت است؟
- ۴- فرخی گذشته از شعر به فن عروض و نقدالشعر هم دسترسی داشت. نظر شما چیست؟
- ۵- فرخی در کدام سال تولد و در کدام سال وفات یافت؟

کارخانه گی

- ۱- این بیت را به حافظه بسپارید:
فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن نو آر که نور را حلاوتیست دگر
- ۲- درس های گذشته را تکرار نموده و خود را آماده امتحان نمایید.

واژه نامه

اعیان	بزرگان، بزرگواران
اغراق	مبالغه و افراط در توصیف یا بدگویی
آ	کسی، گزافگویی
افراط	زیاده‌روی کردن.
اقتضا	لزوم، درخور بودن، مناسب بودن
اکراه	کسی را به‌زور و ستم به کاری واداشتن.
التزام	خلاف میل او.
القا	به امری عهده دار شدن کاری، ملازم شدن.
الگو	یاد دادن، آموختن
املاح	نمونه، طرح
اوهام	جمع ملح، به معنای نمک‌ها، منرال‌ها
ایجاز	جمع وهم به معنای: خیال، پندار، در دل گذشتن
ایقان	کوتاه و مختصر کردن سخن
ایما	یقین کردن، باور کردن.
	اشاره کردن، نشان دادن با انگشت
بالغ	جوان
برازنده	شایسته، لایق، زینده
برهه	قسمتی از وقت و زمان، روزگار
بسمل	هر حیوانی که آن را ذبح کرده و سر بریده باشند و یا با شمشیر نیم کشته باشند و یا نیمه‌جان
بصری	منسوب به بصر: آنچه که از طریق چشم درک شود
بلیغ	رسا، فصیح، کسی که دارای زبان رسا باشد
بهت	حیرانی، شگفتی
بهره	سود، نفع، فایده
پذیره	قبول و استقبال، جلو رفتن و پیشواز
پژوهشگر:	محقق، پژوهش‌کننده، کسی که تحقیق می‌کند
پویا	رونده، دونده
پیرایه	زینت، زیور، آرایش
پیشواز	استقبال، دم روی آمدن،
پیکر	جسم، جسد، تن، هیکل
تأخر	عقب انداختن، پس ماندن، دیرشدن
آذین	زیب، زینت، آرایش، زیور
آرایه	زیب، زینت، زیور
آرمان	آرزو، امید
آمال	جمع امل به معنای: امید، آرزو
آمیخته	درهم ساختن و مخلوط کردن دو یا چند چیز باهم
آیات	نشانه‌ها علامت‌ها و جمع آن آیه است
آشفته	پیشانی، شوریده، مضطرب، سرگردان
ابتذال	بی‌ارزش، مبتذل
آبر	بزرگ، کلان، نیرومند
ابهام	پوشیده سخن گفتن، پیچیده و غامض کردن سخن
اتباع	پیروی کردن، از پی رفتن.
احاطه	گرداگرد چیزی را گرفتن
اختلال	بی سرو سامانی، درهم و برهم شدن، بی‌نظم شدن
اختناق	خفه شدن، گلوگیر شدن، بند آمدن نفس
اختر	ستاره، بخت و طالع و اقبال، علم
ادراک	درک کردن، دریافتن، فهمیدن، پی بردن
اسباب	جمع سبب و سایل
استشهاد:	شاهد آوردن از قول یا گفته کسی در نوشته خود
اشتغال	کار کردن، مشغول شدن، به کاری پرداختن
اشراف	جمع شریف به معنای بلند پایه‌گان، نجبا
اشراق	درخشیدن، تابیدن، روشن شدن
اطلاق	استعمال کلمه‌یی به معنای مخصوص
	خواه به طریق حقیقت و یا مجاز
اعتلا	بلند شدن، برتری یافتن، بلندی، برتری
اعتیاد	عادت کردن، خو گرفتن
اعجاب	به حیرت واداشتن، کسی را به شگفت آوردن
اعجاز	انجام دادن کاری که دیگران از آن عاجز باشند.
اعراض	علایم، نشانه‌ها
اعم	شامل، فراگیر، همه‌گانی

تأدیب	تربیت کردن، تنبیه کردن	آوردن اصطلاحات علمی در شعر
تالار	سالون، اتاق بزرگ	تمايز
تأمل	اندیشه کردن، فکر کردن، درنگ کردن	جدا کردن، متفرق کردن، از هم دیگر تفاوت داشتن
تبلور	به شکل بلور درآمدن، شفاف شدن	تناقض
تتبع	دنبال کردن، در پی چیزی رفتن، جستجو کردن، تفحص	تهوع
		توالی
		توأم
تحت الشعاع:	زیر پرتو، آنچه که در اثر پیدایش چیزی دیگر از رونق افتاده باشد.	توفیق
تحریف	تغییر و تبدیل کردن، برخی از حروف یک کلمه را عوض کردن.	توهم
تحقیر	حقیر شمردن، خوار داشتن، کوچک کردن	تکلف
تحلیل	تجزیه کردن، حل کردن، گشودن	تکوین
تذهیب	طلاکاری، هنر تزئین اوراق کتاب با آب طلا و لاجورد	تهذیب
ترسیخ	راسخ ساختن، ثابت ساختن، قوی ساختن	ث
تزریق	داخل کردن محلول در زیر پوست بدن، پیچکاری کردن، دوا چکانیدن	ثغور
تزکیه	پاکیزه کردن، بی‌آلایش کردن	ج
تسمم	زهر آگین شدن، با زهر آلوده شدن	جسورانه
تشریع	بیان کردن و نمودار ساختن راه یا شریعت.	جعل
		چ
تشریک	شریک کردن، شرکت دادن	چاشنی
تشویر	اشاره کردن، آشوب و اضطراب، شرمساری.	چرخ
تصحیح	صحیح کردن، درست کردن، بی‌غلط ساختن یک نوشته	ح
تصحیف:	خطا خواندن، خطا کردن در نوشتن، تغییر دادن کلمه با کم کردن یا زیاد ساختن نقطه	حجب
تصلب	سخت شدن، محکم شدن	حجرب
تعجیل	شتاب کردن، شتافتن، عجله کردن	حجت
تعزیه	عزاداری کردن، سوگواری کردن	حسب
تفریط	کوتاهی کردن در کاری.	حکمت
تفکر قدسی:	اندیشه روحانی، افکار ملکوتی	حماسه
تقدم	پیش بودن، جلو رفتن، پیشی گرفتن	خ
تقلا	دست و پا زدن، کوشش و تلاش	خوارق
تلطیف	لطیف کردن، زیبا و دلپسند نمودن	د
تلمیح	اشاره کردن به قصه یا مثلی مشهور یا	طلب کننده، خواهنده، دعوت کردن

داور	قاضی، حکم کردن میان دو نفر	سمعی	منسوب به سمع؛ آنچه که از طریق گوش درک شود
دایم الخمر:	باده‌پرست، کسی که همیشه شراب می‌نوشد و نشه است.	سنت	طریقه، سیرت، قول و فعل پیامبر اسلام ﷺ آنچه پیغمبر ﷺ و صحابه بر آن عمل کرده باشند.
دایم الصوم:	کسی که همیشه روزه داشته باشد.	سوانح	جمع سانحه به معنای واقعه، حادثه، هر چیز ناگهانی، رویداد
دیو	انبار، محل ذخیره کردن.	سور	جشن، ضیافت، مهمانی، عروسی
رأفت	رحمت و مهربانی	سُوق	بازار، جای خرید و فروش
راغ	مرغزار، صحراء، دامن کوه، دامنه سبز کوه که وصل به صحرا باشد.	ش	چوپانان، نگهبانان گوسفندان
رثا	گریستن بر مرده و شعر گفتن در باره مرگ کسی با اظهار دلسوزی.	شبانان	عجله و تندى، چالاكى و سرعت
رَجَز	شعری که به هنگام جنگ برای مفاخرت خوانند.	شتاب	جمع شر، بدکار، صاحب شر
رده	صف، قطار، دسته، درجه	شور	نجیب زاده‌یی که درگروه اسپ‌سواران قرون وسطی پذیرفته شده بود.
رستگار	آسوده، نجات یافته، آزاد	شوالیه	بلوغ، فصاحت، بلاغت
روال	نظم، اسلوب، ترتیب، جریان	شیوا	آشکار شدن. ظاهر و هویدا.
روایت	نقل کردن خبر یا حدیث و سخن از کسی، حکایت	شیوع	
روند	روش، رفتار، طریقه	ص	مکانی بر سر کوه یا جایی بلند که راهب یا عابد، جهت عبادت آنجا به سربرد
ریوی	منسوب به ریه به معنای شُش (عضوی از بدن)	ض	کلان، بزرگ، ستبر، هنگفت
زالال	گوارا، صاف، خوشگوار	ضخیم	گمراه شدن، گمراهی
زوال	ناپایداری، نیستی و نابودی، آفت، بلا	ضالات	
ژست	وضع رفتار و حرکات، طرز حرکت و اعمال شخص	ط	تر و تازه شدن، شادابی
سانسور	تفتیش و مراقبت در مطالب کتب و جراید	طراوت	شاد شدن، شادمانی، اهتزاز و جنبش از اثر شادی و نشاط
سبیل	به وسیله دولت	طرب	
سترگ	راه آشکار، طریق	عار	عیب و ننگ
سجایا	بزرگ، عظیم، قوی‌هیکل، تنومند	عاری	برهنه، لخت، فاقد، میرا
سده	جمع سجه به معنای: طبع، خلق، خوی	عبر	عبرت، پند، پندی که از نظر کردن در احوال دیگران حاصل شود.
سقم	دورهٔ صد ساله، قرن، صد سال	عرصه	فضا، میدان، ساحه
سلاله	مرض، بیماری، نادرست بودن، ناصحیح بودن	عزلت	گوشه‌نشینی، دوری و کناره‌گیری از مردم
سمر	نسب، نطفه، خلاصه	عقود	جمع عقد.
	شب و سیاهی، دهر، روزگار، قصه و افسانه‌یی که در شب بگویند.	عقیم	نازا، زن یا مردی که از او فرزند به وجود نیاید

علو بلندترین چیز، برترین چیز، بلندی یافتن
عوارض جمع عارضه به معنای پیش‌آمد، بیماری،
حادثه، مرض

غ

غنامندی توانگری، دولتمندی، پربار شدن
غفلت فراموش کردن، از یاد بردن، بی‌خبری.

ف

فترت ضعف، سستی، کسالت، زمان میان دونوبت
تب

فراز بلندی، بالای مقابل نشیب و فرود
فرکانسی: اهتزاز صدا

فره‌یخته: ادب آموخته، ادیب، علم آموخته، عالم
فرود زیر، نشیب، پایین، مقابل فراز
فصیح کسی که خوب سخن بگوید و کلامش
بدون پیچیده‌گی باشد.

فقدان گم کردن، از دست دادن، گم شدن
فوران جوشیدن یا جهیدن آب از چشمه
فیوض جمع فیض به معنای خیر و برکت

ق

قدسیت پاکی، پاک شدن، منزّه بودن.
قرنیه بخش شفاف پرده صلبیه، که در جلو چشم
قرار دارد

قریحه طبع، ذوق، ادراک، قدرت طبیعی در
سرودن شعر و کتابت
قریحت طبیعت، ادراک، طبیعت شاعری و
نویسنده‌گی

قفا پشت گردن و در فارسی به معنی دنبال و
پشت سر نیز می‌گویند.

ک

کاخ قصر، عمارت بزرگ و عالی که دارای
چندین اتاق باشد.

کانون مرکز
کالالت خسته شدن؛ مانده شدن
کلیوی منسوب به کلیه به معنای گرده (عضوی از بدن)

گ

گزند آسیب، آزار، آفت
گسترده پهن کرده، منبسط، فراگیر

ل

لهو بازی، آنچه مایه سرگرمی باشد.

م

مات و مبهوت: حیران، سرگشته، سرگردان
مأخذ جمع مأخذ به معنای سرچشمه، منبع، جای
اخذ شده از آن.

مانوس مأنوس انس گرفته، آشنا
مایل میل کننده، گراینده به چیزی
مباهات فخر کردن، نازیدن به کسی یا چیزی
مبتذل پیش پا افتاده، بی‌ارزش، خوار و ناپسند،
بی‌قدر و قیمت

مینا بنا کرده شده، پایه و بنیان، اساس
متانت نیرومندی، وقار، محکم بودن، استوار بودن
مترادف دو یا چند کلمه که در صورت مختلف و
در معنی یکسان باشند.

متروک ترک شده، وا گذاشته
متصوفه متصوفان، گروه صوفیان
متعدد بسیار، بی‌شمار، چیزی که بسیار باشد
متناظر نگرنده به هم، نزدیک به هم

متوالی پیاپی، پشت سرهم، پی در پی
متون جمع متن به معنای عبارات اصلی کتاب،
رساله و مکتوب، مقابل حاشیه

مثنی هشت‌رکنی، هشت‌تایی، هشت‌جزئی
مجال داشتن وقت و فرصت، جولان کردن، جولانگاه
محاسن جمع حسن به معنای نیکویی و خوبی
محتوا چیزی که چیز دیگری را دربر دارد

محدث کسی که حدیث نقل کند، کسی که
سخنان پیغمبر ﷺ را روایت کند، عالم به
علم حدیث.

محرک تحریک کننده، جنباننده
محوطه زمینی که دور آن دیوار کشیده شده باشد
مَحَك سنگی که طلا و نقره را به آن می‌مالند و
عیار آن را آزمایش می‌کنند.

محیل حیل‌گر، فریبکار
مدارج جمع مدرج و مدرجه به معنای درجه‌ها،
پایه‌ها، مراتب

مدون تدوین شده، فراهم آمده، گردآوری شده،

منسوخ	از بین برده شده، باطل شده، رد کرده شده	جمع آوری شده	
منفعل	اثرپذیرفته، شرمنده، شرمسار	مرثیه	شعر یا سخنی که درسوگواری و یا مدح میت خوانده می شود.
مواریث	جمع میراث	مساعی	کوشش ها، تلاش ها، سعی ها
مواهب	بخشش ها	مستمر	دوامدار، دوام یافته، دایم
موجز	مختصر، کوتاه، سخن کوتاه و مختصر	مسوده	نامه یی که نوشته شود تا بعد اصلاح و پاک نویس کنند
مودت	دوستی کردن.	مشتاق	آرزومند، مایل و راغب به چیزی
موهبت	بخشش، آنچه که به کسی ببخشند	مشتق	جدا شده، کلمه یی که از کلمه دیگری جدا و ساخته شده باشد.
مکاتیب	جمع مکتوب به معنای نوشته	مشروبات:	نوشیدنی ها، آنچه از مایعات که نوشیده شود
ن		مشیت	اراده و خواست خداوند عزوجل
نادر	کمیاب، آنچه کم به دست آید	مصاب	مصیبت زده، سختی دیده، مشقت کشیده
ناهنجاری:	عدم تناسب، بی تناسب بودن، نامتناسب	مصوبات	جمع مصوبه به معنای قسمتی از قانون
نخبه	برگزیده	مضحک	خنده آور
نژاد	اصل و نسب، تبار	مظاهر	جمع مظهر به معنای دیدنی، جای ظهور، پشتیبان
نسخ	جمع نسخه به معنای مطلبی که از روی کتاب نوشته باشند.	معاصرت	طبق زمان ساختن
نصوص	جمع نص به معنای کلام صریح و آشکار که دارای یک معنی باشد.	معایب	جمع معاب به معنای عیب ها و بدی ها
نقاد	سره کننده و جدا کننده خوب از بد	معترضه	جمله خارج از موضوع که میان کلام وارد شود
نکبت	مصیبت، رنج، بیچاره گی	معضلات	مشکلات، دشواری ها
نماد	نماینده، نشانه، علامه	معطوف	بازگردانده، مورد توجه واقع شده، کلمه یی که به کلمه ماقبل عطف شود
نهضت	جنبش، حرکت، قیام	مغذی	غذا دهنده، تغذیه کننده، پرورنده
و		مفروق	جدا از هم، پراکنده شده، جدا کرده
وادی	گشاده گی میان دو کوه، دره	مقاطع	جمع مقطع به معنای محل قطع و برش
واکنش	عکس العمل	مقبول	قبول شده، پذیرفته شده، پسندیده شده.
والا	بالا، بلند، بلندمرتبه	مقتضی	خواهش شده، طلب شده، درخواست شده
وثایق	جمع وثیقه به معنای سند	مقتضیات:	شایسته ها، حاجات، ضرورت ها
ویترین	قفسه شیشه یی قطعی مانند	مقوله	سخنی که بار بار گفته شده باشد، سخن گفته شده، گفتار
ویرایش	پیراستن، منظم کردن، بی عیب ساختن	ملاک	اصل هرچیز، مایه، معیار
هـ		ملحق	پیوسته، وابسته، متصل
هسته	قسمت مرکز اتم. و همچنان دانه میان میوه مثل دانه زردآلو.	ملمسوس	قابل لمس، لمس شده، قابل درک و دریافت
همگون	همانند، همرنگ، شبیه	ممتد	پی در پی، پشت در پشت، پیاپی
هول	خوف، ترس، هراس	منثور	سخن غیرمنظوم، پراکنده، متفرق
هویت	هستی، وجود، حقیقت، شناسنامه		
هیاهو	غوغا، جار و جنجال، داد و فریاد		
هنر	فراست، کیاست، زیرکی و هوشیاری		

فهرست منابع

- ۱- -----، استعمال سگرت و الکول از دیدگاه تاریخ، ساینس، طب و دین، چاپ اول، اعجاز پرینتینگ هاوس، پشاور، پاکستان، ۱۳۷۰ هـ.
- ۲- احمد شاه بابا، شعبه تاریخ، اکادمی تربیه معلمین، سال چاپ ۱۳۴۶ هـ. ش.
- ۳- احمد نژاد، دکتور کامل، معانی و بیان: -تهران: انتشارات زوار، چاپ دوم ۱۳۸۵ هـ. ش.
- ۴- اخگر، مطهر شاه، آگاهی از خطرات ماین، مهمات منفجرناشده و معلولیت، ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی، وزارت معارف، کابل، افغانستان، ۱۳۸۷ هـ. ش.
- ۵- آرال عزیز الله، اوزبیک- ترکی تیلی الفبازی
- ۶- آرمیچل، ترنس، مردم در سازمان‌ها، دکتور حسین شکر کن (ترجمه)، انتشارات رشد، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۷ هـ. ش.
- ۷- الوعی الاسلامی (مجله شهریه)، تصدیرها و زاره الاوقاف و المشئون الاسلامیه، الاعداد ۱۲۱، ۱۲۳ (المحرم، ربیع الاول)، السنه الحادیه عشره، الکویت، ۱۳۹۵ هـ. ش.
- ۸- انصاری، خواجه عبدالله مناجات‌نامه، انتشارات فرهنگ و قلم، تهران، ایران ۱۳۸۶ هـ. ش.
- ۹- باترا، ویجی و پرامد، اندیشه‌های خوب برای همه، هیئت ا... اسدی (ترجمه)، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۸۱ هـ. ش.
- ۱۰- بارز، دکتور عابدین، گفتارهایی در زمینه جامعه، فرهنگ، آزادی و تعلیم و تربیت، انتشارات: بنگاه انتشارات میوند چاپ اول ۱۳۸۶ هـ. ش
- ۱۱- بانو شکفته، دکتور صغری، شرح احوال و آثار فارسی امیر علیشیر نوایی متخلص به فانی تحقیق و نگارش: چاپ اول ۱۳۸۷ هـ. ش. ناشر: انتشارات بین المللی الهدی
- ۱۲- بخشی علی آقا، افشاری راد مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار، چاپ دوم ۱۳۸۶ هـ. ش.
- ۱۳- بلخی، محمد حنیف حنیف، پر طاووس یا شعر فارسی در آریانا، به کوشش، اسدالله حنیف، چاپ دوم ۱۳۸۱ هـ. ش.
- ۱۴- بیتاب، ملک الشعراء، مفتاح الغموض قافیه و عروض، چاپ اول، از نشرات فاکولته ادبیات، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان، ۱۳۳۳ هـ. ش.
- ۱۵- بیدل (ابوالمعانی)، کلیات بیدل، جلد اول (غزلیات)، مطبعه وزارت معارف، کابل، ۱۳۴۲ هـ. ش.
- ۱۶- تهانوی، علامه اشرف علی، ازدواج اسلامی، ترجمه علامه محمد ابراهیم دامنی، انتشارات صدیقی، چاپ پنجم ۱۳۸۵ هـ. ش.
- ۱۷- جاوید، احمد (دکتور)، عارف عزیز (به کوشش)، نوروز خوش آیین، چاپ دوم، انجمن فرهنگ افغانستان، کابل، افغانستان، ۱۳۸۴ هـ. ش.
- ۱۸- جمشید، دکتور جمрад به کوشش، کلیات اشعار جمشید شعله، انتشارات شهر آفتاب، تهران، چاپ اول ۱۳۷۹ هـ. ش.
- ۱۹- حسینی، رضا سید حسینی، مکتب‌های ادبی، چاپ نهم، انتشارات نیل، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۶۶ هـ. ش.
- ۲۰- حقانی زنجانی، حسین، حقوق خانواده در اسلام، انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، تهران
- ۲۱- خبره زاده، دکتور علی اصغر گزیده ادب فارسی، مؤسسه انتشارات نگاه تهران ۱۳۷۱ هـ. ش.
- ۲۲- د احمد شاه بابا دیوان، مقدمه حبیب الله رفیع، سال انتشار ۱۳۷۸ هـ. ش.
- ۲۳- دکر، برت، مدیریت فرایند ارتباطات موثر، دکتور بهزاد رمضان (ترجمه)، انتشارات نشر دایره، چاپ اول تابستان ۱۳۷۹ هـ. ش.
- ۲۴- دیوان حضرت میرزا عبدالقادر بیدل، چاپ مطبعه حروفی ماشین‌خانه، کابل، ۱۳۳۴
- ۲۵- رادپور، فاطمه و دیگران راهنمای درس هنر، انتشارات اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، چاپ اول ۱۳۸۵ هـ. ش

- ۲۶- رزمجو، دکتور حسین، مبانی آموزش زبان و ادبیات فارسی، ناشر: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده خاورشناسی، دانشگاه پنجاب، لاهور.
- ۲۷- رزمجو، دکتور حسین، مبانی آموزش زبان و ادبیات فارسی، به کوشش دکتر آفتاب اصغر و غلام معین الدین نظامی، انتشارات پوهنتون پنجاب
- ۲۸- رساله الجهاد (مجله شهریه)، تصدرها جمعیه الدعوة الاسلامیه، الاعداد ۳۱، ۳۵، ۳۷ (رجب، ذو القعدة، المحرم)، طرابلس، الجمهوریه الشعبیه اللیبیه، ۱۳۹۴هـ.ش.
- ۲۹- سعدی، شیخ مصلح الدین شیرازی، بوستان، تصحیح محمد علی فروغی، چاپ هشتم ۱۳۷۸، هـ.ش. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۳۰- سنگری، دکتر محمد رضا و دیگران، فارسی اول راهنمایی - خواندن، انتشارات شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول ۱۳۸۵هـ.ش
- ۳۱- شفق، دکتور رضازاده تاریخ ادبیات ایران؛ چاپ اول ۱۳۶۹هـ.ش. چاپخانه آرمان، انتشارات آهنگ.
- ۳۲- شمیسا، دکتور سیروس، بیان و معانی، چاپ هشتم، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- ۳۳- شمیسا، سیروس (دکتر)، انواع ادبی، چاپ دوم، انتشارات فردوس، تهران، ایران، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- ۳۴- صادقی، جمال میر، قصه، داستان کوتاه، رمان، چاپ اول، انتشارات کمیته دولتی، کابل، افغانستان، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- ۳۵- طوسی، خواجه نصیر الدین، دکتور جلیل تجلیل (تصحیح و اهتمام)، معیار الاشعار، چاپ اول، نشر جامی، انتشارات ناهید، تهران، ایران، ۱۳۶۹ هـ.ش.
- ۳۶- عطایی، ابراهیم، نگاه مختصری به تاریخ معاصر افغانستان، ناشر: مرکز نشراتی میوند، کتابخانه سبا.
- ۳۷- علوی مقدم، محمد و اشرف زاده، رضا، معانی و بیان: تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ ششم ۱۳۸۴هـ.ش.
- ۳۸- غبار، میر غلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، چاپ اول، مطبعه دولتی، کابل، افغانستان، ۱۳۴۶ هـ.ش.
- ۳۹- غلام، محمد، هنر و ادب فارسی، چاپ پنجم، انتشارات مدرسه، تهران، ایران، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۴۰- فرخاری، احمد یاسین، درست بنویسیم (فرهنگ املاي زبان دری)، چاپ اول، انجمن هنر و ادبیات افغانستان، انتشارات سعید، کابل، افغانستان، ۱۳۸۷هـ.ش.
- ۴۱- فرخاری، الحاج مولوی غلام محمد، رجال معاصر، حاجی عین الدین (عینی)، (زیر طبع).
- ۴۲- گیلانی، احمد سمعی و دیگران، زبان فارسی سال دوم دوره رهنمایی تحصیلی، ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ایران-تهران، چاپ چهاردهم ۱۳۸۷هـ.ش.
- ۴۳- گیلانی، احمد سمعی، نگارش و ویرایش، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) چاپ پنجم ۱۳۸۳ هـ.ش. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران.
- ۴۴- گیوی، دکتور سید حسن احمدی، زبان و نگارش فارسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت) چاپ پنجم زمستان ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۴۵- ماحوزی، مهدی، به کوشش، برگزیده نظم و نثر فارسی، چاپ اول ۱۳۶۹هـ.ش
- ۴۶- محمد غلام، هنر و ادب فارسی، انتشارات مدرسه، چاپ پنجم ۱۳۸۶ هـ.ش
- ۴۷- مقدم، دکتر محمد علوی و دکتر رضا اشرف زاده، معانی و بیان، چاپ ششم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- ۴۸- مودودی، سید ابوالاعلی، حجاب، ترجمه پوهاند نعمت الله شهرانی، انتشارات دارالعروبه لدعوة الاسلامیه لاهور، چاپ اول ۱۹۸۸م.
- ۴۹- مولوی، عباس علی، صنایع ادبی، چاپ اول، چاپخانه اتحاد، تهران، ایران، ۱۳۵۹ هـ. ش.